

# امور آهنگاریه

شماره ۲۹

رشاد

ISSN 1606-9226

سال هشتم - تابستان ۱۳۸۰ - بها ۱۵۰۰ ریال





استاد ابوالحسن خان صدیقی

آرامگاه فردوس - مشهد، توس







مدیر مسؤول: علیرضا حاجیان زاده  
 سردبیر: جعفر ربانی  
 مدیر داخلی: منصور ملک عباسی  
 طراح گرافیک: پریسا سندس  
 چاپ: شرکت افست (سهامی عام)  
 تیراژ: ۱۲۵۰۰  
 نشانی دفتر مجله: تهران،  
 صندوق پستی ۷۵۸۵/۱۵۸۷۵  
 تلفن امور مشترکین: ۸۸۳۹۱۸۶  
 E-mail: Roshd.of@yahoo.com

- ◆ سرمقاله
- ◆ دینی و قرآن
- امام زمان (عج) از زبان امام علی (ع) (۴)
- ◆ فارسی
- خلاقیت و تمرین‌هایی برای پرورش آن در نگارش (۷)
- امثال و حکم در شعرها (۱۱)
- ◆ ریاضی
- مبتنا یا پایه (۱۸)
- ◆ علم و فناوری
- نخستین فضانوردان (۱۴)
- ◆ زبان انگلیسی
- (۲۵) Gravitation
- ◆ هنر
- پیکر تراش معاصر ابوالحسن صدیقی (۲۷)
- ◆ تاریخ
- بررسی کتاب‌های درس تاریخ دوره... (۲۹)
- ◆ تعلیمات اجتماعی
- نقش خانواده در جامعه پذیری... (۳۶)
- ◆ بهداشت عمومی
- نهیضت دست‌های پاک (۴۳)
- ◆ عمومی
- تعلیم و تربیت و تحکّم (۳)
- مرز دوستی (۲۳)
- مسلمانان و جهانی شدن (۳۴)
- مشکل مواد مخدر (۴۰)
- معرفی کتاب (۴۶)
- نامه‌ها (۴۸)
- ◆ نمایه



انتشارات کمک آموزشی، این مجلات را منتشر می‌کند:  
 کودک (ویژه پیش‌دبستان و دانش‌آموزان کلاس اول)  
 دانش آموز (ویژه دانش‌آموزان دوم و سوم دبستان)  
 دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان چهارم و پنجم دبستان)  
 و جوان (ویژه دانش‌آموزان دوره راهنمایی) رشد جوان  
 دانش‌آموزان دوره متوسطه (مجلات رشد معلم، رشد  
 آموزی آموزشی، و آموزش ابتدایی، آموزش فیزیک-  
 شیمی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان  
 ریاضی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش جغرافیا،  
 معارف اسلامی، آموزش تاریخ، آموزش تربیت  
 برای دبیران، آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، مدیران  
 و کارشناسان آموزشی و پرورشی



ت آموزش و پرورش  
 بان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
 انتشارات کمک آموزشی

# پایان... و... آغاز

با این شماره هشت سال انتشار مجله رشد راهمایی تحصیلی را پشت سر می گذاریم و با شماره آینده سال نهم را آغاز می کنیم. از کتبه دبیران محترم و مدیران علاقمند که تاکنون با این مجله همراهی داشته اند سپاسگزاریم و امیدواریم بتوانیم پاسخگوی نیازهای علمی و آموزشی آنان باشیم. در اینجا لازم است چند نکته را با شما خوانندگان عزیز مجله، همچنین مسئولان امور آموزشی از حیطه مدیران مدارس و کارشناسان محترم در میان بگذاریم:

تا آنجا که آمار و ارقام مرکز توزیع محلات رشد نشان می دهد، استقبال از این مجله - از سوی دبیران و همکاران - در مجموع خوب است اگر چه کاملاً راضی کننده نیست. می گوییم «کاملاً» زیرا توزیع مجله در میان استان های کشور بسیار نامورون و از این جهت شگفت انگیز است.

فی المثل در حالی که برخی استان ها مجله را برای همه مدارس راهمایی خود در سطح استان مشترک تهیه و در اختیار آنها قرار می دهد، یا استان های بیشتری مدارس را تحت پوشش محلات رشد قرار می دهد، ملاحظه می شود که در پاره ای از استان های دیگر دریافت مجله در حدی است که در واقع گسویی اصولاً مجله توزیع نمی شود و چه بسا دبیران محترم از انتشار آن اطلاع صحیحی ندارند در حالی که می دایم بسیاری از آنان علاقمند و مشتاق دریافت مجله اند. باری، به نظر می رسد مسئولان محترم آموزشی و نیز مسئولان توزیع در استان ها لازم است اهتمام بیشتری به معرفی مجله به دبیران و مدیران مدارس داشته باشند.

\*\*\*

این شماره چنان که ملاحظه می کنید، ویژه نامه های معهود را ندارد. اگر چه یک ویژه نامه مستقل ۵۶ صفحه ای درباره حرفه و فن دارد که همزمان انتشار یافته و فقط در اختیار دبیران حرفه و فن گذاشته شده است. تصویر روی جلد این ویژه نامه را در پشت جلد همین شماره ملاحظه می کنید.

\*\*\*

در این شماره نمایه شماره های ۱۲ تا ۲۹ را در شش صفحه در پایان مجله می بینید. این نمایه در عین سادگی و به ظاهر اختصاری که دارد آینه تمام نمای شماره های مذکور و قسمت کارنامه ما در زمینه های مختلف درسی است. ما معتقدیم مجموعه مضامین و مقالاتی که در هر زمینه، مثلاً ریاضی یا جغرافی، طی این شماره ها به چاپ رسانده ایم، خود منبع خوبی از مطالب مختلف برای دبیران هر رشته است. امیدواریم دبیران هر هجده و علاقمند به مباحثات علمی از آن به نحو مطلوب استفاده کنند.

\*\*\*

ما امیدواریم بتوانیم شماره های آینده را با تنوع بیشتر و بهتری تقدیم شما کنیم و مقالاتی در زمینه های بهداشت، تربیت بدنی و فناوری که تاکنون کمتر بدان پرداخته ایم، در مجله درج کنیم و یا در زمینه معرفی کتاب های خواندنی مشی مناسب تری در پیش گیریم.

در همین جا یادآوری کنیم که ویژه نامه شماره بعدی ما به درسی «تاریخ» اختصاص دارد که می گوئیم آن را تا پایان آبان ماه به شما تقدیم کنیم.

\*\*\*

این شماره در اوایل مهر ماه به دست شما می رسد. در همین جا سال تحصیلی ۸۱ - ۸۰ را به شما دبیران، مدیران، مسئولان گروه های آموزشی و دانش آموزان تبریک می گوئیم و برایتان سالی پربرکت و پرباشا را آرزو می کنیم. لطفاً به ما نامه بویسید. پیشنهاد بدهید. نوشته ها و گفته های ما را نقد یا از آن انتقاد کنید، درباره شیوه های کار خود مقاله بویسید و در برابر کردن مجله سهمی به عهده بگیرید. خدا نگهدار شما.



آموزش و تفریح  
رشد  
مجله علمی و تخصصی



# تعلیم و تربیت و تحکم

داپرولیبوف  
احمد سمبعی

فرمان برداری مطلق در عین حال که جسارت و استقلال روح را در کودک می کشد، بر روی عواطف او نیز تأثیر زیان آوری می گذارد. آگاهی کودک از منش و برخی حقوق انسانی، اگر هم فطری نباشد، بسیار زود، در او، صورت می بندد. این آگاهی الزاماً ارضای حسن شخصیت را ایجاب می کند که همان توانایی بر پیروی از هواهای خویش است، به جای آلت بی اراده غیر بودن. همین که امیال کودک ارضا شد، یعنی همین که (دست کم تا حد معینی) به وی آزادی فکر و استقلال عملی ارزانی گردید، خود را شاد، صمیمی و سرشار از عواطف خویش نشان می دهد، شیرین خو و عاری از هر گونه زودرنجی می شود و با خوش رویی و هشیاری فرمان هایی را که در دست می یابد اجرامی کند. به خلاف، هنگامی که مزاحم فعالیت کودک می شوند و امیال او را زیر فشار می نهند، و او نه رضای خاطر می یابد و نه خواهان است به دست می آورد و نه توضیحی منطقی می شنود، کاملاً طبیعی است که دچار تیره خلقی و فشار روحی می شود، نسبت به دیگران دشمنی می ورزد و قربانی پست ترین عواطف و تمایلات می شود. شاگرد در روابط خود با مربی خود نیز، تا زمانی که خواص مطلق یک ماشین را کسب نکرده، یعنی اطاعت برای او عادت نشده است - بسیار خشم پذیر و بی اعتماد است و از آن پس هر چند تا حدی موفق شده است که شخصیت خود را نفی کند، در قبال مربی، که تنها خواستار اجرای بی چون و چرای فرمان های خویش است، همچنان رفتار دشمنانه ای دارد، چه کودک، با غریزه ای درست ولی مبهم، در وجود مربی، دشمن و خفه کننده فردیت خویش را سراغ می گیرد. فردیتی که آدمی هرگز نمی تواند از آن یک سره دست بکشد.

برخی معتقدند که «نلاش کودک به منظور این که اراده خویش را مغلوب کند و آن را مطیع اراده غیر سازد، نیروی اخلاقی او را رو به کمال می برد و این نلاش، بعدها، چون تربیت کودک به انجام رسیده، او را قادر خواهد ساخت که بر خود فرمان راند و آنچه را که خرد و وجدان به وی حکم می کند به اجرا در آورد.» سراسر این استدلال ما را به یاد پدر دوراندیشی می اندازد که می خواست در فرزند خود چالاکي جسمانی را پرورش دهد. پس او را بر پهنای تخته باریکی که بیش از یک متر از زمین ارتفاع داشت می خوابانید و در این حالت وادارش می کرد که خودش تعادل خویش را نگاه دارد. کودک دست و پا می زد و نقطه اتکایی می جست، و چون نمی یافت رمق از دست داده از بالای تخته به زمین می افتاد و جیغ هراس انگیز می کشید. کودک در پرتو این ورزش بس زیان بخش بسیار بد پرورش یافت؛ علاوه بر این بعدها هرگز نتوانست بی آن که بلرزد، حتی از پللی بگذرد.

دیر زمانی است که اسلوب درمانی بدنی با بدنی شناخته شده است و هم دیر زمانی است که عواقب خوفناک آن به چشم می خورد. اگر کودک از تاریکی بترسد، وی را در اتاقی تاریک حبس می کنند، اگر از خوراکی بدش بیاید عملاً یک هفته تمام همان خوراک را به خوردش می دهند. اگر خوش کند که در خانه بماند و کتاب بخواند، او را به گردش روانه می کنند، اگر بخواهد بدود، به وی فرمان می دهند که آرام بنشیند. و غالباً این فرمان ها را نه برای آن که لازم و سودمند است، بلکه به منظور تربیتی محض و خالی از غرض خاص می دهند؛ به این منظور که کودک به فرمان برداری خو گیرد.

این دعوی که فرمان برداری نیروی اراده را پرورش می دهد، درست در حکم آن است که پسپایی به کودک بگوییم «فکر نکن» و بدین سان کم ترین جنبش عقل را در وجود او از میان ببریم، و آنگاه چنین نتیجه گیری کنیم که این کار استعداد های مغزی او را می پروراند، چون که باید در کینه ضمیر خویش درستی نظر ها و نادرستی اعتراضات خود را بررسی کند. تربیت کودکان بدین طریق چه آسان است!





# امام زمان (عج) از زبان امام علی (ع)

محمدحسن مکارم

بنابر این، هیچ جای تعجب نیست که امیرالمؤمنین (ع) با آن ارتباط منحصر به فردی که با رسول خدا (ص) داشته، پیش از همه، از این حادثه بزرگ مطلع بوده و به تبع پیامبر (ص)، از وقوع آن سخن گفته باشد. این خود حکایت از استفاضه علی (ع) از علم الهی و تعلیمات نبوی دارد و مقام بی‌بدیل ایشان را در میان صحابه ثابت می‌کند و در زمره پیشگونی‌های آن حضرت به شمار می‌رود.

در نهج البلاغه صحبت از یک قاعده کلی شده است و حیر از استعزاز امامت داده شده، امامان دوازده گانه را سه ستارگان آسمان تشبیه نموده، که در مجموع جاموشی ندارند؛ هرگاه یکی

غروب کند، دیگری طلوع می‌نماید و بدین سان نعمت‌های خداوند

در حق مردم کامل می‌شود و انتظار به نتیجه می‌رسد.

الا ان مثل آل محمد، کمثل نجوم السماء، اذا خوی نجم، اذ خوی نجم، فکانکم قد تکاملت من الله فیکم الصنائع و اراکم ما کتم تأملون<sup>۲</sup>.

در جای دیگر (از این کتاب می‌خوانیم که امام (ع) دست صحابی گرفتند خود، کمیل بن زیاد را گرفته، به صحبتم می‌برد و به او حکمت‌ها می‌آموزد. حضرت ابتدا اقتدار مردم را برای او به سه دسته تقسیم می‌کند: عالم ربانی، متعلم کوشا و فرومیگانی که به عالمند و نه متعلم، بل حویثین را به دست باد می‌مبارند و از آرزوهای خود ندارند. سپس، از شرافت علم، در مقایسه با ثروت، کلامی بلیغ سر می‌دهد، و از این که کسی نیست تا از چشمه‌های علم و معرفت حضرتش اشباع گردد، نأسف می‌خورد که چرا باید عالم، یا عالمی که حامل آن، بمیرد.

در ادامه، کمیل را حیر خوش می‌دهد که زمین هر دو از حجت خدا حالتی نمی‌ماند، چه این حجت، آشکار باشد (مثل زلزله است) و

چون بنده علی  
تولدت اول ذر، انک انما قد خلقی سرت خیر  
قدم بر سر اسبکم تعین انکم نواشیریم عارنکم امام خیرکم  
اخرم بدین سر رسیده بدی روش ایشانیت شستندم فخرن بدین  
حضرت بیا انجس سورت باطل امر دعات و انک انما اول درج  
ممانت برین خفت برینا بولدی بنسبتی سن دوش نماز بدین کرم بهمان  
صابت بیگانه اندازد انما انما اول ازینا سورت کتور کتور  
ضوابط بریزش همی اگر میاید پیش استنک کا بنابرین

در مقاله پیشین، شخصیت و عظمت پیامبر اکرم (ص) را از منظر امام محمد، علی (ع) نظاره کردیم. در این مقاله برآنیم که اشارات حضرتش را به عیت و ظهور منجی عالم بشریت، مهدی موعود (عج) مرور کنیم و عالمانه زمه‌ساز فرجش گردیم.

قبایل ذکر است که مسأله «مهدویت» از صدر اسلام جزیه لاینفک اعتقادات مردم بوده و این اندیشه و باور قلبی، اختصاص به شیعیان نداشته است، بل همه مسلمانان بر این باور بوده‌اند و انتظار استقرار حکومت عدل جهانی را به دست ناکمیت قائم

آل محمد (ص) می‌کشیدند، همان طور که ابن خلدون می‌گوید:

ندان که بین عموم مسلمین شهرت دارد که قطعاً در آخر الزمان، مردی از اهل بیت پیامبر (ص) ظهور خواهد کرد که دین را تقویت نموده و عدل را ظاهر می‌سازد. مسلمانان از او پیروی می‌نمایند و او بر ممالک اسلامی چیره می‌شود و به «مهدی» مشهور است.

از آنجا که شخص پیامبر اسلام (ص) روایات متعددی پیرامون این انقلاب جهانی و خصوصیات و هیر آن بیان فرموده، محدثین شیعه و سنی کتاب‌های فراوانی در این زمینه نوشته‌اند تا جایی که اطلاعات قابل توجهی در مورد امام زمان (ع) و انقلاب او، حتی سال‌ها قبل از تولد حضرتش، در کتب حدیث جمع‌آوری و تدوین شده است و اسمی آنها را می‌توان در کتاب ارزشمند «منتخب الاثر» و امثال آن مشاهده کرد.

از جمله این روایات، حدیث شریف نبوی است که می‌فرماید: اگر از عمر دنیا بیش از یک روز نمانده باشد، آن روز به پایان نمی‌رسد، مگر آن که مردی از اهل بیت من ظهور می‌کند و دنیای ستم‌زده را به عدالت و صلاح برمی‌گرداند.<sup>۳</sup>

امام زین العابدین



چه پنهان (مثل امام دوازدهم) :

اللهم بلى! لا تخلو الارض من قائم لله بحجة، اما ظاهراً مشهوراً، او خائفاً مغموراً.<sup>۲</sup>

آنگاه به توصیف ائمه هدی (ع) می پردازد که چگونه وجود آنان مایه حفظ دین خدا و معارف و احکام آن است. در مورد تعدادشان، به همین تعداد اکتفا می کند که «اندک اند» گرچه نزد خداوند «گرانقدر» می باشند. اینان علوم الهی را در سینه دارند و به امثال خود می سپارند؛ با برخورداری از این معرفت، به حقیقت و نورانیت رسیده اند، لذا، آنچه برای نازپروردگان دشوار است، در نزد ایشان سهل و هموار است، و آنچه نادانان از آن رسیده اند، به آن خو گرفته اند؛ گرچه بدنهانشان در دنیا است، اما، روحشان متصل به ملا اعلی است؛ همان هابند خلفای خدا در زمین و فراخوان مردم به حقیقت و دین.

امیرالمؤمنین (ع)، پس از ذکر اوصاف فوق، شوق بی حد و حصر خود را به دیدن امامان بعد از خود، و از جمله امام عصر (عج)، آشکار می کند و سپس با کمال خداحافظی می نماید:

اولئك خلفاء الله في أرضه، والدعاة الي دينه، آه! آه! شوقاً لى رؤيتهم

از نشانه های زمان نزدیک به ظهور این است که هواهای نفسانی جایگزین احکام رحمانی می گردد و هرکسی قرآن را به رأی خویش برداشت می نماید؛ به طوری که وقتی امام زمان (ع) آیات و احکام را با علم امامت خویش بیان می فرماید، بعضی از به اصطلاح دینداران و مدعیان مسلمانی بانگ بر می آورند که او دین و آئین جدید آورده است؛ در حالی که اسلام ناب را به دور از تفسیرهای به رأی ارائه می دهد و به اجرا درمی آورد؛ از این رو علی (ع) می فرماید:

بِعَظْفِ الْهَوَى ' عَلَى الْهَدَى ' ، اِذْ عَظَفُوا الْهَدَى عَلَى الْهَوَى ، وَ بِعَظْفِ الرَّأْيِ عَلَى الْقُرْآنِ ، اِذْ عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ .<sup>۳</sup> (وقتی که موعود بپاید) هدایت الهی را جایگزین امور نفسانی کند، و آرای مردم را به قرآن برمی گرداند، پس از آن که آنها قرآن را تابع رأی خویش کرده اند.

آنگاه ادامه می دهد که پس از آتش افروزی ها و تلخ کامی هایی که بر شما خواهد گذشت، بالاخره حاکمی از غیر نبار «پادشاهان» خواهد آمد و حاکمان را به جرم کردار زشتشان مؤاخذه می کند. در آن روز زمین گنجینه های خود را بیرون اندازد و کلیدهایش را تسلیم آن بزرگوار می کند؛ او سیره و روش عدالت در حکومت را به شما نشان می دهد، و آن چه را که از احکام کتاب و سنت متروک شده است، احیا خواهد کرد.

در خطبه ای دیگر، به پیروی از پیامبر گرامی (ص)، موعود را از سلاله اهل بیت، و نه از غیر آن، معرفی می نماید و مردم را به انتظار فرج حضرتش دعوت می کند و باز گوشه ای از خصائص او را همراه

با توجهی به ایام غیبت و امتحان مردم، بازگو می نماید:

آگاه باشید! کسی که از ما، آن فتنه ها را درمی یابد، در تاریکی اش، با چراغ هدایت قدم برمی دارد؛ به سنت نیکان عمل می کند، تابندی را بگشاید و اسیری را از قید ضلالت و گمراهی برهاند. او تجمع گمراهان را پراکنده سازد و پراکندگی اهل حق را به جمع بَدک می کند؛ (در ایام غیبت) کسی او را نمی بیند و در آن مدت، گروهی صیقلی می شوند، آنگونه که آهنگر، شمشیرها را صیقل می دهد؛ چشم هایشان به نور قرآن جلا یابد و تفسیر آیات خدا در گوش هایشان جامی گیرد و هر صبح و شام جام های حکمت نوشند.<sup>۴</sup>

امام علی (ع) ایام ظهور مهدی (عج) و استقرار دولت او را، ایام بازگشت و رو آوردن دنیا به آل محمد (ص) لقب می دهد و در تشبیه زیبا می فرماید: «دنیا در آینده به ما رو کرده، مهربانی ورزد، آنگونه که ماده شتر بدخو و گازگیرنده به سوی بچه خود برمی گردد.»<sup>۵</sup> و به دنبال آن آیه شریفه سوره قصص را می خواند که حکایت از اراده قطعی الهی بر حاکمیت مستضعفان بر کره زمین دارد:

و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

امام صادق (ع) نیز در عهد خود، در اشاره به حکومت امام عصر (ع) و انتظار آن، بیت زیر را ترنم می کرد:

لِكُلِّ أَنْاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا  
وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الدَّهْرِ تَنْظُرُهَا

دیگر، امام (ع) از نشانه های مهدی فاطمه، در دو قرن قبل از ولادتش، چه بگوید که مورد سوء استفاده مهدی نمایان در طول تاریخ قرار نگیرد و امثال منصور دوانیقی، فرزند خود را ملقب به مهدی نکند و احادیث مربوط را به نفع او تحریف و به مردم قالب ننماید.<sup>۶</sup> خداوند انقلاب اسلامی ما را به ظهور حضرتش منتهی نماید و ما را لایق لقاء او و جهاد در رکابش قرار دهد- آمین.

زیرنویس:

- ۱- کتاب مقدمه ابن خلدون- ص ۳۶۷ (عربی)
- ۲- مدینه فاصله در متون اسلامی، محمدحسن مکارم- ص ۲۴۷ به نقل از اکمال الدین صدوق
- ۳- نهج البلاغه- خطبه ۹۹ فیض الاسلام
- ۴- همان- حکمت ۱۳۹
- ۵- همان- خطبه ۱۳۸
- ۶- همان- خطبه ۱۵۰
- ۷- همان- حکمت ۲۰۰
- ۸- منتخب الاثر، لطف اله صافی ص ۱۶۹
- ۹- نقش ائمه در احیاء دین ج ۶- ص ۱۱ تألیف مرتضی عسکری





# اخلاقیت و قهر بین‌هایبی

## برای پرورش آن در کار نگارش

احمد سمیعی (گیلانی)

در روزهای ۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت امسال، شهر یزد شاهد برگزاری چهارمین مجمع علمی آموزش زبان و ادب فارسی بود. این مجمع که تاکنون، به ترتیب و هر سال، در یکی از شهرهای شیراز، تبریز، سنندج و یزد برگزار شده توانسته است توجه قاطعه دبیران زبان و ادب فارسی و نیز پژوهشگران و صاحب نظران این رشته را به خود جلب کند. ره آورد ما از مجمع امسال برای خوانندگان ارجمند مجله رشد راهنمایی، مطلقی است از استاد احمد سمیعی: نویسنده، مترجم، زبان‌شناس و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی. این مطلب متن تکمیل شده و نهایی سخنرانی استاد در مجمع است که ایشان لطف کردند و

آن را پس از بازنویسی و ویرایش در اختیار ما قرار دادند. ضمن تشکر از استاد سمیعی توجه خوانندگان عزیز، بویژه دبیران فارسی و دیگر علاقمندان به مباحث ادبی و هنری را به مطالعه نوشته ایشان جلب می‌کنیم. رشد. اخلاقیت نسبی است. محصول اخلاقیت همواره بکر و بدیع جلوه نمی‌کند. آنچه نیروی نو و متکبرانه بود امروز چه بسا کهنه و متداول شمرده شود. از همین رو است که میان زبان رایج و عادی و زبان ادبی نمی‌توان از این حیث خط فصل روشنی کشید. در زبان عادی عناصری هست که در آغاز نوآورانه و خلاف عادت قلمداد می‌شد. مثلاً در لاله به معنی انواعی حافظ برای شمع یا در چشمه و هزارستان چه بسا صفت تشبیه و ردائتعبیر

دید می‌شده اما امروز کسی به این حاصلت ادبی آنها توجه ندارد. این در پیش، معادل «بصیرت» است که جنبه عقلانی دارد و با ادیان به حس باصیرت دار این فرق ماهوی است. اکنون عبور از محسوس به معقول در نظر می‌آید. کتابیات مشهور نیز در همین حکم اند. در تغییرهای چول سر فرود آوردن و سیر بالا، دیگر کسی عمل شده‌اند. سیراغ نمی‌گیرد. در زبان مجاوره، تعبیرهای کتابی بسیاری هست که استفاده از آنها را کسی مهارت هنری به حساب نمی‌آورد. در زبان هنری مجلی، عباراتی اصطلاحی وجود دارد که برای اهل زبان عادی آسایشی را به زبان معیار نگذاشته شود. شاعران به چنین می‌کنند. مثلاً در کتکی و اگر در تالی که

آموزش زبان و ادب فارسی





از محرمات به شمار می‌آید. نبوغ او در نطفه خفته می‌شد.

آموزش و پرورش نیز جزء شرایط محیط است. اگر کاری کنیم که آموزش و پرورش، بنابر تعلیم اساسی روسو، با انسان تطبیق یابد نه انسان با آموزش و پرورش، استعدادها شکوفا و بارور خواهد شد. برخلاف، اگر آموزش و پرورش خود به مانعی بر سر راه رشد بدل شود و، حتی بالاتر از آن، به صورت بار گرانی بر کودک تحمیل شود، استعدادها خشک و پژمرده خواهد گشت و بی‌بار و بر خواهد ماند. آموزش و پرورش باید پشتوانه سائقه طبیعی و آرمینده آن و حتی گاهی پدیدآورنده آن باشد.

باری، تحکم در آموزش و پرورش همواره اثر مخرب دارد. فرمان‌برداری مطلق از معلم، در عین حال که جسارت و استقلال روح را در متعلم می‌کشد، برای عواطف او نیز آثار زیان‌باری دارد. این معنی را بروسیو یوف، با دلایلی بسیار قوی به اثبات رسانیده است. وی از جمله این پرسش‌ها را مطرح می‌سازد که: چه پیش خواهد آمد اگر، در مثل، معلم از نوشته‌های پیچیده و خشک و بی‌جان خوشش بیاید و بخواند شاگردش را به حفظ کردن آن وادارد و شاگرد

آن، آغاز می‌شود تا برسد به آفرینش هنری محض. استعداد خلاقیت از همان آغاز ولادت در کودک وجود دارد. کودک از همان دوران، حیوانی است اجتماعی و مستعد تفکر. در وی همه استعدادهای جهانی و ذهنی و عقلانی هست. مؤید وجود استعداد عقلانی، آمادگی معجزه‌آسای کودک برای یادگیری و کاربرد خلاق زبان است. همین که کودک قادر است به مواد و مصالح زبانی آرایش‌هایی نو بدهد دلیل بر آن است که عمل انتزاع و تجرید و ترکیب مفاهیم را انجام می‌دهد؛ یعنی فکر می‌کند. فرایند تفکر و فرایند یادگیری و کاربرد زبان یکی نیست؛ ولی این دو فرایند ملازمه دارند و در مراحل رشد، گاهی در عین توازی، از هم جدایند؛ گاه کمابیش بر یکدیگر منطبق‌اند، و سرانجام، در مراتب عالی‌تر تفکر، در یکدیگر ادغام می‌شوند.

اما استعداد خلاقیت، هر چند فطری است، باید بارورش ساخت. سرمایه اولی کمابیش مهم است، ولی حاصل به آن بستگی دارد که با این سرمایه چگونه رفتار و عمل شود. پرورش این استعداد و بارور ساختن آن به شرایط محیط وابسته است. استعداد موسیقی موتسارت از کودکی نمایان گردید. از بخت خوش، شرایط برای پرورش این استعداد او مساعد بود. به گزارش خود او، پدرش با موسیقی آشنایی داشت. از خانه همسایگان او الحان موسیقی به گوش می‌رسید. در کشوری زاده شده بود که مردمش شیفته موسیقی بودند و موسیقی خوراک روزانه‌شان بود. چه پیش می‌آمد اگر این شرایط وارونه می‌بود؟ یعنی:

پدر او را از نزدیک شدن به آلات موسیقی منع می‌کرد، همسایگان از تمرین او زبان به شکایت می‌گشودند، در محیطی فرهنگی می‌زیست که موسیقی در آن حرمتی نداشت یا

خوایش نمی‌آید به زور بخواهند بخوابانند می‌گویند «ماهی زنده را دارند نمک سود می‌کنند!» و در این شیوه بیان چه بسا برای فارسی‌زبانان هنری بییند.

می‌بینیم که خلاقیت از جهات متعدد نسبی است و تلقی ما از فرآورده آن وابستگی تام به شرایط فرهنگی دارد. آنچه در فرهنگی تعبیری عادی است در فرهنگی دیگر چه بسا غیر عادی و هنرمندانه به نظر آید. برای ما فارسی‌زبانان، سنبل در معنای «زلف تاب‌دار» یا سمن در معنای «روی سپید لطیف» یا لعل در معنای «لب» مستندل و مستعمل می‌نماید؛ ولی همین نمادها برای مثلاً فرانسوی زبان نازه و شاعرانه است.

این شواهد می‌رساند که زبان و ادبیات از حیث تعبیرات، پیوستاری را می‌سازند و نمی‌توان گفت مرز قطعی آنها از این جهت کجاست. مرز ثابت نیست و مدام از دوره‌ای به دوره دیگر و از فرهنگی به فرهنگی در تغییر است. این خاصیت پیوستاری عموماً در واقعیات مصداق دارد. البته این هست که ما برای تعقل و تفکر نیاز داریم که واقعیات سیال را قالب بندی کنیم، هم چنان که زیست‌شناسی، برای مطالعه باخته، تاگزیر است در زیر ذره بین آن را از حرکت باز دارد. ما، برای این که واقعیات را به قالب‌های محدود فکر خود در آوریم تاگزیر آنها را ساده می‌کنیم.

خلاقیت، علاوه بر آن که نسبی است مقول به تشکیک است؛ یعنی مراتبی دارد. همین که کودک مدلول جمله‌هایی را که هرگز به گوشش نخورده می‌گیرد عملی خلاق انجام می‌دهد. حتی همین که جمله‌ای را که شنیده است باز شناسی می‌کند و مدلول آن را باز می‌یابد عملی خلاق انجام می‌دهد. خلاقیت زبانی از این مرتبه نازل و شاید، چون درست تعمق کنیم، نازل‌تر از

از پیش به نوشته‌های ساده و رنده و ساروح علاقه پیدا کرده باشد و سوشنه غسوس را میان نهن و بی مغز یافته باشد<sup>۱</sup> به این نکته نیز باید توجه داشت که معنی و متعلم از یک نسل نیستند و به خصوص، در جهان متحول کنونی، نیازمندی آنها و ذوق و سلیقه آنها متفاوت است. از آن سو، مری عادتاً نه تنها نیازمندی‌های روزگار نو را پیش‌بینی نمی‌کند، آنها را درک هم نمی‌کند و چه بسا بروج و بیهوده بناید. وی می‌کوشد تا به شاگرد خویش همیشه‌ها و صوابیتی را بفولاند که بر وجود خود او حاکم‌الد نقش پدر و مادر ببرد. در این باب، گاهی منعی است. آنان غالباً به آن جهت گرایش دارند که راه را بر نقش و خیال‌ورزی و رؤیابواری کودک بپندند. بسیاری از کودکان که دچار ضعف نیروی خیال‌اند، از آنهایی هستند که، پیش از هنگام، برای مهیا کردن گرایش آنان به خیال‌پروری تلاش‌های خیره‌سازانه‌ای به کار برده‌اند. کم‌دکانی که تاج این مستم آشکارند از اندیشندیم دارند. حتی بسیاری از اهل دانش، با نوالدی خلاقیت به میزانی در حدیالاً، در اثر که جراتی نهاد با چهره‌های شناخته‌شده و بر می‌روند و به آنها آرایش می‌دهند، در حالی که از آنان توقع گشک می‌توان داشت. آموزش و پرورش که نقش اساسی آن تجهیز فرد است، برای کارهایی که مقتضای مسافه‌ی ذاتی اوست، به او کمک می‌کند تا آن ایمنی و آزادی روانی را که برای بروز استعدادهای خلاق ضروری است به دست آورد.

نتیجه آن که به علائم بروز خلاقیت در کودک باید حساس بود و آن را بشازرتی شمرد. اگر رفتار یا افکار کودک، که در نظر اول غریب می‌نماید، مرتأ به یاد تمسخر گرفته شود، برای شکوفایی قوه خلاقیت او قاجعه‌بار است. راهما باید فکر کودک را پذیرا شود. کودکان نوآفرین، چون احساس

کنند که درک نمی‌شوند، به ناچار خود را در سکوت غصان امیری محسوس می‌سازند. البته نوجوی همواره فرین کامیابی نیست. لیکن ناگامی، فقط موقماً، دل‌سردی پدید می‌آورد. اگر نگذاریم که متعلم، ضمن رویدرو شدن با خطر شکست و خطا و لغزش، یادگیرد، به استقلال فکری و روحی او که لازمه رشد هر کار خلاق است، لطمه رده‌ایم. به جست‌وجو و کنجکوی کودک باید میدان داد. کنجکوی کردلسه چرخ فعالیت اکتشافی است و به کودک امکان می‌دهد که در فضائی خیال به پرواز درآید و سپس، در بازگشت از فراحسای رؤیاه، درباره جهان واقعی به طرح پرسش‌های تازه بپردازد. معنی ما باید در این باشد که تحمیل کودک را به راه‌های درخور هدایت کنیم و از او مشاهدگی نافذ و معروض تجارب هر چه بیشتر و متنوع‌تر بسازیم.

این راه‌ها در دست‌دانت گه بروز خلاقیت در کودک زمینه‌ای مساعدتر دارد؛ چون کودک اسیر عادت و عرف و رسم و پیش‌دوری نیست. جنودهای رفتاری او به طبیعت سانه انسان نزدیک بر و در آنها آشبار بازدارنده تمدن و زندگی جمعی مرسوم کمتر است.

بررسی جهان کودک و طبیعت او به ما می‌گوید که دنیای او استظیری است. از این رو، تعلیم و تربیت امروزی، برای پرورش عواطف و نیروی فکری کودک، سوزده از افسانه و قصه‌باری می‌گیرد. جهان تصاویر افسانه‌ای، برای کودک عرمه‌ای است و برای طبیعت و جامعه، و سی پر جاذبه‌تر و پر بسوی‌تر از آن؛ همچنان که ورود به جهان آرمان برای سالمندان و حتی سالخورده‌گان بهانه‌ای است برای گریز از زندگی مبتدل و از روزمرگی نه‌ساز و طراوت‌کش.

از آنچه گفته شد ساسی کنار بردی می‌توان گرفت و احساناً هم‌دهنی می‌توان

### بیرون کشید

۱- تکرار مکررات و تعارفات معرهدی خلاق را بی‌اشتها و حوات‌الد می‌سازد و هر گاه معنی آن را شنیده اصلی آموزش بسازد، چه سنادن‌های خلاق را در چهره از حوات کند.

۲- به فکرهای بکر و اصل باید توجه کرد و ارزش واقعی آنها را بر خود کودک نمودار ساخت. کودک سادشایی خود اعتماد به نفس و جرأت اکتگر پیدا می‌کند.

۳- حل همه مسائل انسان در دبیرس باید به او کمک کرد. سیدوی آن روش مفروضی در این راه بسیار مناسب است.

۴- راه‌حل‌های خود را به قسه‌ان باید به کودک تحمیل کرد.

۵- به کودک باید مجال داد که، با وقوف بر همه‌جا است امروزی، در سوره آن قضاوت شده به انتخاب دست‌بند.

هیچ حکمی را که از بورمی یک جنبه حاصل شده باشد باید به کودک تلقین کرد. منظره یکی از راه‌های شوق انگیز از اسباب شمرده می‌شود که ضمناً شادک‌ایه تلاش فکری و پژوهش و استعداد از همه امکانات ذهنی خود را می‌دارد. هم چنین، نظر خود اهی از شاگردان و کند و بوی و جمع بندی آنها و شحه‌گیری درست از آنها، البته با دحالت مستقیم خود شاگردان، برای پرورش قوه تصویب مستقل اندیشیدن بوده‌اند است. قیس آن که محیط درسی را زنده و پر جوش و خروش می‌سازد.

۶- برای تشجید ذهن متعلم و پرورش خلاقیت او تمرین‌های عملی می‌توان پیش نهاد کرد. از جمله می‌توان

- تاریخ، دن صفات اشاء و اشخاص را او خواست که نام آنها بنویسد.
- رویدادی را گزارش کرده، آنها را حل



که واکنش های گوناگون احتمالی را در برابر آن حدس بزنند.

● بخشی از داستانی کوتاه یا قصه ای را خواند و خواست که دنباله آن را به ذوق خود بنویسد.

● یکی از راه های متعدد حل مسئله و مشکلی را نشان داد و خواست که راه یا راه های دیگری پیش نهاد کند.

● طرح مسائلی از جناب شاگردان، در ساره امری، را تشویق کرد و برای رسیدن به طرح درست مسئله آنها را راهنمایی کرد.

● از شاگرد خواست که دو چیز از جهاتی واجد سختی را مقایسه و وجوه اشتراک و افتراق آنها را تعیین کند.

● از شاگرد خواست که نتایج و آثار رویدادی را پیش بینی کند.

● از شاگرد خواست که علل و اسباب پدیده و رویدادی را بررسی کند.

در زمینه تقویت زبان و قوه بیان مقصود نیز می توان از تمرین هایی از انواع زیر کمک گرفت: از شاگردان خواست که:

● برای شبنم - مثلاً قالی، خانه، درخت - صفات مناسب برشمارد؛ مانند زمینه لاکتی، نقش کاشی، نقش ماهی، ترکمی، گرهی (برای قالی)

● برای عمل خاصی - مثلاً راه رفتن، خواندن، نوشتن - قیدهایی مناسب متعدد و متنوع ذکر کند؛ مانند تند، کند، آهسته، باوقار، به شتاب، لنگان لنگان و سلاطه سلاطه برای راه رفتن.

● برای فعل های بسط فعل های مرکب متناظر بیاورد و بالعکس؛ مانند روشن کردن متناظر افروختن.

● برای کلمات دخیل عربی متناظر فارسی سره بیاورد، مانند هم نشینی متناظر مصاحبت.

● برای واژه ها متضاد بیاورد؛ مانند آشکار برای پنهان، گشاد برای بست، مستی برای هشیاری.

● برای کلمات متناظر نمادین بیاورد؛ مانند سنبل برای موی ناب دار، کیوتر برای صلح، عقاب برای جنگ طلبی، پلنگ برای کبر، مور برای سخت کوشی، جغد برای شومی، هما برای بخت و اقبال.

● برای کلمات زذال تعبیر بیاورد؛ مانند شحنه نجف برای حضرت امیر علیه السلام، سید کائنات برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، شاه جنگل برای شیر، عروس آسمان شب برای ماه.

● برای مفهومی تعبیر کنایی بیاورد؛ مانند موی دماغ شدن متناظر مزاحم شدن، سپهر انداختن متناظر تسلیم شدن.

● آن معانی را که با شنیدن کلمه ای تداعی می شوند نام ببرد؛ مانند موج، صدف، غرقاب، ساحل، کشتی؛ برای دریا.

● برای فضا سازی انتخاب واژه ها و تعبیرهای درخورد را بیازماید؛ مثلاً واژه های شاد، خندان، خوش، شیرین، سرمست، شکر خند، شوق، شور، برای فضای شادی.

● جمله های پراکنده را به صورت متن منسجمی درآورد یا بندهای متنی را برای نظم منطقی دادن به آن جابه جا کند.

● چکیده و خلاصه متنی را بنویسد.

● ساخت متن را با نشان دادن اجزای اصلی و فرعی آن و نام گذاری این اجزا بنمایاند.

● با در دست داشتن رئوس مطالب (ترهای) موضوع آنها را پیروارند.

● از روی وصف ظاهر فرد در ساره خصوصیات او دآوری کند.

● با دیدن تصاویر مسلسل یک داستان آن را بازسازی کند.

در اینجا سخن در موضوع اصلی به پایان رسید. لیکن در این مجمع نظرهایی اظهار شد که با مسئله پرورش خلافت ربط مستقیم دارد. اجازة می خواهم به کوتاهی توضیحاتی در باب آنها عرض کنم؛ چون از

این آراء، احتمالاً به خلاف منظور نظر صاحب رأی، چه بسا چنین برداشت شده باشد که نگارش خلاق تعلیم دانی نیست؛ چون عنصر نوآوری در کار هنری صرفاً محصول ناخودآگاه است.

این معنی که اثر هنری صرفاً از ناخودآگاه برمی آید محل تأمل است. این درست است که بسیاری از مایه های عاطفی که در ناخودآگاه لنگر انداخته اند در آثار هنری به صورتی مجال بروز پیدا می کنند. اما اثر

هنری خصوصاتی دارد که نمی تواند تنها محصول ناخودآگاه باشد. حتی سوررئالیست ها که، به تأثیر آراء فروید، در ناخودآگاه، منبع ذخاری برای الهامات هنری سراغ گرفته اند تنها در آگاهی توانسته اند آنها را دست چین کنند، نظم و نسق دهند و تعادل

و انسجام و یک پارچگی بخشند، یعنی به صورت اثر هنری درآورند. اصولاً اثر هنری صرفاً محصول الهام نیست. با الهام محض هیچ اثر هنری پدید نمی آید. اثر هنری محصول تعامل الهام و کار است. از آن هم

بالتر، در بسیاری از حالات، الهام ضمن کار دست می دهد یا ضمن کار روشنی و شفافیت پیدا می کند و از صورت ابهام و

اجمال بیرون می آید. شما حتماً تجربه کرده اید که طی مطالعه اثری، افکاری تازه در ذهن بیدار می شود؛ حتی فکری در مورد مطالعه چه بسا ضد آن را در ما تلقین کنند.

الهام در حکم جرقه است و برای آن که به شعله تبدیل شود باید به آن خوراک داد. خود الهام نیز امری مستقل و منعزل و بی رابطه با زندگی و زمینه های روانی و فکری نیست، یعنی محصول عواملی است که در

خودآگاهی حضور دارد، همچنان که ناخودآگاه از خودآگاه مستقل نیست.

باری، الهام و کار و ناخودآگاه و خودآگاه پیوند زنده (ارگانیک) دارند و در پدید آوردن اثر هنری لازم و ملزوم

ادبیات و هنر

یکدیگرند. خرج کردن الهام نیز به آگاهی و کار نیاز دارد. شاعرانی که الهامات را بی‌صرفه جویی و اعتدال خرج می‌کنند عموماً اثری ناساز و بی‌اندام پدید می‌آورند. ممکن است گفته شود که عناصری از یک اثر هنری، حاصل الهام و ناخودآگاه است، ولی آیا می‌توان این عناصر را از کل اثر جدا گرفت و آیا این عناصر، جدای از کل اثر، به عنوان فرآورده هنری، معنی پیدا می‌کند؟

اشاره کردیم که آثار هنری با ویژگی‌هایی متمایز می‌گردند که با پدید آمدن آنها صرفاً از ناخودآگاه، منافات دارد. از جمله، اثر هنری لزوماً باید از وحدت و یکپارچگی و تناسب و تعادل اجزا بهره‌مند باشد و این خصایص تنها با کار آگاهانه و منجیده و قرین اعتدال حاصل می‌شود. فلوربر می‌گوید: «هیجان با هنر ناسازگار است. تنها خاطره هیجان است که با آن سازگار است». این معانی را با شواهد فراوان می‌توان مدلل ساخت و ما نمونه‌هایی از این شواهد را در اینجا ذکر می‌کنیم.

۱) منبع اصلی اثر بی‌نظیر فردوسی «خدای نامه» بود که اگر نبود الهامات هنری فردوسی ماده نداشت؛ و می‌دانیم که در اثر هنری، ماده و صورت پیوندزنده (از گانیک) دارند و تفکیک ناپذیرند. نظم و آراستگی ابواب گلستان سعدی و تناسب آنها با احوال امیری که اثر به نام او تألیف شده و هم چنین بهره‌برداری از مآخذ حکایات، همه و همه، به کار آگاهانه نیاز دارد. در اشعار دیوان حافظ نیز آثار تنبیه ذوقی او در متون فارسی، اعم از نظم و نثر، نمایان است که طبعاً در عین آگاهی انجام گرفته است.

۲) رعایت تام و تمام ترتیب علت و معلولی از ضروریات ادبیات داستانی، و به خصوص موجبات رویدادها لازمه تراژدی است. فی‌المثل، در داستان رستم و سهراب، فردوسی خود را ملزم می‌شمرده است که

همه راه‌ها را بر شناخته شدن رستم در نظر سهراب ببندد و این نمی‌تواند محصول ناخودآگاه باشد.

۳) در شعر کلاسیک فارسی، مضمون ورزی و در آوردن مضمون‌های سنتی به صورت تازه هنر، اگر نگوئیم یک اصل، دست‌کم کار غالب و فایق شاعر است که اگر زمینه اکتسابی نبود از الهام تنها کاری ساخته نبود. اصلاً وقتی با هنر کلامی سر و کار داریم، که ماده اصلی آن کلمات اند، مایه اکتسابی نقش مهم‌تری پیدا می‌کند. داستایوسکی می‌گوید که الهام گاهی فقط به صورت وزن (ریتم) شعر به او دست داده و کلمات بعداً در قالب آن درج شده‌اند.

۴) در جنگ و صلح تولستوی، طرح کلی (آکسیون) داستان، جنگ میهنی و دفاع یک پارچه ملت روس در برابر ناپلئون است که پیداست در لحظات ناخودآگاهی نمی‌توانست افکنده شود. بگذریم از حوان (اپیزود)‌های این رمان که پرداختن هر کدام به پژوهش‌هایی حتی در باب‌گانی سندها و تجربیات عینی جنگی و معلومات دقیق تاریخی نیاز داشته است.

۵) در پایان رمان برادران کارمازوف صحنه محاکمه‌ای وصف شده است. محاکمه یکی از برادران به اتهام کشتن پدرش که بی‌گناه است ولی سرانجام، محکوم می‌شود. هم زمینه‌چینی برای به دست دادن دلایل و قراین که محکومیت او را موجه سازد، هم کیفر خواست داستان، هم دفاع جانانه‌ای که وکیل مدافع کرده و هم وارد کردن یک رویداد پیش‌بینی نشده و دور از انتظار که برای محکوم ساختن متهم بی‌گناه حکم تسیر خلاص را پیدا کرده، مستلزم کار آگاهانه، و نه تنها کار آگاهانه بلکه کسب اطلاعات دقیق در امور قضایی بوده است. این پاره از داستان به واقع معجزه‌ای هنری است که خلق آن تنها با کار آگاهانه همراه با قریحه و استعداد

شگرف هنری میسر می‌شده است. ۱) نویسنده زمان یولی باتگیت (این اثر را نجف دریابندری استادانه به فارسی برگردانده و می‌توان گفت از تنجسته آن اثر هنری مستقلی ساخته است) خواننده را، به خلاف میل خودش، با نوحوانی که آگاهانه و به سابقه باطنی، وارد یک بند گانگستری شده هم حس می‌دهد. خواننده حواه ناخواه، به آن سو کشانیده می‌شود که با گانگسترهایی آدم‌کش، قانون‌گریز و باج‌بگیر هم‌درد گردد. آیا چنین هنری - هر چند جهنمی - می‌تواند بی‌دخال آگاهی و شعور اثر آفرین مصداق پیدا کند؟

۲) از اثر هنری محض - موسیقی - شاهد می‌آوریم. سمفونی نه پنهورون را در نظر آورید. فرض کنیم آهنگ مایه (متوتیف) آن ملودی یا لحنی باشد که در لحظات ناخودآگاهی به آهنگ ساز الهام شده باشد. اما ملودی تنها، سمفونی نمی‌شود؛ هر چند سمفونی می‌سازد. ملودی برای آن که سمفونی بسازد باید از ریاسیون‌هایی پیدا کند. پرداخت و ریاسیون‌ها، تنظیم ریتم (وزن و ضرب) - هر یک از موومان‌ها (بخش‌های سمفونی) و نوآلبته (درنگ) آنها؛ در اثر شاهد ما، افزودن تواتر شادی شبللر در پایان آن، همه و همه فرآورده گزینش هنری و کار و مستلزم بهره‌مندی از تعلیم و تمرین و قسوف بر روایا و خطابیای فن است. در اینجا قریحه و آموزش و کار و الهام دست به دست هم‌دیگر داده‌اند تا سمفونی ساخته شده است.

با مذاقه در این شواهد، روشن می‌گردد که زشد خلاقیت و هدایت آفرینش اثر هنری و ادبی می‌تواند در قلمرو آموزش و پرورش قرار گیرد و دست‌بردار آن باشد. ساری، هنرمندان و نویسندگان از بازدیدگر جانه‌ها و رفتن به کسرت‌ها و تئاترها و حواسدن اشعار و داستان‌ها، بی‌نیو نیستند.





برخی از امثال و حکم معروف در اصل یک بیت و یا استفاده از آنها در مواقع لزوم فقط یک مصراع و یا نیم مصراع به سه دلیل، پیدا کردن مصراع دیگر آنها مقید است. یکی این که دانستن آنها پاسخی به سؤالشان می باشد؛ دیگر این که مصراعی که در حکم مثل می باشد و معروف شده است در واقع مکمل آن مصراعی است که گفته نمی شود و سوم این که برخی از این امثال و ابیات خود حکایتی شیرین و شنیدنی دارند. در اینجا ما فقط به ذکر پاره ای از این گونه ابیات می پردازیم و امیدواریم در فرصتی دیگر بعضی از حکایت ها را نیز نقل کنیم.

- |                                                                                                                         |                                                                          |                                                                        |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|
| ۱. هر گه که دل به عشق دهی، خوش دمی بود<br>در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست                                              | ۶. از مکافات عمل غافل مشو<br>گندم از گندم بروید جو ز جو                  | ۱۲. در مسلخ عشق جز نکو را نکشند<br>روبه صفتان زشتخو را نکشند           |
| حافظ                                                                                                                    | مولوی                                                                    | سرمد کاشانی                                                            |
| ۲. درویش و غنی بنده این خاک درند<br>و آنان که غنی ترند محتاج ترند                                                       | ۷. دل بی غم در این دنیا نباشد<br>اگر باشد بنی آدم نباشد                  | ۱۳. بزرگی سراسر به گفتار نیست<br>دو صد گفته چون نیم کردار نیست         |
| سعدی                                                                                                                    | مولوی                                                                    | فردوسی                                                                 |
| ۳. از محبت خارها گل می شود<br>وز محبت سر که ها مل می شود                                                                | ۸. تا نگرید ابر کی خندد چمن<br>تا نگرید طفل کی نوشد لبن                  | ۱۴. راستی کن که راستان رستند<br>در جهان راستان قوی دستند               |
| مولوی                                                                                                                   | مولوی                                                                    | ؟                                                                      |
| ۴. چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن<br>که می گویند ملاحان سرودی<br>اگر باران به کوهستان نیارد<br>به سالی دجله گردد خشک رودی | ۹. مادر بت ها بت نفس شعاست<br>زان که آن بت مار و این بت ازدهاست          | ۱۵. با خرابات نشینان ز کرامات ملاف<br>هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد |
| سعدی                                                                                                                    | مولوی                                                                    | حافظ                                                                   |
| ۵. حساب خود نه کم گیر و نه افزون<br>منه پای از گلیم خویش بیرون                                                          | ۱۰. هر چه کنی کشت همان بدروی<br>کار بد و نیک چو کوه و صداست              | ۱۶. امیدوار بود آدمی به خیر کسان<br>مرا به خیر تو امید نیست شر مرسان   |
| پروین اعتصامی                                                                                                           | پروین اعتصامی                                                            | سعدی                                                                   |
| ۱۱. تیر از کمان چو رفت نیاید به شست باز<br>پس واجب است در همه کاری تأملی                                                | ۱۱. تیر از کمان چو رفت نیاید به شست باز<br>پس واجب است در همه کاری تأملی | ۱۷. بلا ندیده دعا را شروع باید کرد<br>علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد  |
| پروین اعتصامی                                                                                                           | سعدی                                                                     | ؟                                                                      |





۱۸ یا آنکه انتقام از دشمن حرام نیست  
در عقول لدنی است که در انتقام نیست  
۴

۱۹ عبادت بجز خدمت خلق نیست  
به تسبیح و سجاده و تلقی نیست  
سعدی

۲۰ ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی  
کاین ره که تومی روی به ترکستان است  
سعدی

۲۱ سالی که نکوست از بهارش پیداست  
هم ترشی ماست از تعارش پیداست  
۴

۲۲ دل زیر دستان نباید شکست  
منادا که روزی شوی زیر دست  
۴

۲۳ ز دانتش به اندر جهان هیچ نیست  
تن مرده و جان نادان بکیست  
اسدی

۲۴ عالمی را یک سخن ویران کند  
روبهان مرده را شیران کند  
مولوی

۲۵ اگر بد کنی جز بدی ندروی  
شی در جهان شادمان نغوی  
فردوسی

۲۶ بگو شش توان دجله را پیش بست  
نشاید زبان بداندیش بست  
سعدی

۲۷ گوش اگر گوش تو و ناله اگر ناله ماست  
آنچه البته به جایی نرسد فریاد است  
بغضای جندقی

۲۸ سیاهی لشکر نباید به کار  
یکی مرد جنگی به از صد هزار  
فردوسی

۲۹ آدمی پیر چو شد حرص جوان می گردد  
حواب در وقت سحر گاه گران می گردد  
صائب تبریزی

۳۰ گر خود همه عیب ها بدین بنده در دست  
هر عیب که سلطان پسندد هنر است  
سعدی

۳۱ دانی که چه گفت زال ما رستم گرد  
دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد  
۴

۳۲ پرنو نیکان نگردد هر که بسادش بدست  
تربیت نااهل را چون گردگان بر گنبد است  
سعدی

۳۳ نام احمد نام حمله ایست  
چون که صد آمدنود هم پیش ماست  
مولوی

۳۴ ای برادر قصه چون پیمانه است  
معنی اندر آن بسان دانه است  
مولوی

۳۵ بر گذشته حسرت خوردن خطاست  
بار ناید رفته، باد آن هاست  
مولوی

۳۶ به عرض بندگی دیر آمدم دیر  
و گر دیر آمدم شیر آمدم شیر  
نظامی

۳۷ آخر الأمر گل کوزه گران خواهی شد  
حالیا فکر سیو کن که پر از بادیه کنی  
حافظ

۳۸ اندک اندک علم باند نفس چون عالی شود  
قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود  
ناصر خسرو

۳۹ تکیه بر جای بزرگان نتوان زد به گزاف  
مگر اسباب بزرگی همه آماده کنی  
حافظ

۴۰ سایه جن بر سر بنده بود  
عافیت جوینده باینده بود  
مولوی

۴۱ این قافله عمر عجب می گذرد  
دریاب دمی را که طرب می گذرد  
حیام

۴۲ همه جای ایران سرای من است  
که نیک و بدش از برای من است  
فردوسی

۴۳ عاقلان را یک اشارت بس بود  
عاشقان را تشنگی زان کس رود  
مولوی

۴۴ دل به دست آور که حج اکبر است  
از هزاران کعبه یک دل بهتر است  
۴

۴۵ همان به که امشب ثمانیا کنیم  
چو فردا شود فکر فردا کنیم  
نظامی

۴۶ ز لیخامرد از آن حسرت که پوست گشت زنبالی  
چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی  
۴

۴۷ روزگار است آنکه نه عورت دهد نه حور دارد  
چرخ بازیگر ازین بازیچه ها بسیار دارد  
قائم مقام فراهانی

۴۸ از آن روزی که ما را آفریدی  
به غیر از معصیت چیزی ندیدی  
حدادوندی به حق هشت و چورت  
ز مو بگذرد، شتر دیدی ندیدی  
بابا طاهر

۴۹ هم موسم بهار طرب حیر بگذرد  
هم فصل نامساعد پاییز بگذرد  
گر ناملامتی به تو رو آورد فرات  
دل را مساز رنج که این شیر بگذرد  
فرات

۵۰ اقبال خصم هر چه فروتر شود نکوست  
فواره چون بلند شود سرنگون شود  
و یا

در سر کشی است خاک شیبی که گفته اند  
فواره چون بلند شود سرنگون شود  
صائب ۴

۵۱ طی زمان بیین و مکان در سلوک شعر  
کاین طفل یکشبه ره صدساله می رود  
حافظ

۵۲ در کوی تو معروفم و از روی تو محروم  
گرگ دهن آلوده و یوسف ندریده  
سعدی

۵۳ گر نگهدار من است که من می دلم  
شیشه را در بعل سنگ نکه می دارد  
حیرانی

۵۴ گر بگویم شرح آن می خند شود  
مثنوی هفتاد من کاغذ شود  
مولوی





۵۵. سه پلشت آید و زن زاید و مهمان برسد  
 عمه از قم برسد خاله ز کاشان برسد  
 غلامرضا روحانی

۵۶. عقل اول راند بر عقل دوم  
 ماهی از سر گنده گردد نی ز دم  
 مولوی

۵۷. گل بحدید که از راست نرنجیم و لیک  
 هیچ عاشق سخن تلخ به معشوق نگفت  
 حافظ

۵۸. افتادگی آموز اگر طالب فیضی  
 هرگز نخورد آب زمینی که بلند است  
 پوریای ولی؟

۵۹. گفت شخصی ورد خوب آورده ای  
 لیک سوراخ دعا گم کرده ای  
 مولوی

۶۰. منتظران را به لب آمد نفس  
 ای ز تو فریاد، به فریاد رس  
 نظامی

۶۱. مخور هول ابلیس تا جان دهد  
 هر آن کس که دندان دهد نان دهد  
 سعدی

۶۲. بنشین بر لب جوی و گذر عمر بین  
 کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس  
 حافظ

۶۳. با بدان کم نشین که در مانی  
 خوبدیری است نفس انسانی  
 سنایی

۶۴. این دم شیر است به بازی مگیر  
 عشق حقیقی است مجازی مگیر  
 سحایی

۶۵. از هر چه می رود سخن دوست خوشتر است  
 پیغام آشنا نفس روح پرور است  
 سعدی

۶۶. زی تیر نگه کرد و پر خویش در آن دید  
 گفتا ز که نالیم که از ماست که بر ماست  
 ناصر خسرو

۶۷. از سخن راست زبان کس نکرد  
 راستی خویش نهان کس نکرد  
 نظامی

۶۸. عیب خود را فاش کردن خوب نیست  
 جنگ اول به ز صلح آخر است  
 ؟

۶۹. در پس هر گریه آخر خنده ایست  
 مرد آخر بین مبارک بنده ایست  
 مولوی

۷۰. به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی  
 به صد دفتر نشاید گفت حسب الحال مشتاقی  
 سعدی

در تکمیل اشعار بالا پاره ای از امثال و حکم معروف نیز به صورت کامل، بدون ذکر نام گوینده، ذکر می شود.

۱- به پای شمع شنیدم ز قیچی پولاد  
 زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد

۲- آن قفس بگسست و آن هندو گریخت  
 آن سبو بشکست و آن پیمان ریخت

۳- در میکده با نردان سر مست هدایت شو  
 خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو

۴- آتش که به نیستان فرورد  
 با هم تر و خشک را بسوزد

۵- گر رشته به دست این دبتنگ است  
 این قافله تا به حشر لنگ است

۶- مرو به هند و بیا با خدای خویش بساز  
 به هر کجا که روی آسمان همین رنگ است

۷- رسیدم به پیری در این کهنه دیر  
 جوانی کجایی که یادت بخیر

۸- خمیر مایه دکان شیشه گر سنگ است  
 عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد

۹- هر که نقش خویش می بیند در آب  
 برزگر باران و گازر آفتاب

۱۰- این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار  
 آواز دهل شنیدن از دور خوش است

۱۱- در زلف بتان مپیچ ای دل  
 این رشته سر دراز دارد

۱۲- تا که چرخ زمانه در یورش است  
 کس نگوید که دوغ من ترش است

۱۳- موقوف التفاتم تا کی رسد اشارت  
 از تو به یک اشاره از ماه به سر دویدن

۱۴- پی ثبوت مرا احتیاج بینه نیست  
 گواه عاشق صادق در آستین باشد

۱۵- غارتگر خانه گدا مهمان است  
 در خانه مور شبنمی طوفان است

۱۶- بسی راه آمدم اندر شب نار  
 دریغ از راه دور و رنج بسیار

۱۷- ما که مخموریم جام می به مستان کی رواست  
 تا چراحی خانه را باید به مسجد کی رواست

۱۸- گر نخل وفا بر ندهد چشم تری هست  
 تاریشه در آب است امید ثمری هست

۱۹- مسلمان نشنود کافر نیند  
 که با من آن کمان ابرو چه ها کرد

۲۰- مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد  
 غنچه بشکفته بلبل را به گلزار آورد

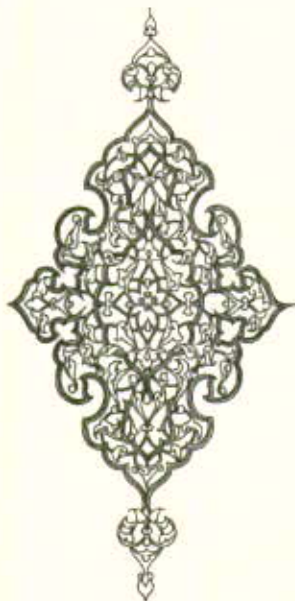
۲۱- من خاک کف پای تو در دیده کشم  
 تا کور شود هر آنکه نتواند دید

۲۲- زلیخا گفتن و یوسف شنیدن  
 شنیدن کی بود مانند دیدن

۲۳- هفت رنگست زیر هفت اورنگ  
 نیست بالاتر از سیاهی رنگ

۲۴- بی همتی و نام تو «همت خان» است  
 بر عکس نهند نام رنگی کافور

۲۵- باش تا صبح دولت بدمد  
 کاین هنوز از نتایج سحرست



موسسه فرهنگی  
 و آموزشی  
 «سوره»



# نخستین فضانوردان

ترجمه: سعید قربانی



شوروی درآمد. آنچه در اینجا می‌خوانید گزیده‌هایی از نثره‌نویس کتاب بازدوفسکی است.

\*\*\*

در آغاز سال ۱۹۵۹ در آکادمی علوم جلسه‌ای به ریاست استیلاو کلدیش تشکیل شد و در آن موضوع پرواز انسان به خارج از جو و همچنین چگونگی انتخاب فضانوردان آینده مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

فضانوردان را می‌شد از میان خلبان‌ها، غواصان و حتی رانندگان برجسته و یا از میان دیگر مردان جوان انتخاب کرد. ماهه‌عسوان پزشکیان پرواز می‌دانستیم که خلبانان هواپیماهای جنگی همیشه در معرض شرایط سخت مانند کمبود اکسیژن، فشار خون بالا، خروج اضطراری از هواپیما و امثال آن هستند. دلیل این‌که کارولف و همکارانش معتقد بودند که داوطلبان فضانوردی را باید از میان چنان افرادی انتخاب کرد، همین بود.

انجام این کار، یعنی انتخاب فضانورد، بر عهده مؤسسه طب فضایی و بیمارستان مرکزی تحقیقات فضایی، که در آن زمان بیشترین متخصصین با تجربه را داشتند و گذار شد. نخست پزشکانان از پایگاه‌های هواپیماهای جنگی بازدید کرده و در اولین اقدام ۲۰۰۰ داوطلب را بر اساس چگونگی پرواز و اطلاعات زندگی نامه‌ای آنها انتخاب کردند. آنها با این ۲۰۰۰ نفر مصاحبه کرده و ۲۰۰ نفرشان را برگزیدند. علت مردود شدن نود درصد بقیه داوطلبان این بود که در آن زمان هنوز در مورد سفرهای فضایی تردید وجود داشت و این سفرها تنها به عنوان افسانه‌ها و بهتر بگوییم بلندپروازی‌های علمی مطرح بود که آن‌ها هم مربوط به آینده دور می‌شد. از این رو به داوطلبان چیزی در مورد کار آینده آنان گفته نمی‌شد. بلکه فقط به آنان می‌گفتند که باید پروازهای کوتاه مدتی را به وسیله موشک در خارج از جو انجام دهند. همچنین به آنان گفته می‌شد که باید به دریانوردی و نیز کارهای تحقیقاتی بپردازند و این مسئله بسیاری از داوطلبان را گسج می‌کرد. به هر حال، در نهایت تنها ۲۰ نفر به مسکو آمدند که مورد معاینات دقیق و کامل قرار گیرند.

یک ملاقات در سال ۱۹۴۸ سرنوشت آینده ولادیمیر بازدوفسکی پزشک برجسته روس را رقم زد. آن روز کسی او را صدا کرد و گفت که در بیرون ساختمان «مؤسسه طب فضایی»، که بعد از جنگ جهانی دوم ولادیمیر در آنجا کار می‌کرد، شخصی منتظر اوست. در حیاطان مرد گونه‌فدی به سمت ولادیمیر آمد و گفت: «من سرگئی کورولف هستم. استاد من آندره نیکولایویچ توصیه کرده است که با شما ملاقات کنم. پیشنهاد می‌کنم با هم کار کنیم. کار من مطالعه روی موشک‌ها است و به زودی یک انسان به فضای خارج از جو زمین فرستاده خواهد شد. امیدوارم پیشنهاد مرا بپذیرید. مطمئناً شما این کار را شغلی جذاب خواهید یافت، و ما هم به افرادی مثل شما نیازمندیم.»

بازدوفسکی سعی کرده بهانه‌ای که باید ابتدا موضوع را با رئیس خود در میان نگذارد عذرخواهی کند اما فوراً به طرف یک اتومبیل هدایت شد. ابتدا او را نرد مارشال الکساندر واسیلیفسکی و سپس نزد سرگئی والیف رئیس آکادمی علوم شوروی (سابق) بردند. کورولف در این ملاقات می‌خواست فقط رصابت خود بازدوفسکی را جلب کند و گزینه‌های دیگری از این کار قیلاً داده شده بود. دوازده سال از آن ملاقات گذشت تا بوری گاکارین توانست نخستین سفر فضایی جهان را در یک سفینه بنام وستک به دور زمین انجام دهد. در مورد آن پرواز تاریخی و چگونگی انتخاب داوطلبان آن، بسیار چیزها نوشته‌اند اما شنیدن ماجرا از زبان کسانی که خود در آن حادثه بزرگ نقش داشته‌اند، بسیار جالب‌تر است.

بازدوفسکی یک نظریه علمی و برنامه مطالعاتی در مورد زیست‌شناسی و طب فضایی تدوین کرد و بدین وسیله توانست، از نظر تئوری، امکان پرواز انسان به خارج از جو را اثبات کند. او همچنین برای انتخاب و تربیت فضانوردان یک سیستم مدون ایجاد کرد که به خاطر این کار در سال ۱۹۵۲ جایزه دولت اتحاد جماهیر شوروی به او اعطا شد. همچنین در سال ۱۹۶۱ از آکادمی بین‌المللی طب فضایی مدال بزرگ طلایی را دریافت کرد و به عضویت پیوسته آکادمی بین‌المللی فضانوردی و عضویت افتخاری آکادمی فضانوردی

فصلنامه علمی و پژوهشی



گروه کوچک ما یک برنامه تربیت فضانورد تدوین کرد که مشتمل می‌شد بر پرواز با چتر نجات، پرواز روی بام هواپیما و آموزش های فنی. اولین جلسه درس در ساعت ۹ صبح روز چهاردهم مارس ۱۹۶۰ آغاز شد. من یک سخنرانی مقدماتی ایراد کردم و ضمن آن به داوطلبان گفتم که در طول سفر فضایی خود چه چیزهایی را تجربه خواهند کرد. پس از سخنرانی من پزشکان نیز در مورد تأثیر نیروی جاذبه و حالت بی وزنی بر روی بدن انسان و در مورد بسیاری از چیزهای دیگر با خلبانان سخن گفتند. وقتی که کورولف فهمید که در ابتدای دوره آموزشی به داوطلبان فقط درس های پزشکی و زیست شناختی داده شده است، به همکاری اش گفت که دروسی در زمینه موشک، دینامیک پرواز، طراحی سفینه ها و سیستم های آنها، فیزیک هوانوردی، ارتباطات در فضا و سایر موضوعات نیز تدریس کنند. اساتیدی که در این دوره تدریس می کردند عبارت بودند از کنتانتین بوشیف، میخائیل تیخون روف، بوریس راجنیاخ، کنتانتین فوکتیستف و تعدادی از مهندسان بخش طراحی. سمیون آلکسیف که جلیقه فضایی و صندلی پرش از هواپیما را طراحی کرده بود، در مورد این طرح ها برای داوطلبان توضیح می داد. فضانوردان آینده تعلیمات مربوط به پرواز و چتر نجات را زیر نظر ایوان درویا، یفستافی تسلیکین، نیکولا نیکین و کنتانتین تابورسکی گذراندند. بوریس گلونکف که مسئول درس تربیت بدنی بود در هر شرایط جوی درس را به مدت یک ساعت برگزار می کرد. ورزش های داخل سالن و هوای آزاد از جمله ژیمناستیک، شنا، والیبال و بسکتبال جزء برنامه بود. وقتی که محفظه بدون پژواک ساخته شد، یکی از داوطلبان بنام والرئ بیکوفسکی حاضر شد یک تست ۱۵ روزه را در داخل آن بگذراند.

در همین زمان سایر همکاران او به تمرین پریدن با چتر نجات مشغول بودند. همه آنها خیلی جوان بودند و تجربه اندکی در این زمینه داشتند. به عنوان مثال یوری گاگارین تا آن وقت فقط ۵ بار با چتر پریده بود و بعضی اصلاً نپزیده بودند. در طول یک ماه و نیم ذوق پرش با چتر در فضانوردان آینده پرورش یافت. به آنها پرش بر روی زمین، پرش به داخل آب، پرش در شب و روز و پرش از ارتفاعات کم و زیاد تعلیم داده شد. بهترین چتر بازان در میان آنها عبارت بودند از بوریس وگنیف، یوری گاگارین، آلکسی لئونوف و گئورگی شونین.

کار با مدل های مصنوعی شبیه سازی شده به تدریج برای آنها جالب تر می شد. این مدل های مصنوعی عبارت بودند از چرخ افقی سنگین، تاب مخصوص، یک محفظه کم فشار، محفظه بدون پژواک، ایستگاه ارتعاش، دستگاه گریز از مرکز و مانند این ها. فضانوردان به تدریج با افزایش نیروی جاذبه گرانشی در عین حمل

بارهای سنگین عادت کردند.

اندکی بعد ما یک گروه شش نفری را از میان داوطلبان برای طی مراحل آموزش سطوح بالاتر انتخاب کردیم. این کار چندان آسان هم نبود. اول از همه ما نحوه عمل افراد در مقابل نیروی جاذبه گرانشی، آمادگی بدنی، اطلاعات نظری و تناسب اندام را مدنظر قرار دادیم. بوریس ولنیف دارای شانه هایی خیلی پهن و گئورگی شوئین دارای قدی خیلی بلند بود. ولادیمیر کوماروف از نظر اطلاعات تئوریک از بقیه برتر بود و شانس زیادی برای انتخاب شدن داشت اما یک آزمایش آسیب شناسی قلبی که بطور اتفاقی از وی به عمل آمد نشان داد که او نمی تواند به عضویت تیم برگزیده شود.

ما عوامل دیگری را نیز در نظر می گرفتیم. از جمله: نتایج آزمون های روان سنجی، روحیه اجتماعی، ویژگی های شخصیتی، خلق و خو و سعه صدر. سرانجام گروه فضانورد شکل گرفت: والتین وارلاموف، یوری گاگارین، آنتونی کارناشوف، آندریان نیکلایف، پاول پویوویچ و ژرمن تیتوف.

البته خیلی زود جابجایی هایی در گروه انجام گرفت. یک بار وقتی که کارناشوف در تمرین گریز از مرکز در معرض شتابی هشت برابر شتاب گرانشی زمین قرار گرفت، پزشکان به مشاهده علائمی از خونریزی در پشت او برخورد کردند که حاکی از ضعف دیواره مویرگ های او بود. همه از شنیدن این مطلب متعجب شدند زیرا کارناشوف خوش اندام و چشم آبی بسیار قوی و سالم به نظر می رسید. اما نظر پزشکان قطعی بود و لذا وی از عضویت تیم معاف شد. تیتوف که یکی از دوستان صمیمی کارناشوف بود از این قضیه بسیار ناراحت شد. البته اگر قرار بود امروز کارناشوف معاینه شود، حتماً برای ادامه تمرین انتخاب می شد ولی در آن زمان پزشکان روی سلامتی فضانوردان بسیار سخت گیری می کردند. در هر حال کارناشوف پس از معافیت از تیم فضانوردی، در خاور دور به خدمت مشغول شد و بعد از آن در کیف به عنوان خلبان آموزشگر به کارش ادامه داد و هم اکنون یک فرد بازنشسته است. یک حادثه غیر مترقبه دیگر باعث کنار رفتن یکی دیگر از اعضای تیم شد. هنگامی که اعضای تیم در یک دریاچه مشغول شنا بودند، والتین وارلاموف بعد از جُرج شوئین از ساحل به داخل آب پرید. ناگهان سر والتین به کف سنگی دریاچه خورد و احساس درد کرد. پس از معاینه معلوم شد که یکی از مهره های گردن او جابه جا شده و کمپسیون پزشکی او را از ادامه تمرینات محروم ساخت.

وارلاموف البته مجبور به قطع تمرینات شد اما او مرکز تمرین فضانوردی را ترک نکرد و به خدمت خود به عنوان معاون کنترل پروازهای فضایی ادامه داد و سرانجام به عنوان یک مدرس ارشد مشغول کار شد. وارلاموف در اکتبر سال ۱۹۸۰ به علت خونریزی





اولین فرود در ماه: نیل آرمسترانگ (آمریکایی)



اولین فضانورد: یوری گاگارین (روسی)

حوادث بسیار متناثر شدند.

تجسس کرده روی مدل‌های سه‌سزاری شده جینی ریپد کنار کردند و تجهیزات مشابه مورد مطالعه قرار دادند. یک بار این گروه از دفتر کار طراح آقای کوروتوف باز شد. کوروتوف در طی بازدید از کارگاهی که سفینه‌های آینده و سفینه‌های کنونی آنها را ساخته می‌شدند، در مورد پروازهای آینده و ویژگی‌های آنها توضیحاتی داد و آنها را به داخل یکی از سفینه‌ها برد.

مرکز آموزش فضانوردان چند سال توسط مارشال کستانتین رئیس بخش فضاپیما مورد بازدید قرار گرفت. او نظراتش بر آموزش‌های فضانوردان و تربیت آنان را بر عهده داشت. سرانجام به فضانوردان اعلام شد که امتحان آنها در روزهای ۱۷ و ۱۸ ژانویه سال ۱۹۶۱ برگزار خواهد شد.

روز تاریخی نزدیک می‌شد، به منظور تهیه کردن مدل‌های سفینه و تجهیزات هم‌اوان، دو پرواز بدون سرنشین آزمایشی پیش‌بینی شده بود که قرار بود در مدامارس انجام شوند. قرار بود تعداد زیادی از حیوانات جهت آزمایش‌های زیستی در این سفینه‌ها حمل‌ساز شوند. طراحان چنان انجام شده بود که اگر در چند جزو حیوانی سفینه از کار می‌افتاد، سنگ‌ها به همراه آموزش‌های صحیح‌تری، آموزش‌های خانگی، حوتچه‌های هندی، حشرات، گیاهان، خزها، قارچ‌ها، میکروب‌ها، مخمرها، سلول‌های حیوان و سایر چیزها به داخل اتاقک مخصوصی جهت فرود اضطراری هدایت می‌شدند. روی سفینه‌های مخصوصی برش‌اصطوری، متخصصان آلمانی را تعیین کرده بودند که از یک حسه لاس‌تیک مانند ساخته شده با لایس فضاپیما پیوسته شده بود. متخصصان امر حفره‌هایی داخل شکم، سینه و ران‌های آدمک‌ها را از حیوانات، خزها، انواع موش و سلول‌های پوستی و حویلی پر کرده بودند. آمریکایی‌ها بعداً از سفینه‌های کنونی ساخت نامیدند.

معزای درگذشت گریگوری نلویوف به جای کارناشوف، والری بیکوفسکی به جای وازلاموف به تیم وارد شدند. بیکوفسکی خیلی لایق بود و فقط ۶۳ کیلوگرم وزن داشت اما چنان قوی بود که می‌توانست ۹ برابر شتاب ثقل زمین را به مدت ۲۵ ثانیه تحمل کند. البته هر یک از آنان می‌خواست که به عنوان نخستین فرد به فضا برود و در حقیقت شایسته آن هم بود. از نظر مهارت‌های تخصصی پرواز، توانایی جسمی و آموزش‌های نظری همه یکسان بودند، ولی ولادیمیر تو ماروف از نظر اطلاعات علمی تئوری از بقیه بهتر بود. کارگزارین هیچ وقت به دنبال مشهور شدن نبود. او فردی دقیق، با پیشگامی، خوش‌برخورد، دوست‌داشتنی و باهوش بود. اگرچه از نظر معیوبت نظری چندان قوی نبود. کارگزارین مرد ساده‌لوحی نبود و حتی غده‌ای او را با قلاب می‌پنداشتند، اما او مردی بسیار فهمیده و با فرهنگ بود.

نیلوف نیز خود را خیلی خوب آماده کرده بود. او مردی جوان و با فرهنگ بود که می‌توانست از عقاید خود به خوبی دفاع کند. آن‌که کسی را از آن جدا کرد، او بسیار مطالعه می‌کرد، به کتاب عشق می‌ورزید، هنر و موسیقی را دوست می‌داشت و به راحتی می‌توانست بنگ فضانورد در چه بگ باشد.

بسیاری از مردم گریگوری نلویوف را دوست داشتند اما به مضادقی ضرب‌المثل آمده تدبیر می‌کند و خدا تقدیر می‌کند. وی در اثر یک درگیری ناخواسته با یک مأمور گشت نظامی در یک استگاه راه‌آهن و رفتار گستاخانه‌ای که از خود بروز داد و حاضر نشد معذرت خواهی کند، به دستور نیکلای کامانین سرپرست مرکز آموزش، او و دوتن دیگر از دوستانش به نام‌های ایوان آنی کیف و والنتین فیلاتوف از گروه فضانوردان کنار گذاشته شدند. بعدها هم دو تن دیگر از اعضای تیم به نام‌های مارس رافیکوف و دیمیتری زابکین به علت بیماری کنار رفتند. در مجموع، سایر اعضای تیم از این

اولین فضانوردان





اولین فضانورد زن: والنتینا ترشکوا (روسی)



اولین راه پیماین در فضا: الکس لئونوف (روسی)

ناپ جیف در محل سالن کنفرانس آکادمی، نطقی در زمینه نتایجی که از پرتاب این دو سفینه بدون سرنشین حاصل شده بود ایراد کرد. سالن کنفرانس بسیاری از اتباع شوروی و خبرنگاران خارجی را به سوی خود کشانده بود. عکس های بسیاری از دو سگ سرنشین، چرنوشکا وزف دوچکا گرفته شد. بوری گاگارین و ژرمن تیتوف و سایر فضانوردان آینده در ردیف جلو نشسته بودند ولی هیچ کس به آنها توجهی نمی کرد. طراحان از شد و متخصصان به دولت اطلاع دادند که همه چیز برای یک پرواز با سرنشین انسان آماده است. در ۳ آوریل ۱۹۶۱ تصمیمی مبنی بر پرتاب سفینه ای با سرنشین انسان گرفته شد. در همان روز طراحان به سمت بایکو نور عزیمت کردند در حالی که تنها چند روز به پرتاب موشک مانده بود.

### به افتخار بوری گاگارین:

سرانجام پروازهای فضایی سرنشین دار با مأموریت فضایی تک دور بوری گاگارین با سفینه وُستک در ۱۲ آوریل ۱۹۶۱ شروع شد. این پرواز توانایی بشر را برای حضور در فضا و بازگشت سالم او به زمین به نمایش گذاشت به افتخار بوری گاگارین و پروازش به فدراسیون فضانوردی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) پنج نشان ویژه تصویب کرد: چهار مدال یادبود و یک جایزه ارزشمند.

فدراسیون فضانوردی شوروی یک سازمان دولتی بود که در پنجم دسامبر ۱۹۷۸ به وسیله کمیته انجمن داوطلبان کمک به ارتش، نیروی هوایی و نیروی دریایی شوروی تشکیل شد. این سازمان نقش مهمی در پیشرفت های علمی و تکنولوژیکی مرتبط با بهره برداری صلح آمیز از فضا و تحقیقات فضایی ایفا کرد. فعالیت این فدراسیون در هفتم دسامبر ۱۹۹۱، همزمان با فروپاشی اتحاد شوروی، متوقف گردید و در حال حاضر جانشین قانونی آن، فدراسیون فضانوردی روسیه است.

سرانجام نخستین سفینه فضایی به نام وُستک، که سگی به نام چرنوشکا را به فضا حمل می کرد در روز نهم مارس ۱۹۶۱ به فضا پرتاب شد و با موفقیت در روز موعود با همه سرنشینانش فرود آمد. پرتاب سفینه بعدی نیز که قرار بود سگی به نام زف دوچکا را با خود به فضا ببرد برای ۲۵ مارس همان سال برنامه ریزی شده بود با این هدف که موفقیت سفینه قبلی را تأیید کند. از هر شش فضانورد دعوت شده بود که به تماشای پرتاب این سفینه بیایند تا ترس آنها از پرواز آینده که قرار بود با سرنشین انسان پرتاب شود، بریزد.

سکوی پرتاب مردان جوان را تحت تأثیر قرار داد. ساختمان عظیم پروازهای آزمایشی بازوهای کمکی پرتاب کننده قائم، تشک بسیار بزرگ مخصوص پرتاب، محرای بسیار طولانی خروج دود، همگی شگفت انگیز به نظر می رسیدند. در عین حال همه اینها پرواز آینده را به واقعیت نزدیک تر می ساختند. همه دریافتند که نه تنها ماه ها و هفته هایی بلکه روزهایی چند بیشتر به آن حادثه تاریخی نمانده است. فضانوردان آینده ساختمان غول پیکر برج مستقر بر روی سکوی پرتاب را با احساسی از حیرت و احترام تماشا می کردند. مردم که از دور به اندازه حشرات به نظر می رسیدند در اطراف تشک هیاهو می کردند. آخرین آماده سازی ها برای پرتاب سفینه حاوی حیوانات در حال انجام بود.

سرانجام روز موعود فرا رسید. صدای غرش رعد آسای بلند شد و آسمان را شکافت و دریایی از آتش و تور بیرون ریخت و خورشید را پنهان ساخت. موشک شروع به سرعت گرفتن کرد و در آسمان بی ابر ناپدید شد. یک ساعت و نیم بعد سفینه در حالی که یک دور کامل در مسیر پیش بینی شده چرخیده بود همراه با آدمک مصنوعی، سگ زف دوچکا و حیوانات آزمایشگاهی با موفقیت به زمین برگشت، همه آنها صحیح و سالم بودند.

در ۲۸ مارس ۱۹۶۱، معاون آکادمی علوم شوروی الکساندر



# مبتدا یا پایه

## میرزا حلیلی

### مبتدا یا پایه

در کلاس ۵ و سمپدرهای متعددی که این جانب در سراسر کشور در خدمت دبیران محترم ریاضی دوره راهنمایی بودم، سوالات فراوانی مطرح می شد که اغلب همکاران آن ها را زوی بر گره های کاغذ می نوشتند و نه سده که جلوی سایر و در مقابل آن ها ایستاده بودم. می دانند با جواب داده شود. سوالات متنوع و متوسط همه بخش های کتاب ها بود. همین این سوالات را در حساب منصف دهنه بندی می کرده و پاسخ می داده. کاغدها را این نگه داشته و با استفاده از آن ها، مقالات «حذر»، «اضرب اعداد صحیح»، «مطالعات دیگری را در شماره هفت قبلی مجله، ارائه کرده. در این مقاله نیز سوالاتی را درباره «مبتدا مطرح می کنم و پاسخ هایی درست و غلط استفاده در کلاس، عرضه خواهم کرد. بعضی از این سوالات احتمالاً به وسیله دانش آموزان با هوش در کلاس و یا در مسائل المپیاد دوره راهنمایی مطرح شده و مشکل روبرو دبیران بوده است. این سوالات

### برعکس مطرح شده اند.

۱. چرا در کتاب، اعداد جهان گانه در مفاها، به صورت ساده مطرح شده است؟  
 ۲. همکاران مطرح می کردند که دانش آموز از معنی «مبتدا» عدد اعشاری ۱۷/۲۳۵ را مثلاً در مبتدا ۲ یا ۳ بویسم، چگه به نیت عمل شود؟  
 ۳. تبدیل در مفاهای دو رقمی را مثل ۱۱، ۱۲، و ... چگونه باید مطرح کرد؟  
 ۴. آیا اگر عددی در مفاهای اعشاری بر ۳ بخشید، بر باشد، پس از تبدیل در مفاهای جدید، بر، عدد تبدیل یافته بر ۳ بخشید، ایسه، و برعکس؟ و یا اگر عددی در مفاهای اعشاری، بر مربع کامل (یا محدور کامل) نباشد، پس از تبدیل، در مفاهای جدید نیز مربع کامل است؟ این سوالات از میان سوالات متعددی که خیلی از آن ها به نیتیه هم بوده، انتخاب شده است. برای جواب به آن ها نیتیه کلاس های پایین بر گشت و به ریشه و اساس عدد نویسی و قرار داده توجه کرد.

در زیر به طور مختصر، بسادهای عدد نویسی را در صورت تاریخ برداری می کنیم.

۱۰۰۰	۱۰۰	۱۰	۵	۷	اعشاری
< ۷	< ۷	< ۷	< ۷	< ۷	پانسیان
X	۷	۷	۷	۷	مصریان
M	C	L	X	V	رومی ها
A	ق	ن	ی	هـ	حساب اتحاد

در این جا، ما وارد جریبات نمانده ایم شوسه، آن در این

۱. چرا در کتاب های فعلی، مبحث «مناها» رفیق و کم رنگ شده است؟ در کتاب های فعلی، مطالب پیش نری در این زمینه ارائه شده بود، یعنی، در عین حالی که مفاهای مختلف مورد مطالعه قرار گرفته بود، روی مفاهای ۲، ۸، و ۱۶ نیز تاکید شده بود.

۲. چرا در کتاب های فعلی، قانونی برای تبدیل از مفاهای اعشاری به مفاهای دیگر و برعکس مطرح نشده است؟ یا استفاده از قانون تبدیل، مطلب برای چه ها رودتر و بهتر جا می افتد.

۳. چرا تبدیل انواع دیگر، مثلاً از (۱۰۰۰۱۱) به (۱۰۲۴)، مطرح شده است؟ مسائل همیشه از مفاهای اعشاری به یک مفا و یا





شیوه‌های عددنویسی سه‌خصیسه یا ویژگی عددنویسی امروز وجود نداشت؛ یعنی:

الف) صفر در هیچ کدام مطرح نبود.

ب) مینا یا پایه وجود نداشت.

ج) به مسأله دسته‌بندی توجه نمی‌شد، در نتیجه، ارزش مکانی نمادها (ارقام) وجود نداشت.

### اعداد عربی

عددنویسی فعلی به «عددنویسی عربی» یا «اعداد عربی» معروف است که ابتدا فاقد صفر بود. صفر بعدها، در قرن اول یا دوم میلادی، به وسیله هندی‌ها ابداع شد و خوارزمی، در قرن سوم هجری شمسی آن را به فارسی و عربی زبانان معرفی کرد.

چون در زبان عربی «عشر» به معنای ۱۰ می‌باشد، از این جهت به آن دستگاه اعشاری یا مبنای اعشاری گفته می‌شود. در این دستگاه شمارش، سه ویژگی زیر وجود دارد:

۱. دستگاه صفر دار است.

۲. مینا یا پایه آن ۱۰ است که نقش اصلی در محاسبه دارد.

۳. اساس کار دسته‌بندی به صورت ده‌تایی است و این که ارزش هر رقم یا مرتبه، ۱۰ برابر رقم ماقبل آن است.

### دستگاه نجومی

در ایران، قبل از دستگاه اعشاری، از دستگاه «شصتایی» یا «شصتانی» که در آن مینا ۶۰ و دسته‌بندی‌ها ۶۰ تایی بوده، در نجوم استفاده می‌شده است و ابزار محاسبه‌ای نیز در این زمینه ساخته شده بود. امروز نیز حساب ساعتی ما در این مبنای مبنای باشد: ساعت ۶۰ دقیقه، دقیقه ۶۰ ثانیه و ثانیه ۶۰ نالته است.

### اساس دستگاه شمارش (عددنویسی)

ما در کلاس اول ابتدایی، بعد از آموزش اعداد یک رقمی، به بچه‌ها یاد می‌دهیم که در شمارش چوب کبریت‌ها از اعداد یک رقمی ۱ تا ۹ استفاده کنند و وقتی از ۹ زیادتر می‌شود، دور چوب کبریت‌های یکی بیش‌تر از ۹ نخ ببندند و آن را دسته‌ده‌تایی بخوانند:

مثلاً، در شمارش ۱۲ چوب کبریت، داریم:



و به این ترتیب دهگان را معرفی می‌کنیم و می‌گوییم اعداد دو رقمی دارای دو رقم هستند که رقم سمت راست آن یکان و رقم سمت

چپ آن دهگان است.

در کلاس دوم، به بچه‌ها می‌گوییم، دور ده تا از این ده‌تایی نخ ببندید و آن را صد بخوانید که مفهوم آن ده برابر مرتبه قبل از آن است:

$$100 = 10 \times 10 = 10^2$$

در کلاس سوم نیز چنین یاد می‌دهیم که با ده تا از این صدتایی‌ها، یک دسته جدید بسازید و آن را هزار بخوانید که مفهوم آن هم ده برابر مرتبه قبل از آن است:

$$1000 = 10 \times 100 = 10^3$$

و در کلاس چهارم و پنجم، اعداد ۵ رقمی به بالا را یاد می‌دهیم: ده برابر مرتبه قبل

$$10000 = 10 \times 1000 = 10^4$$

اگر دقت کنید، می‌بینید که توان ۱۰ در هر یک از این اعداد، برابر تعداد صفرهای سمت راست ۱ در طرف چپ تساوی می‌باشد و تعداد ارقام هر عدد، یکی بیش‌تر از تعداد صفرهاست؛ یعنی:

یک عدد ۱ + n رقمی دارای n صفر است:

$$10^{n+1} = \underbrace{10000000000}_{\text{تعداد صفرها } n}$$

و این کوچک‌ترین عدد ۱ + n رقمی است.

### باز کردن اعداد

در این کلاس‌ها، برای روشن شدن ارزش ارقام، «جدول» و «باز کردن» اعداد را معرفی می‌کنیم:

مرتبه‌ها: یکها ۱۰<sup>۰</sup> ۱۰<sup>۱</sup> ۱۰<sup>۲</sup> ۱۰<sup>۳</sup> ۱۰<sup>۴</sup>  
عدد: ۳ ۶ ۷ ۴ ۵

$$\Rightarrow 54763 = 5 \times 10000 + 4 \times 1000 + 7 \times 100 + 6 \times 10 + 3 \\ = 5 \times 10^4 + 4 \times 10^3 + 7 \times 10^2 + 6 \times 10^1 + 3$$

در هر کدام از این مرتبه‌ها، مثلاً ۵ × ۱۰<sup>۴</sup>، رقم ۵ ضریب توانی از ۱۰ می‌باشد که آن توان برابر تعداد ارقام سمت راست رقم ۵ است (در این جا سمت راست ۵ چهار رقم وجود دارد) و چون سمت راست رقم ۴ سه رقم دیگر وجود دارد، پس ۴ ضریب ۱۰<sup>۳</sup> است، و این در هر مبنای داده شده، صادق است.

برعکس، از توان ۱۰، تعداد صفرهای سمت راست ۱ و یا تعداد ارقام عدد را تعیین می‌کنیم. مثلاً، اگر ۵ × ۱۰<sup>۴</sup> باشد، سمت راست ۱ تعداد شش صفر وجود دارد و یا عدد ۷ رقمی است.

نکته: قانون عددنویسی در میناها یک سان است و محاسبات از روی مینای داده شده، صورت می گیرد.

### ارزش ارقام اعشاری قبل و بعد از ممیز

در عدد صحیح دیدیم که

$$n^{100} = 5 \times 10^4 + 4 \times 10^3 + 7 \times 10^2 + 6 \times 10^1 + 3$$

$$= 50000 + 4000 + 700 + 60 + 3$$

$$n = \begin{matrix} & 5 & 4 & 7 & 6 & 3 \end{matrix}$$

در مینای اعشاری، ارقام سمت چپ ممیز به ترتیب یک ها،  $10^0$  یا ده ها،  $10^1$  یا صدها،  $10^2$  یا هزارها، و... را نشان می دهد. در حالی که ارقام سمت راست ممیز به ترتیب،  $\frac{1}{10}$  یا دهم ها،  $\frac{1}{100}$  یا صدم ها،  $\frac{1}{1000}$  یا هزارم ها، و... را مشخص می سازد و در هر صورت، ارزش هر رقم ده برابر رقم سمت راست آن است. به جدول زیر و ارزش مکانی ارقام برای عدد  $4527,863$  توجه کنید.

هزارم	صدم	دهم	ممیز	یک ها	دهگان	صدگان	هزارگان
$\frac{1}{1000}$	$\frac{1}{100}$	$\frac{1}{10}$		۱۰	$10^1$	$10^2$	$10^3$
۳	۶	۸	/	۷	۲	۵	۴

نکته: نقش ممیز در همه میناها یکسان است و محاسبات بر اساس عدد مینای داده شده، صورت می گیرد.

### چهار عمل اصلی در مینای اعشاری

چون در مینای اعشاری، نقش محاسبه با  $10^0$ ، یعنی عدد مینا است و اساس کار دسته بندی می باشد، در نتیجه توجه به ارزش مکانی ارقام از اهمیت خاص برخوردار است. در جمع، هر وقت جمع ارقام (که ارزش مکانی خود را دارند) به ده می رسد، مقدار کم تر از ده را در زیر همان ارقام یا مرتبه می نویسیم ولی یک آن را که از مرتبه بعدی است، بالای رتبه بعدی می نویسیم و جمعش را با ارقام همان مرتبه منظور می کنیم:

$$\begin{array}{r} 653 \\ + 479 \\ \hline 1132 \end{array} \quad \begin{array}{r} 3^{10} \\ 5^{10} \\ 2^{10} \\ \hline 10^{10} \end{array}$$

$$+ 479 \rightarrow (3+9=12=2+10)$$

چون تفریق برگشت عمل جمع است، نحوه کار در تفریق نیز برگشت کار یا جمع است. در جمع، یک های حاصل از ده های به وجود آمده از جمع ارقام سمت راست را، به رقم های سمت چپ (رقم بعدی) منتقل می کنیم و در تفریق برگشت می کنیم + یعنی از

رقم سمت چپ یک ها را فرض می گیریم و رقم سمت راست را به صورت دو رقمی می نویسیم.

انتقال در ضرب مثل جمع و در تقسیم مثل تفریق است.

نکته: قانون محاسبه در چهار عمل اصلی در هر مینا یکسان است و محاسبات و انتقال ها بر اساس عدد مینا صورت می گیرد.

### قرارداد

الف) در مینای اعشاری اعداد را بدون نوشتن مینا می نویسیم؛ یعنی به جای  $(54763)$  می نویسیم:  $54763$  ولی عدد مینا را در ذهن حساب می کنیم (مثل  $\sqrt{5}$  که می نویسیم  $\sqrt{5}$  و دوی فرجه در ذهنمان هست).

ب) در سایر میناها، عدد مینا را بیرون پرانتز می نویسیم:  $(54763)$  یا  $(3712)$ .

ج) در تبدیل عدد اعشاری به مینای دلخواه، مینای خواسته شده را در پرانتز می نویسیم. مثلاً وقتی می خواهیم عدد  $37$  را در مینای  $2$  بنویسیم، چنین عمل می کنیم:  $37_{11}$ .

### د- طرز خواندن عدد

در مینای اعشاری می خوانیم: پنجاه و چهار هزار و هفتصد و شصت و سه، ولی برای سایر میناها باید تمام ارقام را از چپ به راست، به طور متوالی تکرار کرد: عدد پنج، چهار، هفت، شش، سه در مینای ۹ هیچ وقت عدد داخل پرانتز را به شیوه قرائت اعشاری بخوانید.

### جمع بندی

خلاصه آنچه شما باید در کلاس خود یادآوری کنید (نچه ها بنا بر این حرف ها کاملاً آشنا هستند):

الف) در دستگاه اعشاری صفر وجود دارد.

ب) نمادهای عددنویسی در مینای اعشاری  $0, 1, 2, 3, \dots$  هستند که به آن ها رقم می گویند. آخرین رقم ۹ است که همیشه یک واحد از مینا کوچک تر است یا به زبان ریاضی می نویسیم:

$$Z_9 = \{0, 1, 2, 3, \dots, 9\}$$

ج) تعداد نمادها (ارقام) برابر عدد مینا، یعنی ۱۰ است.

د- ارقام را بین دو قلاب و همیشه به ترتیب از صفر، ۱، ۲، ... می نویسیم تا به رقم یک واحد کوچک تر از مینا برسیم (دسته بندی بر اساس مینا و به صورت ده نایی است). و در نوشتن هر عدد، ارقام را به ترتیب از چپ به راست و دنبال





هم می‌نویسیم و توجه داریم که ارزش هر رقم ده برابر ارزش رقم سمت راست آن است که در باز کردن عدد به صورت توان های  $10^0$  ظاهر می‌شود و به این ترتیب، هر رقم دارای یک ارزش مکانی است.

(ز) ارزش ارقام بعد از ممیز، به ترتیب  $\frac{1}{10}$ ،  $\frac{1}{100}$ ،  $\frac{1}{1000}$ ، ...  
 $\frac{1}{10^n}$ ، و همچنین، ارزش هر رقم، ده برابر ارزش رقم سمت راست آن است.

(ح) در محاسبات چهار عمل اصلی، از قوانین انتقال و قرض گرفتن استفاده می‌کنیم.  
 نکته: این قوانین هشتگانه عددنویسی، در هر مبنا صادق و درست است.

### تعمیم دستگاه عددنویسی اعشاری

اساس ریاضیاتی که دانش آموز در کلاس های قبل خوانده و بارها و بارها تکرار کرده، عددنویسی، ارزش مکانی، دسته بندی، ممیز، و محاسبات بوده است. لذا نقش شما در تدریس مبنا، فقط یک جلسه یادآوری و تأکید روی نکات هشتگانه ذکر شده در جمع بندی است.

عددنویسی در میناهای دیگر، در حقیقت شروع یک بازی است. گاهی اوقات در تلویزیون یا رادیو توجه کرده اید که مجری برنامه، یک بازی را این طوری مطرح می‌کند که من هر کلمه ای گفتم شما نقش آن را عوض کنید و ضد آن را بگویید. مثلاً:

مجرى	شرکت کننده
روز	شب
سیر	گرسنه
سفید	سیاه
سوار	پیاده
دوست	دشمن
--	--

بازی فقط به دقت شرکت کننده و اطلاعات قبلی او بستگی دارد. اگر یک لحظه تمرکز حواس را از دست بدهد، اشتباه خواهد کرد. به عبارت دیگر، «قانون جدیدی» وجود ندارد که حالا یاد بگیرد؛ هر چیزی لازم بوده، قبلاً یاد گرفته است! شما هم در آموزش میناها، همین بازی را با بچه ها تکرار کنید! و نیاز به آموزش چیز تازه ای ندارید.

### بازی و ریاضی:

بچه ها ما امروز می‌خواهیم با اعداد یک بازی انجام بدهیم. من

عددی را به شما می‌گویم و نقش مینای  $10^1$  را به یک عدد دیگر، مثلاً ۱ می‌دهم و از شما می‌خواهم عدد را باز کنید. پس دقت کنید، هر جا در محاسبات  $10^0$  می‌نوشتید خط بزنید (البته در ذهنتان) و به جای آن ۵ بنویسید و حساب کنید در شروع بازی مینای  $10^0$  را هم می‌نویسیم، ولی بعدها از آن صرف نظر می‌کنیم (به رابطه توان  $10^0$  و تعداد ارقام جلوی ضرب آن توجه کنید):  
 عدد در مینای  $10^0$ :

$$2431 = 2 \times 10^3 + 4 \times 10^2 + 3 \times 10^1 + 1 \times 10^0$$

اکنون عدد را به مینای ۵ می‌بریم

$$(2431)_{10} = 2 \times 5^3 + 4 \times 5^2 + 3 \times 5^1 + 1 \times 5^0$$

حالا نقش  $10^0$  را به ۷ بدهید (به رابطه ارقام با مبنا که هر یک از مبنا کوچک تر است، توجه کنید):  
 عدد در مینای  $10^0$ :

$$36452 = 3 \times 10^4 + 6 \times 10^3 + 4 \times 10^2 + 5 \times 10^1 + 2 \times 10^0$$

اکنون عدد را به مینای ۷ می‌بریم

$$(36452)_{10} = 3 \times 7^4 + 6 \times 7^3 + 4 \times 7^2 + 5 \times 7^1 + 2 \times 7^0$$

اکنون نقش  $10^0$  را به عدد طبیعی  $b$  که مخالف یک است، می‌دهیم -- (به رابطه توان  $10^0$  و تعداد ارقام سمت راست ضرب آن توجه کنید.)

$$36452 = 3 \times 10^4 + 6 \times 10^3 + 4 \times 10^2 + 5 \times 10^1 + 2 \times 10^0$$

اکنون عدد را به مینای  $b$  می‌بریم:

$$(36452)_{10} = 3b^4 + 6b^3 + 4b^2 + 5b + 2$$

عدد در مینای  $10^0$ :

از این به بعد، «باز کردن» اعشاری عدد را نمی‌نویسیم و فقط به مینای مورد نظر توجه می‌کنیم. به مثال‌ها توجه کنید (به عدد توان‌ها و تعداد ارقام جلوی ضرایب توجه کنید):

$$(101101)_{10} = 1 \times 2^5 + 0 \times 2^4 + 1 \times 2^3 + 1 \times 2^2 + 0 \times 2^1 + 1 \times 2^0$$

از ضرایب صفرها صرف نظر می‌کنیم:

$$= 1 \times 2^5 + \dots + 1 \times 2^3 + 1 \times 2^2 + 1$$

$$= 2^5 + 2^3 + 2^2 + 1 = 45$$

که یک عدد طبیعی است.

$$(21021)_{10} = 2 \times 3^3 + 1 \times 3^2 + 2 \times 3^1 + 1 \times 3^0$$

$$= 162 + 9 + 6 + 1$$

که یک عدد طبیعی است. ۱۷۵



## عدد نویسی در مبنای $h$ ، در حالت کلی

چون ما نقش ۱۰ را به  $h$  می دهیم، پس به جای  $Z_{10}$  باید نویسیم  $Z_h$  و از آن رقم استفاده کنیم که ممکن است بعضی از آن‌ها دور رقمی، سه رقمی، و... باشند. ما این ارقام را  $a_0, a_1, a_2, \dots$  پیشنهاد می‌کنیم که یکی از آن‌ها صفر است و توجه داریم که  $0 < a_i < h$  یعنی هر رقم از مینا کوچک تر است. و عدد

$$n = a_0 + a_1h + a_2h^2 + \dots + a_kh^k$$

را با استفاده از قانون هشتگانه جمع بندی، یعنی قانون

عدد نویسی، می نویسیم

و داریم:

$$Z_h = \{a_0, a_1, a_2, a_3, \dots, a_k, a_{k+1}, a_{k+2}, \dots, a_{k+1}h + a_{k+2}h^2, \dots\}$$

در  $Z_h$  با توجه به  $h$  و این که اندیس‌ها از یک شروع شده است،

$k+1$  رقم داریم و نیز با توجه به رابطه توان های  $h$  و تعداد ارقام سمت راست آن خواهیم داشت:

$$(a_0 + a_1h + a_2h^2 + \dots + a_kh^k)h = a_0h + a_1h^2 + a_2h^3 + \dots + a_kh^{k+1}$$

$$a_0 + a_1h + a_2h^2 + \dots + a_kh^k = a_0 + a_1h + a_2h^2 + \dots + a_kh^k$$

که حاصل همیشه و در هر مینا، یک عدد طبیعی است که آن را با  $n$  نمایش می دهیم. پس

$$n = a_0h^0 + a_1h^1 + a_2h^2 + \dots + a_kh^k + a_{k+1}h^{k+1} + a_{k+2}h^{k+2} + \dots$$

و از آن جا قضیه مهم زیر در حساب مطرح می شود.

قضیه هر عدد طبیعی  $n$  را می توان در مبنای  $h$  که مخالف یک

است، به صورت زیر نوشت:

$$n = a_0 + a_1h + a_2h^2 + \dots + a_kh^k + a_{k+1}h^{k+1} + a_{k+2}h^{k+2} + \dots$$

نتیجه وقتی یک عدد را در مبنای دلخواه می نویسیم، همیشه

حاصل آن عدد طبیعی است و لذا از تعاریف، مثل تعریف بخش پذیری یا مجذور کامل و باقوالین مثل اتحادها پیروی می کند.

مثال ۱. اگر عمل برگشت انجام بدهیم و نقش ۱۰ را به خود ۱۰

برگردانیم، خواهد شد:

$$n = a_0 + a_1(10) + a_2(10)^2 + \dots + a_k(10)^k + a_{k+1}(10)^{k+1} + a_{k+2}(10)^{k+2} + \dots$$

که در آن،  $a_i$ ها ارقام ۰، ۱، ۲، ...، ۹ هستند.

مثال ۲. محاسبه را برای  $h=11$  و  $h=12$ ، یعنی  $Z_{11}$ ،  $Z_{12}$  انجام دهید.

حل: در میناهای دو رقمی، برای جلوگیری از اشتباه، به جای

اعداد دو رقمی، رقم های جدیدی مثل  $\alpha$  و  $\beta$  و  $\gamma$  و... (یا  $\alpha, \alpha, \alpha, \alpha, \alpha, \dots$ ) قرار می دهیم. لذا داریم:

مینا

$$Z_{11} = \{0, 1, 2, 3, \dots, 9, \alpha\}, \quad \alpha = 10 < 11$$

مینا

$$Z_{12} = \{0, 1, 2, 3, \dots, 9, \alpha, \beta\}, \quad \alpha = 10, \beta = 11, \quad \beta < 12$$

برای مثال، دو عدد  $n = (2\alpha 593)$  و  $n = (15\alpha\beta 64)$  را بازنویس

می کنیم:

$$n = (2\alpha 593)_{11} = 2 \times 11^2 + \alpha \times 11 + 5 \times 11^0 + 9 \times 11 + 3$$

$$n = (15\alpha\beta 64)_{12}$$

$$= 5 \times 12^2 + \alpha \times 12 + 7 \times 12^0 + \beta \times 12 + 6 \times 12 + 4$$

## جمع بندی

در مبنای ۲، ارقام ما ۰ و ۱ هستند؛ یعنی  $Z_2 = \{0, 1\}$ . تعداد

نمادها (ارقام) دو تا و دسته بندی دوتایی است.  $2 < 2$  و پایه توان های عددی باز شده نیز ۲ می باشد.

در مبنای ۳، ارقام ما ۰، ۱ و ۲ هستند؛ یعنی  $Z_3 = \{0, 1, 2\}$ .

تعداد نمادها (ارقام) ۳ تا و دسته بندی سه تایی و  $3 < 3$  و در بر شدن، پایه ها عدد ۳ است.

در مبنای ۵، ارقام ما ۰، ۱، ۲، ۳، ۴ هستند؛ یعنی

$$Z_5 = \{0, 1, 2, 3, 4\}$$

باز شدن، پایه ها عدد ۵ است.

در مبنای ۱۰ داریم  $Z_{10} = \{0, 1, 2, 3, \dots, 9\}$  و تعداد ارقام ۱۰ تا

و دسته بندی ۱۰ تایی و پایه ها عدد ۱۰ است.

در مبنای ۱۱،  $\alpha$  را به جای عدد دو رقمی ۱۰ به کار می بریم.

$$Z_{11} = \{0, 1, 2, 3, \dots, 9, \alpha\}$$

در باز شدن، پایه ها عدد ۱۱ است.

در مبنای ۱۲، نمادهای  $\alpha = 10$  و  $\beta = 11$  را در نظر می گیریم و

$$Z_{12} = \{0, 1, 2, 3, \dots, 9, \alpha, \beta\}$$

داریم:

در مبنای  $h$ ، ما به تعداد  $h$  نماد داریم:  $Z_h = \{a_0, a_1, a_2, a_3, \dots, a_{k+1}, a_{k+2}, \dots\}$

در هر مینا، نماد ۱۰ نمایش عدد مناسبت، به عبارت دیگر،

ارزش ۱۰ برابر عدد مناسبت.

$$\begin{matrix} (10)_0 & (10)_1 & (10)_2 & \dots & (10)_k & (10)_{k+1} \\ \text{اعداد در مینا} & & & & & \end{matrix}$$

$$h \quad 3 \quad 2 \quad 1 \quad 0 \quad \text{ارزش یک در عدد (مبنای)}$$

و به همین ترتیب، نماد ۱۰ نمایش مسا به توان ۲ و ۱۰۰ نمایش

منا به توان ۳ است.

توجه: عمل برگشت باز کردن یک عدد، یعنی نوشتن یک

عدد مثل ۳۷ در مبنای ۲ را، در قسمت پاسخ ها مطرح خواهم کرد.

حالا زمینه برای پاسخ به سؤالات مطرح شده، فراهم آمده

است.

ادامه مطلب را در شماره آینده خواهد خواند.





گروهی از خاریشتان در یک زمستان به یکدیگر چسبیدند، بدین آهنگ که از بر خور داری حرارت بدن هم، خود را از سرما محافظت کنند. اما بدان روی که بسیار تنگ و نزدیک در هم فرو رفته بودند از خارهای یکدیگر آزاده شدند و از هم واگستند. بار دیگر نیاز به گرمای دویاره ایشان را در هم فرو برد و باز بدان سبب پیشین از هم فاصله گرفتند.

زمان اندکی بدین همگرایی و واگرایی گذشت تا اینکه سرانجام یک فاصله منطقی و مناسبی را برای نزدیکی به یکدیگر یافتند. بر این یافته، نوانستند بدون آنکه مزاحمتی برای یکدیگر پیش آورند، سرما را نیز به خوبی تحمل کنند. درست همانند داستان خاریشتان، افسانه زندگی انسان هاست. تنهایی، موجب می شود که انسان ها در جامعه گرم فرآیند،

اما اشتباه ها و خودخواهی زشت ایشان، آنها را از یکدیگر دور می سازد. افراد بشر، با هم بودن را تنها با حفظ یک فاصله منطقی و معقول تحمل می کنند و این فاصله معقول عبارتست از ادب و حسن معاشرت. در این صورت گرمای متقابل و استفاده های دوطرفه به صورت محدود امکان پذیر می شود، در حالی که افراد از تیغ خودخواهی های یکدیگر نیز در امان می مانند.



# مرز دوستی

ترجمه: محمدعلی فیاض بخش



روزگار  
بهرماندگان  
بسیار  
است

too bright. But during an eclipse, the sun's light is shut out by the moon, then we can see the light of the star. The astronomers who watched noticed that the star appeared to change its position a little. The cause of this was that the star's light was turning from the straight line as it passed the sun. The sun's gravitation was bending the beam of light. This showed that Einstein was right.

## EXERCISES

1. Answer these questions:

- (a) In which century was Newton born?
- (b) What question did Newton ask himself when he saw the apples fall?
- (c) Why do we not notice the gravitational pull of a table?
- (d) What holds the earth near the sun?
- (e) Why can we see some stars in daytime during an eclipse?

2. Put one of the given words in each space: gravitation; attracted; law; atoms; planets.

- (a) The earth is held near the sun, which is 93 million mile; away, by the force of — .
- (b) Which two great scientists each gave us a — of gravitation?

(c) — are so small that we cannot see them.

(d) When the magnet — the needle, the needle turned.

(e) Jupiter is the largest of the — .

3. Put the right preposition in each space below:

(a) Peter turned his face away — the light.

(b) Rays of light usually move — a straight line.

(c) The apple fell — the ground.

(d) Saturn is a planet which moves — the sun.

(e) There are millions of stars — the galaxy.

4. Notice: *According to the law, ... everything attracts...*

This means: The law tells us that everything attracts...

Complete these sentences:

(a) According to the newspapers, ...

(b) According to Newton's law, ...

(c) According to the radio news tonight, ...

(d) According to the compass, the ship ...

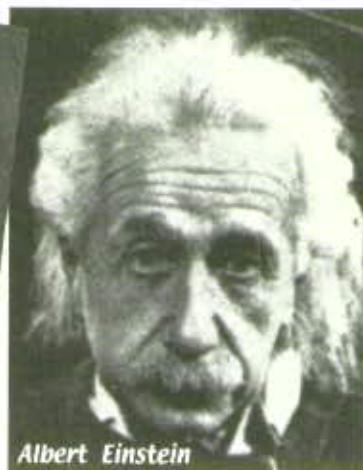
(e) According to the pilot, our plane ...

5. Give the opposites of these words by putting in front of them. Then write a sentence using each of your new words:

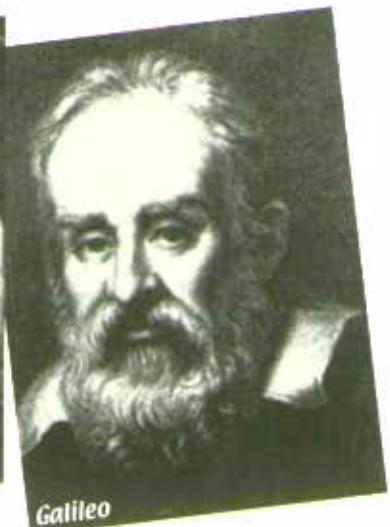
- (a) like. (b) important. (c) noticed. (d) usual. (e) changed.



Sir. Issac Newton



Albert Einstein



Galileo



GRAVITATION is a very important force in the universe. Every object has a gravitational pull, which is rather like magnetism. But, unlike a magnetism, gravitation is not found only in iron and steel. It is in every object large or small; but farge objects, such as the earth have stronger pull than small ones.

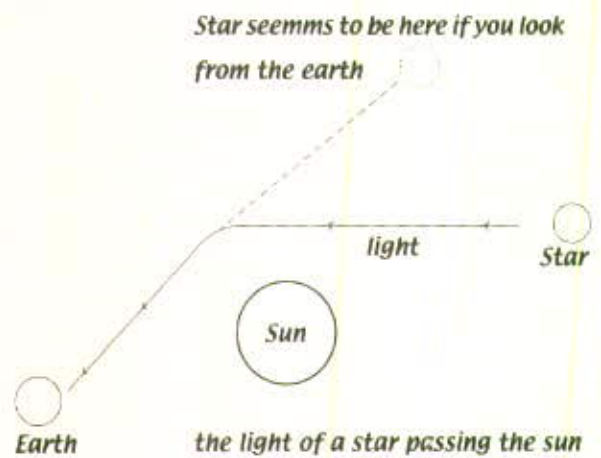
Sir Issac Newton, the great scientist of the seventeenth century, first studied gravaiaon. When he was a boy, he often saw apples falling to the ground. He wondered why they fell towards the earth, and why they did not fly up into the sky.

According to the law which he later produced, everything in the universe attracts everything else towards itself. The sun attracts the earth and the earth attracts the sun. The earth attracts the moon and the moon the earth. Although the bigger object has the stronger attraction, all objects, in fact, have some; but we do not notice the gravitational pull of a book

shape of which is rather like the shape of a watch.

There are millions of galaxies in the universe, and so there are thousands of millions of millions of suns. Many astronomers believe that some of these suns have planets as our sun does.

Einstein produced a new law of gravitation. Its main results are the same as the results of Newton's law; but in very small and fine



# Gravitation

because the pull of the earth is very much greater.

Why does the earth always move round the sun, and not fly off into cold space? The sun's gravitation gives the answer. The earth is always trying to move away in a straight line, but the sun is always pulling it back. So it continues on its journey round and round the sun.

The sun is one of the stars in the galaxy, in which there are about 100,000 million stars. It is not in the middle of the galaxy, but rather near one edge. These stars form a group, the

matters, Einstein's law gives different results. One of these is that gravitation bends light a little; but according to Newton's law gravitation has very little effect on light. Einstein showed this fact by means of mathematics, and not by experiment.

This result of his law was tested during an eclipse of the sun. Usually, when the light of a star passes the sun, we cannot see it; the sun is



روزگار  
روزگار  
روزگار

استاد ابو الحسن صدیقی، نقاش و مجسمه‌ساز بزرگ و نام‌آور ایران، به سال ۱۲۷۶ شمسی در محله غودالجان تهران به دنیا آمد. در هفت سالگی به مدرسه اقدسیه که به همت سعید العنایت لاریجانی از پیشگامان تأسیس مدرسه‌ها به سنگ جدیدی احداث شد، وارد گردید. وی بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی، به تشویق جدی‌اش در مدرسه الیانس ادامه تحصیل داده و سپس فراگیری دروس مختلف با توجه به استعداد غریزی و فطری، به تدریس نقاشی و طراحی، سی‌سازی و مدد معلم پرداخت، تا آنجا که تمامی علم دستی و بود تجربه، غناشی‌ها و هنرهای حسین او، بیست‌ساز حسین‌خدا و سنگ‌نقشی دست‌اندرکاران مدرسه و اهل خانواده و

استاد ابو الحسن صدیقی، نقاش، پیکرتراش و مجسمه‌ساز بزرگ معاصر، هنرمندی است که شاید بیش از بسیاری از دیگر هنرمندان، آثارش هر روزه و در گوشه و کنار ایران، در معرض دید رهگذران و تماشاگران قرار می‌گیرد. با این حال به نظر می‌رسد کمتر کسی او را می‌شناسد و از رور و روزگار او، که اینک به رحمت خدا رفته است، خبر دارد. مجسمه سعیدی (در شیراز)، مجسمه فردوسی (در میدان فردوسی تهران)، مجسمه فرشته عدالت (در کاخ دادگستری تهران)، مجسمه عظیم یادگناه و سربازان (در مشهد)، مجسمه حکیم ابوالقاسم فردوسی (در قزوین)، تیم سه حکیم عمیر خاتم (در ایسپورا) و مجسمه یعقوب لیث (در زفول) تنها بخشی از آثار ماندگار این هنرمند ساکنی آفرین است.

در ادامه معرفی هنرمندان بزرگ کشور به شما دبیران ارجمند نویزه معلمان هنر، حتی هنر این شماره را اختصاص داده‌ایم به بیان شرح حال مرحوم استاد ابو الحسن صدیقی و می‌دانیم که مورد توجه شما قرار خواهد گرفت، زیرا در واقع پس از او کسی نتوانسته است این جایه اعجاب و هنر را در کالبد سنگ و گلین بی‌جان بدمد و بیننده را محدود نمایی اندر خویش سازد. در سال ۱۳۷۲، کیسوی می‌بوسکو در ایران، یادنامه‌ای در بزرگداشت «ابو الحسن خان صدیقی» تألیف هادی سیف منتشر کرد که مجموعه‌ای است غنی از مطالب خواندنی درباره استاد و تیر عمادگیری از آثار هنری او نوشتند. حاضر نیز از این مجموعه برگزیده شده است. رسد.



## پیکرتراش معاصر

# ابو الحسن صدیقی

هادی سیف







حیرت برانگیز، به یکباره آن چنان مرتبه و اعتباری در عرصه مجسمه سازی نصیب او می سازد که استاد کمال الملک به دلیل تشویق و شناساندن استعداد و نبوغ شاگرد خویش، وی را به همراه مجسمه ونوس دومیلو به حضور احمدشاه قاجار می سپرد. در این دیدار و معرفی است که به دستور سلطان قاجاری، مقرری ماهیانه ای برای پیشبرد و تداوم هنر وی در نظر گرفته می شود. استاد کمال الملک نیز در مقابل، سرپرستی کارگاه تازه تأسیس شده مجسمه سازی مدرسه صنایع مستظرفه را به

آشنایان دور و نزدیک گردید. عشق و گرایش به نقاشی و طراحی، تا بدانجا در نقاش و طراح جوان بالا می گیرد، که وی در آخرین سال تحصیل در مدرسه آلیانس، شوزیده و بی فراز از قبل و قال مدرسه می گریزد و به خدمت استاد کمال الملک عقاری رسیده و بر سر کلاس درس وی در مدرسه صنایع مستظرفه می نشیند، و طی سه سال تعلیم نقاشی و طراحی در مدرسه صنایع مستظرفه، با عنایت به تلاش خستگی ناپذیرش در دریافت راز و رمزهای نقش آفرینی و سود جستن از هدایت ها و تعالیم یگانه نقاش عصر - استاد کمال الملک غفاری - در شمار برحسته ترین هنرآموزان مدرسه، موفق به اخذ دیپلم نقاشی با درجه ممتاز می گردد. پایان تحصیلات در مدرسه صنایع

کسب تجربه بیشتر در خصوص حجاری و مجسمه سازی می پردازد.

شگفتا که در این دوران نیز ابوالحسن صدیقی در جمع هنرآموزان مدرسه هنرهای زیبای پاریس، برتری ذوق و استعداد خویش را در مقام رقابت هنری با سایر هنرآموزان به اثبات می رساند. وی در طول این ایام، جدا از مجسمه سازی، تابلوهای رنگ و روغن و آبرنگی خلق می کند متأثر از شیوه ها و مکاتب نوین نقاشی رایج در اروپا که حکایت از تحول نگاه و نگرش او در تجربه آزاد و ره های وی در زمینه نقش آفرینی دارد.

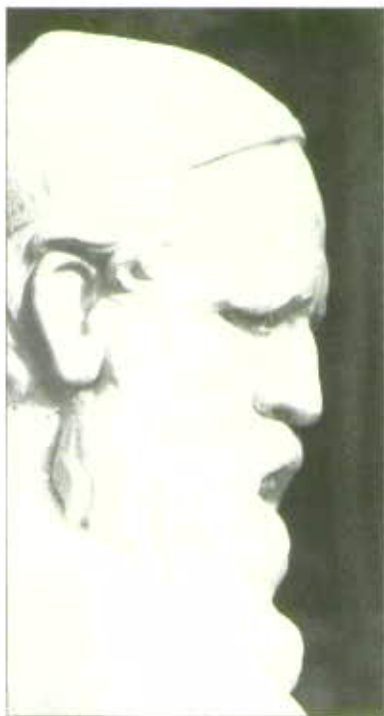
سال ۱۳۱۱ به هنگام بازگشت به ایران، بنا به ارادت و اخلاص صادقانه اش در تداوم راه و آرمان استاد منزوی و گوشه نشین خویش و به روایتی اطاعت از خواست و فرمان استاد کمال الملک، با قبول ریاست مدرسه صنایع مستظرفه و راه اندازی مجدد این مدرسه، بار دیگر مدرسه را کانون و محفل هنرآموزانی شایسته و مستعد می سازد که هریک بعد از اتمام تحصیل، به سهم خویش نقشی بسزا در اعتلای نقاشی و مجسمه سازی این دیار ایفا می کنند.

شاگرد شایسته و لایق خویش می سپرد. از این ایام به بعد، مجسمه ساز صاحب ذوق، اوقات رایبی وقفه شار ساخت مجسمه هایی می کند از سنگ و گچ، که بی تردید هریک در ردیف افتخارات ماندگار هنری مدرسه صنایع مستظرفه به شمار می رود. مجسمه هایی همانند، مجسمه گچی فردوسی، مجسمه های نیم تنه و تمام قد امیرکبیر و ماندگارترین آنها، مجسمه سپاه نژن، که در محافل هنری وقت، بسیار مورد تمجید و تحسین قرار می گیرد.

سال ۱۳۰۷ شمسی، هم زمان با هجرت ناگزیر و اندوهساز استاد کمال الملک به حسین آباد تیشابور، و پراکنده شدن جمع شاگردان و معلمان صمیمی و یکدل و هم ذوق مدرسه، وی نیز بی آن که دمی تاب ماندگاری داشته باشد، با مختصر اندوخته شخصی، راهی اروپا می گردد و بعد از سیر و سیاحتی کوتاه در چند کشور اروپایی، مدت زمانی نزدیک به چهار سال در مدرسه هنرهای زیبا در پاریس زیر نظر «آژالیر» استاد چیره دست حجاری و مجسمه سازی مدرسه، به فراگیری و

مستظرفه است که استاد کمال الملک با توجه به شایستگی و استعداد شاگرد، او را با سمت معلم نقاشی و طراحی در مدرسه صنایع مستظرفه به انجام وظیفه وامی دارد. با تمامی این احوال، کوناه ایامی بعد، معلم نقاش و طراح مستعد و صاحب ذوق را گرایش و کششی پنهان و نهان، به اندیشه و خیال مجسمه سازی می اندازد. خیال و نیازی که آرام آرام وادارش می سازد تا با جسارت و شهامت تمام، نخستین مجسمه گچی از نیم تنه کودکی را با وسایلی ابتدایی و چه بسا غیر اصولی خلق کند و پیشکش معلم و راهبر بزرگوار خویش کمال الملک نماید. آن هم در شرایطی که مجسمه سازی به تنها در مدرسه صنایع مستظرفه، بل در ایران، دارای هیچ سابقه و جایگاه و خاستگاهی نبوده و بدعت و خلافیت شاگرد، در حقیقت آغازگر حرکتی نوین و خلاقیتی بی سابقه در زمینه این هنر به شمار می رود.

ساخت نخستین مجسمه سنگی از مدل مجسمه گچی «ونوس دومیلو»، بعد از تجربه های متعدد در خلق مجسمه های گچی، همراه با ارائه ذوق و مهارتی



قهر با همه کس و همه چیز را پیشه می‌سازد.

افسوس و صدافسوس که بگانه استاد پیر و پیش کسوت هنر ایران، گریزان از هرگونه طرح حدیثات و انگیز و خلافت‌های ماندگار هنری اش، نزدیک نه فرمی سکوت خود را آگاهانه شکست و بسیاری راز و رمزه‌های بهفته هنری اش را در قفس سینه مکتوم نگه داشت. همانی که اگر کسی به سخن می‌گشود، بد که افگشتی فرمی حدیث نقاشی و مجسمه‌سازی در این خاک می‌گردد.

در شرایطی که استاد پیر، تمامی ناملوهایش را کرده و غارهایی نشسته بر تنه و کعبه می‌پنداشت و مجسمه‌هایش را نوده‌های بی‌حاشی از سنگ و گنج، بی‌گمان حسرت و گشتاحی می‌جوید هرگونه نقد و شیرینی در آرزوی خلافت‌های هنری وی. چه در زمینه نقاشی و چه مجسمه‌سازی به رشته تحریر درآید. فضاوت را می‌نرشد باید به آیندگان سپرد و این که راستی را استاد ابوالحسن صدیقی که بود و چه سهم و منزلت و اعتبار جاودانه‌ای در اعتلای هنر نقاشی و مجسمه‌سازی ایران داشت!

معرفی می‌نماید.

استاد ابوالحسن خان صدیقی در سال ۱۳۴۰ شمسی حسته از سال‌ها تعلیم و تدریس و هنر آفرینی، در سمت استاذ مجسمه‌سازی و حجاری دانشگاه تهران بازنشسته می‌گردد.

در گذر سال‌ها تدریس و تعلیم، استاد خدا از وظیفه سنگین تربیت و تعلیم استعدادها قابل در زمینه مجسمه‌سازی و حجاری و خلق تابلوهای ارزشمند رنگ و روغن و آب‌سنگ، تدریس نشانه‌یووع هنری اش را در عرصه مجسمه‌سازی با مباحث مجسمه‌عظیمه سنگی فرشته عدالت به طول ۲/۷۰ متر به سفارش وزارت دادگستری آشکار می‌سازد. همایی که بی‌گرافه در نوع خود یکی از شاهکارهای مصله مجسمه‌سازی نه تنها در ایران، سا جهان است.

سال ۱۳۲۹ استاد ابوالحسن خان صدیقی با قبول عضویت انجمن آثار ملی، دوران نوینی در خلق مجسمه‌های ماندگار از مشاهیر علم و ادب ایران، به سفارش انجمن آثار ملی در زندگی هنری اش آغاز می‌کند. مجسمه‌هایی همانند: شیخ اجل سعیدی، دالای بزرگ تومس و سجن سرای نامی فردوسی، خلیف بزرگوار ابوعلی سینا و مجسمه بریری مادر و سرافرازش که در ریخته‌گری فیروزی در میلان ایتالیا لندارک دیده می‌شود. و الاثر مجسمه پر هیبت و سطوت فردوسی جهت نگهداری در میدان ویلانورگ شهر رم. که نوع مجسمه‌سازی شهر ایرانی را در محافل اروپا باز در خاص و عام می‌سازد.

کارنامه مجسمه‌سازی استاد ابوالحسن صدیقی با ساخت مجسمه‌های تمام‌قد و نیم‌تنه خیابان، فیلسوف و شاعر منتقد ایران در دوران چیرگی پیری و نافرومانی و ضعف دست‌ها و سر پنجه‌های هنر آفرین وی بسته می‌شود. و روزگار گوشه‌نشینی و حلاوت همشگنی زندگی استاد و قهر با عالم هنر و این زمانه که به سزاوارترین این که استاد،

مدرسه صنایع مستظرفه که به تقریب تا هنگام مرگ استاد کمال‌المنک برقرار بوده است، بنا به دلایلی نه چندان آشکار، بنا مرگ استاد. برای همیشه تعطیل و زمانی بعد مدرسه هنری دیگری تحت نام و عنوان امدرسه هنرهای زیبا، وابسته به وزارت فرهنگ و فن تدریس می‌گردد.

استاد ابوالحسن خان صدیقی، بعد از سال‌ها تلاش و خدمت بی‌وقفه، مدانی گوشه‌گیری و انزوا پیشه می‌کند و نخست از قبول دعوت تدریس در این مدرسه سر باز می‌زند، اما بنا به اصرار بسیاری از مسئولان و دست‌اندرکاران امور هنری، ناگزیر تعهد تدریس و تعلیم مجسمه‌سازی و حجاری را در این مدرسه می‌پذیرد.

رشته‌های گوشه‌گون هنر در مدرسه هنرهای زیبا، سالی چند بعد از تأسیس، با الحاق به دانشگاه تهران و تبدیل شدن به دانشگاه هنرهای زیبا، گسترش چشمگیری می‌یابد و از آن جمله دیار تمدن حجاری و مجسمه‌سازی است که بنا ریاست استاد ابوالحسن صدیقی، بسیار استعدادها جوان و مشتاق را در عرصه مجسمه‌سازی تعلیم و به جامعه هنری



روزنامه‌های  
روزنامه‌های  
روزنامه‌های





# بررسی کتاب‌های درس تاریخ

## دوره راهنمایی در کشور فرانسه

آیدا رامید

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان فرانسه

یکی از سیاست‌های ما در این مجله، معرفی کتاب‌های درسی و آموزشی سایر کشورهای جهان به شماست. در بخش تاریخ تاکنون کتابهای درسی مصر (شماره ۱۳) و انگلستان (شماره ۱۱) را به طور مشروح معرفی کرده‌ایم. مقاله حاضر نیز به معرفی کتاب‌های درسی تاریخ دوره راهنمایی در کشور فرانسه پرداخته است و در دو قسمت به چاپ خواهد رسید. بی‌تردید این نوع مقالات در افزایش دانش و بینش همکاران ارجمند مؤثر خواهد افتاد. رشد

است. حدوداً نیمی از کتاب به درس تاریخ و نیم دیگر به جغرافیا می‌پردازد. بخش تاریخ آن ۱۸۲ صفحه و بخش جغرافیای آن ۱۵۰ صفحه است. در شروع این کتاب، با یک فهرست و سپس به نقشه‌ای از ساختار کلی هر درس بر می‌خوریم. (مانند آنچه که در تصویر مشاهده می‌کنید) پس از آن به بخشی می‌رسیم که در آن یک برنامه درسی ساعت‌بندی شده در اختیار آموزگار قرار داده شده است و تعداد ساعات اختصاص داده شده برای آموزش هر درس در آن مشخص و در مجموع، ۴۵ ساعت برای کل درس تاریخ در نظر گرفته شده است. پس از این، به دروس اصلی کتاب می‌رسیم که همان گونه که در فهرست مشاهده می‌کنید هر درس کلی شامل چندین درس فرعی و قسمت‌های گوناگونی چون «جایگاه»، «دروس اصلی»، «ضمیمه» و «تمرین» است. هر درس یک مقدمه دو صفحه‌ای دارد که معمولاً با تصویری بزرگ مربوط به همان درس و توضیحی کوتاه و طرحی از ساختار درس مربوطه همراه است. پس از مقدمه به بخش توصیف مکانی می‌رسیم که شامل نقشه‌های جغرافیایی و مناطق مورد بحث آن درس است این بخش چند پرسش در رابطه با نقشه‌های جغرافیایی مربوطه نیز دارد. سپس به دروس فرعی می‌رسیم. هر درس فرعی به صورت دو صفحه‌ای مقابل هم چاپ شده است. هر درس کلی می‌تواند ۳ یا ۴ درس فرعی داشته باشد. (با مراجعه به فهرست درک مطالب آسان‌تر خواهد شد). در این کتاب مطالب درسی به شیوه‌ای

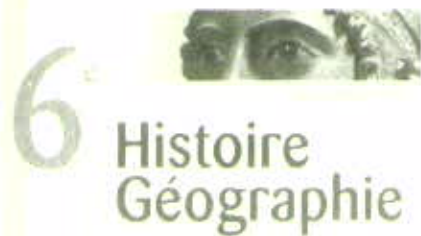
کشور فرانسه، سرزمینی است که از تاریخ و فرهنگی غنی و با سابقه برخوردار است، از این رو در درس تاریخ همواره به عنوان یکی از دروس بسیار با اهمیت در نظام آموزشی این کشور مطرح است به طوری که آموزش تاریخ را از دوره پیش دبستانی، یعنی از زمانی که دانش آموز تنها ۶ سال دارد آغاز می‌کنند.

نظام آموزشی عمومی کشور فرانسه در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه است. در دوره راهنمایی، برای هر سال تحصیلی، یک کتاب، و مجموعاً سه کتاب، مشترک تاریخ-جغرافی در نظر گرفته شده است. این کتاب‌ها همگی در قطع‌های ۲۱ × ۲۶٫۵ سانتی‌متر به چاپ رسیده‌اند و از جلد گالینگور و کاغذ گلاسه برخوردارند. بنابر این کیفیت مطلوبی از عکس‌ها و تصاویر را در اختیار دانش‌آموزان قرار داده‌اند. ما در این مقاله، هر یک از این سه کتاب را به صورتی مجزا بررسی خواهیم کرد. این سه جلد کتاب، به ترتیب سال‌های دوره راهنمایی، به مباحث زیر می‌پردازند:

سال اول؛ قرون وسطی و رنسانس. سال دوم؛ قرون ۱۷ و ۱۸ و ۱۹. سال سوم؛ جهان امروز

۱- کتاب سال اول راهنمایی؛ قرون وسطی و رنسانس  
این کتاب در دو قسمت جداگانه تاریخ و جغرافی به چاپ رسیده

آموزش راهنمایی



Histoire  
Géographie



دشانه در هر دو کتاب شرح های مفصل سازماندهی شده اند. در مقدم صفحات کتاب شاهد تصاویر بسیار متنوع و گوناگونی هستیم و تنوع این تصاویر و رنگهای زبیدی آنها به قدری جذاب است که برای هر بیننده ای جالب به نظر می رسد. پاره ای از مطالبه حتی به صورت عکس، کاریکاتور، نقشه جغرافیایی، نایابونی نقاشی، بریده ای از یک روزنامه قدیمی و نوشته های بزرگان است. در هر درس حداقل ۴ یا ۵ عابد از این گونه مطالب به شیوه ای مجزا و شماره گذاری شده به دانش آموز ارائه شده است. در این کتاب به این مفاد است: محتوا و کاربرد بندگی شده نام «سند» (document) اطلاق شده است. به عبارات دیگر هر درس فرعی و دو صفحه ای از چند سند تشکیل شده است. در هر درس فرعی پرشهایی مطرح شده است که ارتباط مستقیم با اسناد ارائه شده دارند. برای بهتر روشن شدن مطلب، به نمونه هایی از این اسناد و سؤالات مطرح شده می پردازیم:

### مثال شماره ۱: نام مبحث: دنیای اسلام

ترجمه ای از متن: «قرآن به ۱۱۴ بخش، که هر یک از آنها سه باره

نامیده می شود. تقسیم شده است و هر یک از این سوره ها به جزء های کوچکتری به نام آیه تقسیم شده اند. در قرآن به پیامبران پیشین اشاره شده و به حوادث قیامت و یادآوری نیکوکاران در هشتاد و نهمین و نود و نهمین سوره کاراک اشارت داده شده است.» (سند شماره ۱)

پرشش مطرح شده. با توجه به سند شماره ۱، ساختار قرآن شرح دهید.

### مثال شماره ۲: (از همان مبحث نقل شده در بالا)

ترجمه ای از متن: «قرآن شرایط تکلیف، اذیت و عذابت عدا خوردن را تعیین نموده و حتی به مجازات بریدن دست و پا اعدام هم اشاره کرده است.» (سند شماره ۲)

پرشش مطرح شده. با توجه به سند شماره ۲ بگویید که در قرآن به چه چیزهایی از شرایط زندگی روزمره اشاره شده است؟

پاسخ این پرسش ها غالباً چند ظلمه ای است یعنی از جمله تشریحی بودن خارج شده است. حتی برخی از پرسش های مطرح شده در درس ها کاملاً نظری هستند و پاسخ آن ها مستقیماً در سند مربوطه آورده نشده است.

### مثال شماره ۳:

تصویری که الیکسی از پیامبر اسلام (سند شماره ۳)

پرشش مطرح شده: «تا نگه کردن به سند شماره ۳، کدام الکی مبحث برای شما تداعی می شود؟»

در هر یک از دروس کلی کتاب، بخشی به نام صمیمه خودمان می کند که به بخش جسمی تر در مورد آن درس می پردازد. برای مثال بخشی که به دین اسلام می پردازد از صمیمه ای برخوردار است که در آن به انواع مساجد مسلمانان، همواره یا تصویر واقعی و معماری داخلی آنها اشاره شده است. به طوری که حتی جایگاه منحراب، منبر، نمازخانه و مناره را نیز کاملاً توضیح داده است. در صفحات کتاب واژه هایی به چشم می خورد که معانی پیچیده ای دارند. امکان دارد دانش آموز آنها را درک نکند. از این رو این واژه ها در همانک صفحه در بخش پاورقی توضیح داده شده اند.

مثال: «اللّه - خدای واحد مسلمانان»

و بالاخره به بخش تمرین ها می رسیم که به نوع خود از تنوع جدایی و گیرایی برخوردار است. به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم.

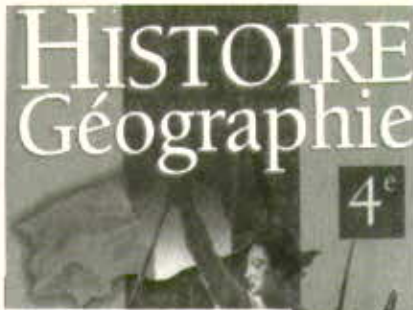
نمونه هایی از تمرینات بخش «اسلام»:

مثال ۱: تصویری که الیکسی از یک مسجد به چشم می خورد

دانش آموز خواننده شده تا مکان هایی چون منحراب، منبر و مناره را از روی آن مشخص کند.

آموزش گاه





## Histoire Géographie



# 3<sup>e</sup>

MONARD

مثال ۲: زندگی پیامبر اسلام را در ۳ پاراگراف شرح دهید و هر پاراگراف را نام گذاری کنید.

مثال ۳: چند پاراگراف درباره تاریخچه اسلام به صورت درهم و نامنظم چاپ شده است و از دانش آموزان خواسته شده تا به ترتیب وقوع حوادث آن‌ها را منظم کنند.

در انتهای بخش تمرینات و در یک کادر مجزا، بخشی به نام خلاصه وجود دارد که خلاصه مطالب مهم هر درس در ۳ یا ۴ پاراگراف کوتاه در این کادر گنجانیده شده است. همچنین مهمترین سال‌های تاریخی نیز در آنجا ذکر شده است. برای مثال به سال میلادی پیدایش اسلام اشاره شده است. این سنوات و تاریخ‌هایی که در این کادرها گنجانیده شده‌اند باید توسط دانش آموزان حفظ شوند.

این خلاصه‌ای از ساختار کلی کتاب تاریخ اول راهنمایی مدارس فرانسه بود. همان‌طور که مشاهده کردید تنوع مطالب بسیار زیاد است و تصاویر متعدد و متنوع در این کتاب خودنمایی می‌کنند. شیوه نگارش با توجه به سن دانش آموز بسیار سلیس و روان است و از آنجا که این کتاب به قرون وسطی و رنسانس می‌پردازد، نقش مطالب دینی و مذهبی در آن بسیار پررنگ و مهم جلوه داده شده است که البته مطالب دیگری چون مسائل اجتماعی، فرهنگی، علمی، ورزشی، هنری و غیره نیز در این کتاب جایگاه خاص خود را حفظ کرده‌اند.

### کتاب سال دوم راهنمایی (قرون ۱۷ و ۱۸ و ۱۹)

در این کتاب نیز، همچون کتاب سال قبل، شاهد دو بخش کاملاً مجزای تاریخ و جغرافی هستیم که از نظر زمانی و موضوعی نیز هیچ نقطه ارتباطی بین آن‌ها وجود ندارد. کتاب مجموعاً ۳۲۰ صفحه است که نیمی از کتاب تاریخ و نیم دیگر جغرافیا را دربرمی‌گیرد.

در این کتاب نیز همچون کتاب سال قبل شاهد فهرست منظم درسی و نقشه‌ای از ساختار هر درس و یک برنامه ساعتی هستیم به طوری که مجموعاً ۳۲ ساعت برای کل درس تاریخ در نظر گرفته شده است.

از آنجا که در این قرون، شخصیت‌ها نقش‌های بسیار کلیدی داشته‌اند، در اولین صفحات این کتاب شاهد یک صفحه به شکل آلبوم هستیم که تصاویر ۳۲ نفر از کسانی که تاریخ این قرون را ساخته‌اند در آن خودنمایی می‌کند. این اشخاص همگی به جهان غرب تعلق دارند. کسانی چون «مولییر»، «وات»، «پاسستور»، «نابلتون» و غیره که همگی نقش‌های کلیدی و پررنگی از لحاظ سیاسی، فرهنگی، علمی و غیره داشته‌اند. این کتاب تنها به تاریخ مغرب زمین، بخصوص فرانسه می‌پردازد و شیوه نگارش بسیار روان و شیوایی دارد که البته در برخی از سندها به قطعات ادبی سنگین‌تر و پیچیده‌تر نیز برمی‌خوریم.

تعداد و تنوع تصاویر بسیار چشمگیر است و از تمامی آثار نقاشان بزرگ اروپای این دوران نیز در این کتاب استفاده شده است.

ساختار درس‌ها کاملاً با کتاب سال قبل تشابه دارد و سیستم آموزش نیز به صورت سندبندی شده است که هر درس می‌تواند ۳ یا ۵ سند را در بر گیرد. پرسش‌های مطرح شده در بین دروس نیز همان حالت جذابیت و چندکلمه‌ای بودن را حفظ کرده‌اند. بخش تمرینات آخر درس‌ها نیز کمتر حالت حفظ‌کردنی دارند و غالباً نظری و فکرکردنی هستند.

به چند نمونه از این تمرینات اشاره می‌کنیم:

مثال ۱: تمام عکس‌های درس را بخاطر آورید و بنویسید.

مثال ۲: چند تاریخ و واقعه تاریخی را به صورت روبه‌روی هم اما نامنظم چاپ کرده‌اند و از دانش آموز خواسته‌اند تا تاریخ مناسب هر واقعه را به آن وصل کنند.

مثال ۳: واژه‌های زیر را معنی کنید: جمهوری - سلطنت

(این واژه‌ها در بخش پاورقی توضیح داده شده‌اند)

مثال ۴: کاخی مشابه کاخ ورسای نقاشی کنید و آداب زندگی

آموزش راهنمایی

در آن را شرح دهید.

مثال ۵: اشخاص مهم این درس را در یک ستون بنویسید.

مثال ۶: دربارهٔ پارلمان انگلیس ۱۵ خط مطلب بنویسید.

مثال ۷: به عکس ناپلئون در صفحه ... مراجعه کنید و آداب زندگی و طرز لباس پوشیدن وی را شرح دهید.

مثال ۸: هر یک از اشخاص زیر چه کارهای مهمی انجام داده اند؟ ناپلئون، لویی ۱۶ و ...

در انتهای بخش تمرین ها، مانند آنچه که در کتاب سال اول راهنمایی مشاهده کردیم، یک گداز کوچک وجود دارد که خلاصه ای از کلی درس در ۳ یا ۴ پاراگراف در آن توضیح داده شده است.

### کتاب سال سوم راهنمایی (جهان امروز)

این کتاب بر مانند کتاب قبلی و با قطع مشابه آنها به چاپ رسیده است ولی برخلاف کتاب های دو سال قبل که شاهد هیچ مقدمه ای در ابتدای آنها نبودیم در این کتاب، به عنوان حسن حساب دوره راهنمایی، یک مقدمه آمده و در آن توضیح داده شده است که دانش آموز سال سوم راهنمایی با مطالعه این کتاب به معلوماتی علمی، روشنگرانه و مدنی دست خواهد یافت که هدف آن شکل دادن یک شهروند مناسب برای جهان امروز و فردا است. جلد گالینگور کتاب نیز تصویری از دست پایی بشر به فضا ارائه نمایش گذارده است که با بحث کتاب کاملاً همخوانی دارد.

در این کتاب نیز شاهد دو بخش تاریخ و جغرافیا هستیم اما برخلاف کتاب های درسی دو سال قبل، تاریخ و جغرافیا در این کتاب کاملاً از لحاظ زمانی و موضوعی، با هم مطابقت دارند (برای بهتر روشن شدن مطلب به فهرست مراجعه کنید). این کتاب مجموعاً ۳۷ صفحه است که برای هر صبح ۱۷ صفحه در نظر گرفته شده است و با این که تعداد صفحات برای هر دو به یک اندازه است اما با کمی کاوش و مطالعه درمی یابیم که درس جغرافی در این کتاب مکملی برای درس تاریخ است و سخن نخست و اصلی را تاریخ بر زبان رانده است. در برنامه درسی ساعت بندی شده ۵۲ ساعت برای تاریخ و ۵۲ ساعت برای جغرافیا در نظر گرفته شده است. این کتاب غالباً به جهان غرب و بخصوص کشور فرانسه در قرن ۲۰ می پردازد.

ساختار کتاب و درس ها، درست مانند کتاب های سال های اول و دوم است و مطالب باز هم سندی شده اند.

۱) نمونه ای از یک سند (بریده ای از یک نامه که زبی المناسی برای شوهر زندانی اش در زمان جنگ نوشته است)

اهمیر عزیزم،

در چند خط می خواهم برایت شرح دهم که ما در چه وضعیت دشواری به سر می بریم و وضعیتی که حتی خواهی توانست تصویری

از آن به ذهن خود راه دهی. اگر جنگ ادامه پیدا کند، همه ما از میان خواهیم رفت. ما روزانه یک قرص نان و ۶۰ گرم گوشت به صورت سیرانه دریافت می کنیم و هفته ای یک سار هم ۶۰ گرم کره، یک تخم مرغ و ۲۰۰ گرم شکر می گیریم ... (سند شماره ۵) پرش مطروح شده. با توجه به سند شماره ۵ مشکلات مردم لبنان را در زمان جنگ شرح دهید.

۲) نمونه ای دیگر یک مرد ژاپنی را به صورت یک تصویر گرافیکی نمایش داده است (سند شماره ۱)

پرش مطروح شده. با توجه به سند شماره ۱ خصوصیات مردان ژاپنی دهه ۸۰ را شرح دهید؟

شود نگارش این کتاب در مقایسه با سال های قبل کمی دشوار تر شده است و لغاتی همچون استعمار، ملیت، جمهوری خواهی و غیره به عنوان لغات توضیح داده شده در پاورقی در آن به چشم می خورد.

بخش تعریفات این کتاب قسمتی به نام «امته» یعنی روش، را نیز در خود جای داده است که در دو سال قبل شاهد چنین بخشیی نبودیم. بخش «امته» شیوه مطالعه اسناد یا نه عبارات دیگر، روش سندخوانی را به دانش آموز آموزش می دهد که البته مقدمات آن قبلاً در کتاب های دوره ابتدایی به صورتی سرگرم کننده به دانش آموز آموزش داده شده است.

در این کتاب دانش آموز می آموزد که چگونه باید برای تحریک و تحلیل یک سند گام به گام پیش برود. یعنی ابتدا باید نوع سند را مشخص کند که هر سند می تواند یک نامه، مقاله، نقاشی، عکس، آگهی، نقشه جغرافیایی و غیره باشد. سپس باید خالق اثر، تاریخ مربوط به آن، موضوع و غیره را یکی پس از دیگری تعیین کنند و به عبارات دیگر می آموزند که یک کارت شناسایی برای یک سند تهیه کنند که شکل اولیه آن در دوره ابتدایی آموزش داده شده است.

در انتهای این کتاب نیز مانند دو کتاب سال های قبل شاهد یک لغت نامه از لغات مشکل توضیح داده شده در پاورقی و یک پوستر آموزشی کوتاه از تمامی اشخاص نام برده شده در کتاب هستیم.

باشران این سه کتاب، مبارزت به چاپ کتابی کرده اند که خلاصه ای از موقوف این کتاب در آن به چاپ رسیده است و برای مطالعه آزاد علاقمندان به رشته تحریر در آمده است.

### چهره ایران:

از آنجا که این کتاب ها غالباً به تاریخ مغرب زمین می پردازند، چندان سخن از ایران به میان نیآورده اند البته در بخش جغرافیا، ایران به عنوان کشوری مسلمان، در حال توسعه و در حال مدرن شدن معرفی شده است.





عنوان کلی	عنوان فرعی
	۳. نجیب زادگی
	۴. زندگی در خارج از شهر
	خ : رمان روباه
	۶. تولد بورژوازی
	ض : و نیز در قرون وسطی
	۷. بحران غرب
	تمرین ها
۶. نظام سلطنتی فرانسه	ج : پادشاهی فرانسه از قرن ۱۰ تا ۱۵
از قرن ۱۰ تا ۱۵	۱. پادشاهی فرانسه
	ض : مکان های پادشاهی، رم و سن دیز
	ض : پاریس، پایتخت
	خ : داستان سن لویی
	۲. آغاز جنگ های صدساله
	۳. برقراری مجدد فرانسه
	تمرین ها
قسمت سوم:	
	ظهور روزگار جدید
۷. انسان گرایی و رنسانس	ج : انسان گرایی و رنسانس در اروپا
	۱. انسان در مرکز جهان
	ض : تولد کتاب
	۲. رنسانس ایتالیایی
	ض : میکل آنژ
	۳. رنسانس در اروپا
	خ : ربوبه و پانتاگران
	تمرین ها
۸. اصلاحات مذهبی	ج : تقسیمات دینی، اروپا در قرن ۱۶
	۱. بحران در کلیسا
	۲. اصلاحات پروتستان
	۳. کاتولیک جدید
	تمرین ها
۹. اروپا و کشف جهان	ج : سفرهای بزرگ اکتشافی
	۱. شروع جنگ های جدید
	خ : کتاب مارکوپولو
	۲. فتح آفریقا
	۳. امپراتوری استعمار
	تمرین ها
۱۰. پادشاهی فرانسه در قرن ۱۶	ج : فرانسه و اروپا در قرن ۱۶
	۱. بازسازی فرانسه
	۲. بسوی یک سرزمین مدرن
	۳. بحران سلطنت
	تمرین ها

عنوان کلی	عنوان فرعی
قسمت اول : از امپراتوری رم تا قرون وسطی	
۱. امپراتوری بیزانس (بیزانس)	ج : امپراتوری ۱۱ ساله
	۱. امپراتوری بیزانتین
	ض : رم جدید
	۲. کلیسای ارتدوکس
	ض : سنت صوفی
	تمرین ها
۲. جهان مسلمان	ج : جهان مسلمان در قرن ۸
	۱. محمد، بنیان گذار اسلام
	۲. دین اسلام
	ض : مسجد بزرگ قیروان
	۳. اسلام
	ض : کوردو «مرکز نور»
	تمرین ها
۳. امپراتوری کارولینگی ها	ج : سلطنت و حشی ها،
	امپراتوری شارلمانی
	۱. پادشاهی فرانک
	۲. پادشاهی شارلمانی
	ض : آکس لا شاپل : پایتخت امپراتوری
	۳. پایان امپراتوری کارولینگی ها
	تمرین ها
قسمت دوم:	
غرب مسیحی در حال توسعه	ج : مسیحیت غرب از قرن ۱۱ تا ۱۳
۴. کلیسای قرون وسطی	۱. معرفی کلیسا
	۲. قدرت کلیسا
	۳. توسعه مسیحیت
	ض : سن، ژک دو کوم پوس تل
	۴. هنر رمان
	ض : سن سرنین تولوز، یک رمان
	۵. هنر گوتیک
	ض : سن اینن دورگ، یک گوتیک کنترال
	تمرین ها
۵. جامعه قرون وسطی	ج : اروپا در قرون وسطی
	۱. نجیب زاده ها
	۲. شوالیه ها (زندگی نه صورت یک شوالیه)
	ض : کاخ بوناگیل
* منظور از کتاب اول، کتاب اول راهنمایی است که عین ترجمه در متن آورده شده است.	

ماهاتیر محمد از جمله رهبران کشور های مسلمان است که با اعمال سیاستی پی گیر، همراه با برنامه ریزی حساب شده، توانسته است کشور مسلمان مالزی را طی چند دهه به پیشرفت های چشمگیری در سطح آسیا تأیید سازد. ماهاتیر محمد که سردی با تحصیلات عالی و پای بند به اعتقادات و شئون اسلامی است نقطه نظر های در مسائل جهان اسلام دارد که می تواند قابل توجه باشد. او اخیراً در همایشی که با عنوان تأثیر روند جهانی شدن بر کشورهای اسلامی سخن می گفت اظهار داشت: مسلمانان نباید روند جهانی شدن را رد کنند بلکه بنیاد بنا گونش هماهنگ خود در تعریف مفاهیم آن نمود کنند، آن را قابول کنند سازند، پایه هایش

از این اطلاعات دور نگه دارد. ماهاتیر گفت: مسلمانان نباید به حافظین بیورند که انقلاب صنعتی را به طور کامل از دست دادند زیرا در آن هنگام سرگرم بحث در این باره بودند که آیا مدرن شدن زندگی با اسلام سازگار است یا نه. نخست وزیر مالزی افزود: هنگامی که مسلمانان بر سر معنای دین و دانش یکدیگر را محکوم می کردند و مسائل را سرگرم برای این بودند که آیا می توان در مسجد از بیرونی برق بهره گرفت یا نه، اروپاییان سرگرم به کار گرفتن دانش های تازه در مکتالینک، مهندسی، کاشت کار ادبی از راه ماشین بودند. اینک هم مسلمانان، مارکسیست، در انقلاب اطلاعات که جهان را که چنگ بر

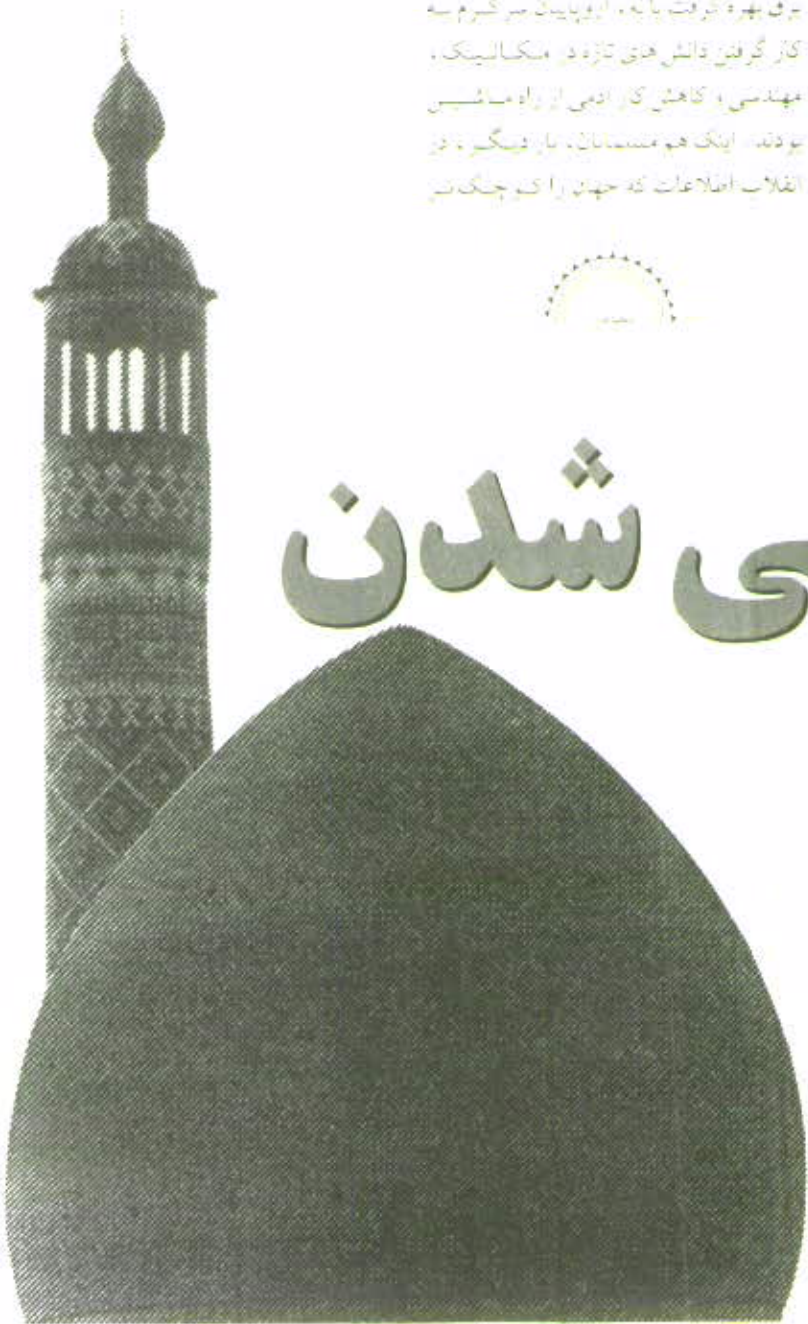
می کند و مسلمانان را از می دار داشته به نشانه کسانی بنامند که نه تنها از دینی دیگر هستند بلکه ارزش های اخلاقی دیگری نیز دارند. عقب مانده اند. وی افزود: برای مسلمانان دیگر ممکن نیست که خود را مانند گذشته منزوی کنند زیرا تجاوز بانک در جهان است و نافذتر نیز شده است. ماهاتیر محمد گفت: ما بانک جهانی شدن را پیش رو داریم، جهانی بدون مرز،

## مسلمانان

# و جهانی شدن

را تغییر دهد و شکل تازه ای به آن بخشد و افزود: کشورهای اسلامی باید با هماهنگی و اتحاد این کار را انجام دهند تا روند جهانی شدن به صورتی شکل گیرد که نه آنها و نیز بقیه جهان سود برساند.

ماهاتیر محمد گفت: لازم نیست که جهانی شدن به معنی داشتن جهانی بدون مرز باشد، مرزها می تواند همچنان سر حجاب خود باقی بمانند و باید همچنان مورد احترام باشند. اما با فناوری مدرن، اطلاعات به همه اشکال خود می تواند بدون هیچ محدودیتی از مرزها بگذرد. مسلمانان می توانند نرم افزارها و حتی سخت افزارهایی توسعه دهند که دست کم برخی از عناصر ناپاک را



روزنامه جهان اسلام



اگر مرزی نداریم آیامی توانیم چیزی را پنهان بداریم؟ هوایماها و ماهواره های جاسوسی از بالا به ما می نگرند و هر چه را که بکنیم می بینند. دیگر حریم خصوصی وجود ندارد، در حالی که مسلمانان بسیار به حریم خصوصی پای بند هستند.

نخست وزیر مالزی گفت: طرفداران جهانی شدن به شدت سرگرم آماده سازی خود برای سوءاستفاده از بازار جهان بدون مرز هستند. به گفته وی آنان با بانک ها و شرکت های بزرگ گردهم آمده اند، به خرید بانک ها و شرکت های دیگر پرداخته اند، دارایی های خود را روی هم گذاشته اند و از بیشتر کشورها هم بزرگتر شده اند، به گونه ای که اگر بخواهند می توانند حتی کشورها را نیز بخرند. آنان به واقع قدرتمند و بسیار بانفوذ هستند. کاهش سرمایه گذاری یا بیرون کشیدن سرمایه ها، کاهش ارزش پول، وارد آوردن فشار به دولت ها برای تغییر قوانین به سود آنها و کارهای بسیار دیگری وجود دارد که این عول ها می توانند انجام دهند که برای خودشان خوب است اما لزوماً برای کشوری که در آن فعالیت می کنند یا به طور کلی برای جهان خوب نیست. وی

افزود: مسلمانان می توانند تحت سیطره دیدگاه ها و ارزش ها و اخلاقیاتی قرار گیرند که به کلی برایشان بیگانه است و این سیطره همان اثر اشغال نظامی را برای آنها خواهد داشت. نخست وزیری مالزی هشدار داد که: زندگی ما از هر جنبه ای مورد تاخت و تاز قرار خواهد گرفت، اذهان ما اشغال خواهد شد و حتی دین ما به اشغال در خواهد آمد. اما متأسفانه مسلمانان بسیاری در بیشتر کشورهای اسلامی هستند که برای نجات خود کاری نمی کنند، بلکه با مخالفت خشونت بار با آن، فعالان مسلمانان دیگر را نیز از دست زدن به اقدام های پیشگیرانه باز می دارند. هر گاه کشورهای اسلامی می کوشند اقدام های مثبتی بکنند تا خود را همپای توسعه در دیگر کشورهای جهان نگاه

دارند تا خود را از چیره شدن دیگران بر آنها حفظ کنند، گروه هایی از مسلمانان فئاتیک هستند که هر چه از دستشان برمی آید می کنند تا مسلمانان را عقب افتاده و آسیب پذیر نگاه دارند و این کار را به نام اسلام می کنند. ماهاتیر محمد گفت: ما این بار نمی توانیم از پس هزینه این عقب افتادگی برآیم. اگر یک بار فرصت همپایی با پیشرفت های سریع و رادیکال در دانش و فناوری، دگرگونی هایی که این پیشرفت ها در مفاهیم جهانی پدید می آورند و دیدگاه های تازه از روابط انسانی و روابط بین المللی را از دست بدهیم، آنگاه نه تنها در اقلیت قرار می گیریم بلکه برای همیشه تحت نفوذ و برتری دیگران در می آیم.

\*\*\*

اکنون که دیدگاه های ماهاتیر محمد را خواندید<sup>۱</sup>، بد نیست توضیحی کوتاه هم درباره جهانی شدن، که امروز دیگر به یک واژه یا اصطلاح عمومی تبدیل شده و پیوسته از رسانه ها تکرار می شود و موافقان و مخالفان خود را دارد، بیفزاییم.

### جهانی شدن چیست؟

آنتونی گیدنز جامعه شناس بزرگ معاصر در اثر معروف خود «جامعه شناسی»<sup>۲</sup> می گوید: وقتی که به مغازه یا فروشگاه محلی می روید نگاهی دقیق به آرایش فرآورده هایی که عرضه شده است بیفکنید، انواع گوناگون کالاهایی که به آسانی در دسترس هر فردی است که پولی برای خرید آن دارد، بستگی به ارتباطات اقتصادی بی اندازه پیچیده ای دارد که در سراسر جهان گسترده است. فرآورده هایی که عرضه گردیده اند در یکصد کشور مختلف ساخته شده، یا اجزاء و قسمت های به کار گرفته شده در آنها از این کشورها به دست آمده است. همه آنها باید به طور منظم به سراسر جهان حمل شود و جریان دایمی اطلاعات برای هماهنگ کردن میلیون ها معاملاتی که

هر روز در ارتباط با آنها انجام می گیرد ضروری است.

پیتر ورسل، مردم شناس، می گوید: تا روزگار ما جامعه انسانی هرگز وجود نداشته است. به این معنا که تنها در دوران اخیر است که ما می توانیم از شکل های ارتباط اجتماعی که پهنه زمین را در نور دیده اند سخن بگوییم. در نتیجه پیوندهای رشد یافته و ابستگی متقابل که اکنون عملاً در زندگی هر کس اثر می گذارد، جهان از جنبه های مهمی به صورت یک نظام اجتماعی واحد درآمده است. ارتباطات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که مزرهای بین کشورها را در می نوردد سرنوشت کسانی را که در هریک از آنها زندگی می کنند قطعاً مشروط می سازد. اصطلاح کلی برای وابستگی متقابل فزاینده جامعه جهانی، جهانی شدن است.

به عقیده گیدنز؛ اشتباه خواهد بود که درباره جهانی شدن صرفاً به عنوان یک فرایند رشد وحدت جهانی ببینیم. جهانی شدن روابط اجتماعی می باید اساساً به عنوان ترتیب یابی دوباره زمان و فاصله در زندگی مادرک شود. به سخن دیگر، زندگی ما بیش از پیش از فعالیت ها و رویدادهایی تأثیر می پذیرد که کاملاً دور از زمینه های اجتماعی ای که در آن فعالیت های هر روزه خود را انجام می دهیم رخ می دهند. جهانی شدن، اگرچه امروز به سرعت گسترش می یابد، به هیچ وجه پدیده کاملاً جدیدی نیست و از زمانی در حدود دو یا سه قرن پیش که نفوذ غرب شروع به گسترش به سراسر جهان کرد آغاز گردید.

زیرنویس

۱- گفته های ماهاتیر محمد را خبرگزاری جمهوری اسلامی مخابره کرده و ما از روزنامه اطلاعات ۸۰/۳/۲۴ نقل کردیم.

۲- آنتونی گیدنز، جامعه شناس، ترجمه منوچهر صبوری، نشری، چاپ سوم، ۱۳۷۶، تهران.



# نقش خانواده در جامعه پذیری (۱)

گروه علوم اجتماعی / دفتر برنامه ریزی و تألیف کتابهای درسی

## مقدمه:

اجتماعی شدن فرایندی است که در نتیجه آن، ما متناسب با جامعه خودمان می اندیشیم و رفتار می کنیم. اجتماعی شدن از طریق عوامل بسیاری انجام می شود که از جمله مهم ترین آنها می توان پدر و مادر، برادران و خواهران، دوستان، معلمان، همسالان، کتاب ها، فیلم ها، همسایگان و ... را نام برد.

برای این که به اهمیت عوامل فوق پی ببریم، کافی است توجه کنیم که از بین رفتارهای ما، آنها، آنچه را که دوست دارند تقویت می کنند و رفتارهایی را که دوست ندارند تأیید نمی کنند. ما از مسیر پر از موانع لاجند و احم، تأیید و تمسخر، ستایش و خشم، جریمه و پاداش، نمره قبولی و نمره زدی، ترفیع و نزل رتبه، ثروت مند شدن و ورشکست شدن و نیز به دست آوردن مقام انتخابی و زندان رفتن گذر می کنیم و از این طریق رهنمودهایی را که دیگران تأیید می کنند یاد می گیریم. گاهی ممکن است به آنها پشت کنیم، اما برای اکثر ما، بیشتر اوقات، پاداش ها و کیفرها مهم هستند. البته اجتماعی شدن به چیزهایی بیش از تقویت و ایست

بحث جامعه پذیری را در شماره قبل، با تأکید بر تعریف و مراحل آن بیان کردیم. اکنون در ادامه، به عوامل اجتماعی شدن و به طور خاص به نقش خانواده در جامعه پذیری می پردازیم.

آموزش اجتماعی



است. اجتماعی شدن از فرصت‌هایی که در دسترس ما قرار می‌گیرد نیز ناشی می‌شود. از طریق کنش‌های دیگران، ما در معرض برخی چیزها قرار می‌گیریم و در معرض چیزهایی دیگر قرار نمی‌گیریم. مثلاً پدر و مادر ممکن است، کودکان را در معرض کتاب خواندن قرار دهند و ... پس اجتماعی شدن تنها تقویت نیست، بلکه نفوذ بسیار ظریف فرصت‌هایی است که به وسیله عوامل مختلف ارائه می‌گردد.

از گروه‌ها یا زمینه‌های اجتماعی که فرایندهای مهم اجتماعی شدن در درون آنها رخ می‌دهد تحت عنوان عوامل اجتماعی شدن یاد می‌شود. در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. اما در مراحل بعدی زندگی فرد، بسیاری از عوامل دیگر اجتماعی شدن نیز نقش دارند. عواملی مانند: مدرسه، همسالان، وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های مذهبی، سازمان‌های جوانان، احزاب سیاسی و ...

معمولاً جامعه‌شناسان فرایند تربیت اجتماعی را به سه مرحله تقسیم می‌کنند. هریک از این مراحل، عوامل جامعه‌پذیری متفاوتی دارد که امکانات آموزشی لازم را فراهم می‌سازند. هر عرصه جدید جامعه که برای دوره‌ای از عمر خود وارد آن می‌شویم، نقش‌ها و قواعد رفتاری خاص خود را دارد که اعضای جدید باید آنها را بیاموزند. جامعه‌شناسان به طور کلی متقاعد نشده‌اند که هر کودک بشواند در مرحله اول در خانواده، رفتار بزرگسالان را به طور کامل کسب کند. گرچه این مرحله، آشکارا بسیار اهمیت دارد. مرحله دوم جامعه‌پذیری مربوط به زمان ورود کودک در نظام آموزش

رسمی است و مرحله سوم به تجربیات جامعه‌پذیری در دوره بلوغ مربوط می‌شود. مثال‌های آشکار این مرحله عبارتند از فرایند ورود به یک حرفه یا اشتغال که اهمیت آن در یادگیری چگونگی انجام وظیفه است که همان آموختن قواعد و رمزهای ظریف رفتاری است که از ایشان انتظار می‌رود. ولی ما در کنار این نقش‌های مربوط به شغل، در بزرگسالی در بسیاری نقش‌های دیگر نیز جامعه‌پذیری می‌شویم. با این حال در مراحل اول و دوم است که خانواده مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. تجربه دوره کودکی اکنون به طور کلی به عنوان دوره‌ای که تأثیری قاطع بر شخصیت بزرگسالی و پرورش آن دارد پذیرفته شده است. از این رو خانواده را باید مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری دانست. هم تحقیق و هم تجربه روزانه نشان می‌دهد که بیشتر تجربه دوره اول یا دوره جامعه‌پذیری کودک، فرآورده غیررسمی و غیرعمدی کنش متقابل طبیعی بین والدین و کودک است. آن قدر که کودک، هنجارهای رفتارهای پذیرفته شده را از طریق مشاهده و تجربه کلی به طور ناآگاهانه درونی می‌کند، از طریق آموزش‌های مستقیم و ویژه یاد نمی‌گیرد که چه بکند و چه نکند.

#### جامعه‌پذیری و خانواده:

در میان نهادهای اجتماعی «خانواده» مقام مهمی دارد، خانواده پایه اصلی جامعه است و اولین نهادی است که انسان پس از تولد به عضویت آن در می‌آید. در واقع نهاد خانواده، زمینه‌ساز عضویت انسان در نهادهای دیگر است، چرا که خانواده در سال‌های اولیه زندگی که دوران تکوین شخصیت طفل است، مراقبت او را برعهده

دارد و در جامعه‌پذیری او تأثیر بسزایی داشته و خط مشی آینده او را در زمینه‌های تربیتی، دینی و اقتصادی مشخص می‌سازد. این امر برای یک جامعه امری بسیار حیاتی است. همین جریان است که کودک را به صورت یک عضو مفید و سازگار جامعه در می‌آورد. جامعه‌شناسان و روانشناسان از طریق مطالعات گوناگون به نقش مهم جریان جامعه‌پذیری در زندگی فرد پی برده‌اند که از آن میان می‌توان از نمونه زیر یاد کرد:

«آنا» و «ایزابیل»، در گزارش کینگزلی دیویس<sup>۱</sup>، دو نمونه از کودکانی هستند که مورد بی‌توجهی و بی‌مهری و بدرفتاری خانواده واقع شده‌اند. این دو دختر که تحت انزوای شدید به سر برده بودند، تقریباً هم‌زمان پیدا شدند و گرچه هر دو دارای شرایطی مشابه بودند، اما تفاوت‌های چشمگیری نیز داشتند. آنها هر دو از کودکان نامشروع بودند و در هر دو مورد، سرپرستان آنها کوشیده بودند آن دو را به گونه‌ای پنهان کنند که کسی درباره زندگی آنان چیزی نداند. آنها را در پستو زندانی کرده بودند و به دور از اجتماع، محروم از روشنائی آفتاب، خوراک، به دور مانده از آموزش، ممنوع از بازی و دیگر سرگرمی‌های کودکان نگه داشته بودند. هیچ کدام از آنها حتی یک کلمه نمی‌دانست. هر دو، تنها صداهایی شبیه حیوانات از خود در می‌آوردند و هر دو به نظر می‌آمد که شدیداً عقب مانده‌اند. نخستین تفاوت بارز آنها این بود که «آنا» به کلی از دیگران جدا مانده بود، حال آن که «ایزابیل» تنها با مادر کر و لال خود، به سر برده بود. پس از آن که این دختران را یافتند، به آنها آموزش‌های ویژه دادند. در این میان، «آنا» بسیار اندک رشد کرد، هیچ کلمه‌ای را



نیاموخت و از نظر ذهنی همچنان شدیداً عقب مانده بود و چهار سال بعد از زمان پیداشدنش مرده به عکس «ایزابل» در یادگیری زبان، توانایی‌هایی از خودش داد و زمانی که نخستین نشانه‌های درک زبان در او پدید آمد، سرعت یادگیری او افزایش یافت، در مدرسه نام‌نویسی کرد و تنها با اختلاف اندکی از دیگر همکلاسی‌های خود به یادگیری ادامه داد. او از نظر سازگاری ذهنی و عاطفی - اجتماعی با دیگر همکلاسی‌های خود در شرایط رضایت بخشی قرار گرفت.

چرا این دو دختر به فرزند اجتماعی شدن پاسخ‌های متفاوت دادند؟

البته نمی‌توان تفاوت‌های موروثی را به کلی نادیده گرفت، و نیز این را که شرایط آموزشی «ایزابل» بهتر از «آنا» بوده است؛ اما چنین برمی‌آید که بیشترین اهمیت مربوط به ارتباط «ایزابل» و مادرش بوده است.

در اینجا دست کم یک کنش متقابل وجود داشته است و این نکته، کاملاً در دنیای به کلی نهی که «آنا» شش سال نخست زندگی خود را در آن سپری کرده بود، راجحان داشت.

این مطالعات، نشان می‌دهد که فقدان تربیت اجتماعی در سنین کودکی، ممکن است ریان‌های تربیتی وارد سازد که بعد از آن قابل جبران نباشد.

### هویت‌یابی:

فرآیند اجتماعی شدن در درون خانواده آغاز می‌شود. خانواده نماینده تمامی جهان پیرامون کودکان است. تصویری که کودکان

از خودشان دارند بستگی به این دارد که اعضای خانواده چه احساسی درباره آنها دارند. تحول «خود اجتماعی» هر فرد، از همان نخستین سال‌های زندگی آغاز می‌شود. تصویر «خود» یک کودک از خانواده‌اش سرچشمه می‌گیرد و در سراسر زندگی، طی تماس شخص با همپاری‌ها، همسالان و همگانش، تحول می‌یابد. کودک از طریق اجتماعی شدن یاد می‌گیرد که خودش را به عنوان موجودی مستقل و متمایز از دیگران بازشناسد. «خود» دارای یک هویت شخصی است و دیگران در برابر آن واکنش نشان می‌دهند. یک نوزاد در بدو تولد، هیچ مفهومی از «خود» ندارد و آگاهی به هستی خود را، در فرآیند اجتماعی شدن می‌آموزد. تصویری که فرد از خودش دارد، در تعیین عملکردش، نقش مهمی بازی می‌کند. اعتمادنامه نفس، در اجرای موفقیت‌آمیز هر عملی، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد، همچنان که عدم اعتماد به نفس، غالباً به شکست و ناتوانی می‌انجامد. بدین سان برداشت افراد از خودشان، مردم‌پز اموشان و جهان، به طور مستقیم تحت تأثیر رویکردها و باور داشت‌های خانواده‌شان شکل می‌گیرد. ارزش‌هایی که یک فرد می‌پذیرد و نقش‌هایی گوناگونی که از او انتظار می‌رود انجامشان دهد، نخست در چارچوب محیط خانواده آموخته می‌شوند.

هر فرد بالغ برای داشتن یک زندگی متعادل و متوازن که نتواند به آسودگی سایر دیگران در آن سهم کرده، نیاز دارد که زمینه معنایی استواری از هویت شخصی خود کسب کرده باشد. با وجود این، گسستی و

هویت همه مادر زمینه و در دامان حسوده شکل می‌گیرد. خصوصاً در سال‌های کودکی، این هویت بستگی بسیار زیادی با چگونگی تعریف سایر اعضای خانواده از ما دارد. هر یک از ما به‌طور آرمی نیاز داریم که معنای خودمان از هویت‌مان را بشود و گسترش دهیم و این معنا توسط دیگران مورد تأیید قرار گیرد. این مسئله در تکوین و رشد فردی ما اهمیت بسزایی دارد.

### تشکیل شخصیت اجتماعی - فرهنگی:

عده‌کثیری از جامعه‌شناسان، توان اجتماعی کردن را به عنوان کارکرد اساسی خانواده ذکر کرده‌اند. خانواده در روند تکامل تاریخی خود، کارکردهایش را یکی پس از دیگری از دست داده و آنچه امروز باقی مانده همانا کارکرد اساسی و مرکزی خانواده یعنی «تشکیل شخصیت اجتماعی - فرهنگی» است و می‌توان به خوبی نسبت کرد که شخصیت اجتماعی کردن تنها سه وسیله حسوده می‌تواند انجام شود. بدیهی است که منظور از اجتماعی کردن، در اینجا، تنها اجتماعی کردن طفل در مراحل اولیه زندگی است، چه خانواده طی دو قرن گذشته، بخش عظیمی از وظایف اجتماعی کردن خود را به سایر نهادهای اجتماعی واگذار کرده است که به عنوان یک نمونه مهم، از انگذاری نقش آموزشی و پرورشی به مدارس می‌توان نام برد. افزایش سریع کودکان‌ها، شبانه‌روزی‌های مخصوص اطفال و بحث درباره اهمیت سایر آموزش و پرورش قبل از دبستان، همه دلایلی بر تأیید این نکته هستند که حتی اجتماعی کردن کودکان در مراحل اولیه زندگی، در آینده، محض در

روبروی خانواده



خانواده انجام نخواهد پذیرفت. با احتمال قریب به یقین، علت تأکید جامعه‌شناسان بر حفظ و تثبیت خانواده، بر پایه این اعتقاد است که هیچ گروه، سازمان یا نهادی قادر نیست بهتر از خانواده، مراحل اولیه اجتماعی کردن کودک را عهده‌دار شود.

شخصیت انسان خود به خود، به خاطر توانایی‌های بی‌حد و حصر او، رشد نمی‌کند. درست است که انسان بایستی به سطح معینی از رشد برسد تا توانایی‌های مختلف در وی بارور شود، اما رشد و یا عدم رشد توانایی‌های وی در گرو «کنش متقابل انسانی»، نقش زبان و دست‌کم برخی ملاک‌های عاطفی است. این عناصر اساسی جامعه‌پذیری، معمولاً در خلال فرایند رشد جسمانی و اجتماعی اثرگذار می‌شوند. مردم به واسطه کنش متقابل با یکدیگر، الگوهای رفتاری لازم را فرا می‌گیرند، آنها از حقوق و وظایف و تعهدات خود آگاه می‌شوند و می‌آموزند که کدام عمل پذیرفتنی و چه عملی ممنوع است. این فراگیری‌ها با فرایند یادگیری زبان همراه می‌شود و تسریع می‌گردد. از آنجا که مردم گذشته از تعقل، عاطفی نیز هستند، بایستی مورد عشق و مهرورزی قرار گیرند و به دیگران نیز مهر بورزند.

#### رابطه محبت و مهرورزی در خانواده با سازگاری در جامعه:

فراگرد اجتماعی شدن از همان بدو تولد و در دوره مراقبت از نوزاد آغاز می‌شود. همچنان که می‌دانیم، کودکان، یکسره به افراد پیرامونشان وابسته‌اند. دیگران باید برای آنها خوراک، پوشاک و پناهگاه فراهم

کنند. نیاز آنها به عشق، محبت و ارتباط با دیگران، نیز به همین سان اهمیت دارد.

در کنفرانس استیتوی ملی بهداشت است کودکان و توسعه انسانی، آقای دکتر استن. ا. ریچاردسون گزارش جالبی پیرامون تأثیر محبت در پرورش کودکان ارائه داد. او از یک نوانخانه دولتی، سیزده کودک زیر سه سال را انتخاب کرده و به یک خانه زنان عقب‌مانده تحویل داد. پس از دو سال روشن شد که کودکان یاد شده توانایی ذهنی بیشتری از کودکان بازمانده در نوانخانه، از خود نشان داده‌اند. پی‌گیری شرایط کودکان، پس از آن که به سن بلوغ رسیدند، نشان می‌داد که همه آنها افرادی بهنجار هستند و بسیار خوب با جامعه سازگاری دارند. اما در مورد کودکانی که در نوانخانه باقی ماندند، چنین نبود؛ چند نفر از آنها، از نظر ذهنی عقب‌مانده بودند و نیاز به مراقبت‌های ویژه داشتند. نتیجه این مطالعه آن بود که مهرورزی و محبت به کودکان، حتی از سوی زنان عقب‌مانده، اثر بزرگی روی آنها داشته است. این بررسی، بویژه از آن رو جالب است که زنان مورد نظر، به خاطر عقب‌ماندگی نمی‌توانستند انگیزه‌های ذهنی را ایجاد نمایند. مسأله کودکانی که در نوانخانه باقی ماندند، مسأله‌ای غیرعادی بود. نوانخانه‌ها، عموماً اثری کاهشنده در بهداشت جسم و روان کودکان زیر پوشش خود دارند. در مطالعه مشهور «نوانخانه بلژیکی» اثر «رنه اسپیتز»<sup>۲</sup> اندازه آسیب‌های روانی و علل آنها در نوانخانه مشخص شده است. نوانخانه‌ای که او مورد بررسی قرار می‌داد، از نظر تمیزی و وضع خوراک، کاملاً مناسب بود؛ اما کودکان از یکدیگر جدا

و از مهر مادری و محبت محروم بودند؛ انگیزه‌ای برای ابراز علاقه مندی و یا بازی نداشتند. پی‌گیری وضع آنان در دو سال بعد، نشان داد که آنها از حد متوسط رشد پایین‌تر و بعضی از آنها شدیداً عقب‌مانده بودند. آنها، هم از نظر ذهنی و هم از نظر بهداشت جسم، بیمار بودند. تعداد یک سوم از آنها در سن چهار سالگی مردند. در نوانخانه‌ای دیگر و گروه دیگری از کودکان بی‌سرپرست که به عنوان گروه شاهد در نظر گرفته شده بودند، هیچ مورد مرگ اتفاق نیفتاد. هر چند که در این نوانخانه، امکانات بهداشتی وجود نداشت، اما مادران کودکان، در سال اول زندگی نزد آنان بودند و کودکان از محبت آنها و نیز امکانات بازی برخوردار بودند. مطالعاتی از نوع بررسی «اسپیتز» در مطالعات تجربی مورد استفاده واقع شده‌اند. هری هارلو<sup>۳</sup> در آزمایش‌های متعددی که با میمون‌ها صورت داد، دریافت که میمون‌هایی که بدون حضور مادرانشان رشد کرده‌اند، دچار آشفتگی‌های فراوان بوده و نمی‌توانستند مانند میمون‌های عادی با یکدیگر بازی کنند و گرچه از نظر جسمی رشد مناسبی داشتند، اما در رابطه با جنس مخالف خود نمی‌توانستند ارتباط برقرار کنند. در مورد انسان‌ها، دقیقاً آزمایش‌های مشابهی انجام نشده‌است، اما بررسی یاد شده که در نوانخانه صورت گرفت و با مطالعاتی که درباره کودکان رانده شده انجام گرفته، نشان می‌دهند که انسان‌ها هم، مانند میمون‌های مورد آزمایش، در شرایط محرومیت رشد نخواهند کرد.

امروز مسئله مواد مخدر در کشور ما یک مشکل شهری، روستایی، یا خانوادگی نیست. بلکه یک مشکل ملی است. اگر در گذشته می شد با اقداماتی کوچک جلوی منفذ و رخنه هرز آنها را گرفت امروزه احتیاج به سد و سیل بند داریم. فزونی تعداد معتادان به انواع مواد مخدر چیزی قابل پنهان کردن نیست و البته پنهان کردن یا ندیده گرفتن آن نیز مشکلی را حل نمی کند و درباره این مسئله ملی بدون شک، کلبه از گانه های کشور اعم از لشگری و کشوری، هرکاری که از دستشان برمی آید برای بسامان رسانیدن این مبارزه انجام داده اند و هر فداکاری که در حور چنین مبارزه ای بر سرگ بوده به عمل آمده است. بودجه های اختصاص داده شده در امر مبارزه با مواد مخدر، اقدامات سازمانهای مختلف مثل وزارت بهداشت و درمان، بهریشی، وزارت کشور، وزارت دادگستری و از همه مهمتر صف طویل شهدای عالیقدر نیروی انتظامی نشانه های مهمی از عزم ملی در مبارزه با مواد مخدر است و اینها آنچنان عیان است که تیزی به بیان ندارد.

اما چگونه است که این همه فداکاری و خدمت به نتایج مطلوب نمی انجامد؟ آیا زمان آن نرسیده است که حداقل فکری هم درباره جهت گیریهای مبارزه بکنیم و با خود بگویم و از خود

پرسیم که چرا صرف این همه انرژی و نتایج ملموسی برای کاهش اعتیاد و قاچاقچیان و معتادان نداشته است تا جایی که قسمت اعظم زندانبانان را قاچاقچیان مواد مخدر و بیشترین معتادان را جوانان تشکیل می دهند.

چرا آمار معتادان هر روز افزایش می یابد و چرا علی رغم از جان گذشتگی فرماندهان پرسنل مأمور مبارزه با قاچاقچیان هر روز آمار کشتیبات بالا تر می رود. آیا زمان آن نرسیده که حداقل در درستی تاکتیک ها و استراتژی مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد شک کنیم و برای این مبارزه ملی طرحی نو ارائه دهیم.

تا این امید که این تحقیق چیراعسی باشد فرا راه مبارزاتی که به «ایران بدون مواد مخدر و اعتیاد» فکر می کنند.

## بیان مشکل

### الف - وضعیت موجود

با به اظهار نظر فرماندهی نیروی انتظامی «ایران فعالترین کشور منطقه در امر مبارزه با مواد مخدر است» و بر مبنای گفته معاون دبیر کل سازمان ملل متحد، «ایران در مبارزه با مواد مخدر نقش اول و ادر جهان دارد».

ایران از سال (۷۷ تا ۱۳۶۷) بیش از ۲۵۰۰ شهید در این راه داده است که در بین آنها از سرباز تا سردار حضور دارند. ایران با صرف نیروهای عظیم انسانی و بودجه فراوان در طی سالهای مورد

بررسی (۷۷ تا ۶۷) بالغ بر (۹۹۸) تن تریاک از قاچاقچیان کشف کرده است و در این راه خدمت بزرگی به جوامع غربی و اروپایی شده است و اگر این همه مواد کشف نمی شد و توسط قاچاقچیان به اروپا و غرب ترازیت می شد، همانند بعضی جوامع غربی را مورد تهدید و انفجار اجتماعی قرار می داد. اطلاعات زیر از این جهت قابل توجه است:

۸۰٪ کشفیات مرفین جهان در ایران انجام می شود و ارزش مواد مخدر مکشوفه در ایران ممکن است از مرز ۲۵ میلیارد دلار عبور کند.

در ایران فقط در سه ماهه اول سال ۱۳۷۸ تنها در استان خراسان طی ۶۳ عملیات منجر به درگیری با قاچاقچیان ۱۱/۲۵۵ کیلوگرم مواد مخدر کشف شد که ۱۸۵۲ کیلوگرم آن مرفین بوده است. و در این عملیات علاوه بر مواد مخدر فوق ۸۴ قبضه اسلحه و ۱۳/۹۸۰ تیر فشنگ، ۱۹ قبضه نارنجک و سه دستگاه وسائل مخبرائی (بی سیم) نیز به دست آمده است.

در ایران تنها در ظرف یک هفته در استان خراسان در طی سه رسته درگیری مسلحانه تا ۱۵ نفر سوادگر مرگ در ارتفاعات شهرستان تربت حیدریه ۲۰۰۰ کیلوگرم انواع مواد مخدر کشف و ضبط گردیده و بر اساس اعترافات قاچاقچیان این مواد به مقصد کشورهای اروپایی حمل می شد.



# مشکل مواد مخدر\*





مهدی مرادی

در ایران فقط در سه ماهه اول سال ۱۳۷۸ در رابطه با مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر ۳۹ نفر از اشرار کشته، ۷ نفر مجروح و ۱۷۴۶ قاچاقچی و ۲۷ نفر رابطه دستگیر شده اند. ۸۴٪ مواد مخدر به وسیله نیروی انتظامی، ۱۴٪ آن به وسیله وزارت اطلاعات و ۲٪ آن به وسیله بسیج سپاه پاسداران و گمرکات کشف شده است همچنین ۵۵٪ مواد مخدر مکشوفه در استانهای خراسان، کرمان و سیستان و بلوچستان به دست آمده است. در ایران ۲۶٪ از سارقین، ۱۷٪ از متکدیان و ۱۰٪ از قاچاقچیان مواد مخدر به انواع مواد معتادند. در ایران اگر چه بیشتر کشفیات مربوط به استانهای مرزی، مثل خراسان و سیستان و بلوچستان است لیکن میزان کشفیات مواد مخدر در شهرهای مرکزی نیز کم نیست. مثلاً در شهر کوچکی مانند درود تا ۱۴۳/۵ کیلوگرم تریاک نیز کشف شده است. در ایران حدود یک میلیون نفر در رابطه با بلای خانمان سوز اعتیاد مورد تهدید جدی قرار دارند. در اسفند ماه سال ۱۳۷۶ پیش بینی گردیده که اگر هر چه سریعتر اقدامات



مهدی اسماعیلیان

پیشگیرانه در رابطه با بلای خانمانسوز اعتیاد که یک میلیون نفر را مورد تهدید جدی قرار داده حساسیتی نشان داده نشود و اگر هر چه سریعتر اقدامات پیش گیرانه در ابعاد ملی تحقق نیابد ما شاهد ریزش نیروی انسانی و مولد جامعه خواهیم بود. در ایران شورایی به نام شورای عالی تحقیقات و برنامه ریزی ستاد مبارزه با مواد مخدر وجود دارد که برای پیشگیری، درمان و مبارزه با مواد مخدر و سوء مصرف، برنامه‌هایی در سطح ملی دارد که طبق آن ضمن مقابله با قاچاق و عرضه مواد مخدر و بازار تقاضا بر توسعه فعالیت‌های فرهنگی و تحقیق و پژوهش نیز تأکید دارد. بنا به پیشنهاد مدیریت اجرایی برنامه بین المللی کنترل مواد مخدر سازمان ملل، دفتر نمایندگی برنامه بین المللی کنترل مواد مخدر در تهران ایجاد می‌گردد تا همکاری بین سازمانهای ملل و ایران گسترش یابد. همچنین بنا به این پیشنهاد یک هیأت که نمایندگان کشورهای اروپایی را نیز به همراه داشته باشد به ایران اعزام می‌شود تا از



محمد رضا محقق

تلاش‌های ایران برای مبارزه با مواد مخدر از نزدیک آشنا شوند تا پایان سال اجلاس دیگری که بیشتر جنبه فرهنگی داشته باشد پیرامون رابطه مواد مخدر و تهران در تهران برگزار خواهد شد. طالبان ۹۶٪ مناطق تحت کشت افغانستان را در اختیار دارد و به دلیل نبود دولتی که اقتدار کامل را داشته باشد مبارزه ما (سازمان ملل) در این زمینه صفر است. هیچ کشوری را در جهان نمی‌توان یافت که چنین اقدامات عظیمی را، از جمله انسداد مرزهای خود به طول ۲۵۰۰ کیلومتر، انجام داده باشد. **ب: مبانی نظری تحقیق و فرضیه‌ها** پاسخ به این سؤال که چرا با وجود این همه تلاش در کشف و ضبط مواد مخدر و صرف این همه بودجه و نیروی انسانی موجبات کاهش اعتیاد و معتادان به مواد مخدر فراهم نگردیده بسیار مشکل است و از دیدگاه این تحقیق وجود رابطه علت و معلولی در ارتباط با مسئله فوق بنایه شواهد ارائه شده در بند (الف) که برگرفته از اظهارات معتبر منابع رسمی است اگر چه در نظر اول

قطعی و مسلم است. لکن این فرضیه را که بین کشفیات مواد مخدر و میزان پدیده اعتیاد به مواد مخدر و تعداد معنادان بایستی به دنبال کشف روابط اجتماعی دیگری رفت مورد توجه عمیق و روابط همسنجی منطبق نظر است.

به عبارات دیگر اگر چه ظاهراً وجود مواد مخدر و قاچاقچی آن عامل ایجاد اعتیاد است، لکن از طرف دیگر این معتاد است که با همه وجود (حالی و مالی) از قاچاقچی حمایت می‌کند. یعنی بایستی بگویم به همان نسبت که کشفیات مواد مخدر و دستگیری قاچاقچیان باعث بدون پاسخ ماندن تقاضای معنادان می‌شود، از طرف دیگر موجبات تشدید فعالیت قاچاقچیان فراهم می‌شود. بنابراین موارد ذیل را به عنوان فرضیات تحقیق می‌توان پذیرفت:

- ۱- مبارزه با مواد مخدر و دستگیری قاچاقچیان ارتباطی با کاهش اشتیاق معنادان به مصرف مواد مخدر ندارد.
- ۲- مبارزه با مواد مخدر در مرزها که بنا به اظهارات مقامات رسمی موجبات جلوگیری از ارسال مواد مخدر به اروپا و غرب می‌شود، برای پیشگیری از توزیع داخلی کافی نیست.
- ۳- نازمانی که معنادان وجود دارند و تقاضای مصرف آنان در اثر کشفیات مواد مخدر بدون پاسخ می‌ماند حمایت آنان از قاچاقچیان ادامه می‌یابد.
- ۴- جامعه معنادان ایران که بنسب شواهد آماری تا حدود ۷۰۰۰/۱۰۰۰ نفر برآورد می‌گردد، با وابستگی‌های شدید عاطفی به یکدیگر و ریشه‌های عمیق عاطفی در بین دوستان و خانواده می‌تواند بسیار خطرناک، پویا و در راه هدف کوشا باشد. نیروی انتظامی

جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با شگرد قاچاقچیان و خشی کردن روش آنان اخیراً اقدام به تأسیس مراکز آموزش و تربیت سنگ جهت کشف مواد مخدر از انواع جاسازها نموده است. ایران به دلیل همسایگی دو کشور بزرگ تولید کننده مواد مخدر یعنی افغانستان و پاکستان نزدیکترین مسیر برای ترانزیت این مواد به کشورهای اروپایی است. لذا قاچاقچیان بین‌المللی با تمام شدت عملی که کشور مادر مقصد و مارتزه‌ها مواد مخدر به عمل می‌آورد، بازارها صرفه‌ترین راه ترانزیت را عبور از خاک ایران می‌دانند. و برای این که بتوانند مواد مخدر خود را از چشم مأموران هشدار نیروی انتظامی پنهان و به سلامت از ایران عبور دهند اقدام به استفاده از پیچیده‌ترین شگردهای جاسازی مواد مخدر در داخل وسایط نقلیه و محموله‌های مختلف می‌نمایند.

مأموران جان‌برکف جمهوری اسلامی ایران هر چند تاکنون بی‌سردون استفاده از امکانات و تجهیزات پیشرفته موفق به کشف پیچیده‌ترین جاسازیها شده‌اند اما به هر حال به دلیل این که با امکانات و نیرویی که دارند نمی‌توانند تمام وسایط نقلیه و محموله‌های آنها را جاساز کرده و بازرسی کنند و مقداری از این مواد از دید مأموران مخفی مانده و از کشور خارج می‌شود و مقداری نیز در داخل کشور توزیع می‌گردد. لذا برای این که به بازرسی وسایط نقلیه سرعت دهند و همچنین برنامه‌های اثر را در

جاسازی مواد مخدر خشی کنند اقدام به تأسیس مراکز تربیت سنگ نموده‌اند تا با استفاده از این حیوان که قدرت شناسه بسیار بالایی دارد بتوانند این گونه جاسازی را در اسرع وقت کشف نمایند. از سال ۱۳۷۷ بحث استفاده از سنگ برای کشف مواد مخدر در سازمان نیروی انتظامی مطرح و پیش‌بینی شد. برای استفاده از این حیوان باید افرادی علاقمند به آموزش و تربیت سنگ انتخاب کرده. چرا که در این کار، علاقمندی شرط اصلی است. چون سنگ حیوانی به مراتب در رخ ترازی یک چینه است و باید مراقب خواب، غذا، استراحت و غیره این حیوان باشیم تا کار کند. در حال حاضر در واحدهای شرقی کشور هم مأموران از این حیوان برای کشف باراندازها استفاده می‌کنند. امیدواریم روزی برسد که این معضل خائن‌سوز را با کمک خود مردم و همکاران مجامع بین‌المللی ریشه‌کن کنیم تا جامعه‌ای سالم داشته باشیم. والسلام.

#### منبع استفاده: ماهنامه نگهبان

• این مقاله را دانش‌آموزان دبیرستان شهید محمدباقر صدر ۲، شهرستان قم، ریویژر دبیر آموزش ده‌می خود آقای غلامرضا شوری تهیه کرده‌اند. و از آنجاکه، صرف نظر از پرداختن به یک موضوع مهم، می‌تواند نمونه‌ای برای نوشتن مقالات مشابه در موضوعات گوناگون باشند. ان را در اینجا آورده‌ام (شدا)





در دنیایی که مازندگی می‌کنیم، با همه پیشرفت‌های محیرالعقول بشریت در فناوری‌های عظیم علمی، متأسفانه انسان‌ها در مقابل میکروب‌ها و ویروس‌ها به اندازه‌ای ضعیف و تأثیرپذیر هستند که در فاصله کوتاهی یک همه‌گیری ویروس آنفلوآنزا میلیون‌ها نفر را در جهان مبتلا می‌سازد؛ یا ویروس ایدز بیش از چهل میلیون نفر از مردم جهان را مبتلا کرده و بیش از بیست میلیون نفر جان خود را از دست داده‌اند. آمیب اسهال‌خونی هر سال میلیون‌ها کودک را به کام مرگ فرو می‌برد. سازمان‌های بهداشت جهانی و مراکز معتبر علمی علاوه بر انجام تحقیقات وسیع برای بررسی و کنترل همه‌گیری‌ها، کشف داروهای جدید، روش‌های تشخیص سریع بیماری‌ها با استفاده از بیولوژی مولکولی؛ با تحقیقات خود ثابت کردند که در کارزار بین انسان و میکروب، این انسان‌ها هستند که بیشترین نقش را برای نابودی خود

ایفا می‌کنند.

صحیح است که دولت‌ها و سازمان‌های بهداشتی به عنوان نگهبانان سلامتی جامعه، وظایف اساسی به عهده دارند ولی می‌توان به جرأت گفت که هیچ برنامه‌ای در جهان بدون حمایت مردم عملی نخواهد شد و مردم نیز باید به آنچه که می‌کنند آگاهی کامل داشته باشند، از اینجا است که اطلاع‌رسانی و آموزش مردم بزرگ‌ترین راهکار برای موفقیت در تمام برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی-سیاسی و بهداشتی است. پس از ذکر این مقدمه می‌خواهم نظر خوانندگان عزیز بویژه معلمان گرامی را به یک امر بسیار مهم و در عین حال بسیار آسان جلب کنم.

در چهلمین کنگره بین‌المللی «عوامل ضد میکروبی و درمان و دارویی» I.C.A.A.C. که از ۱۷ تا ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۰۰ (۲۷ تا ۳۰ شهریور ۱۳۷۹) در شهر «تورنتو» کانادا تشکیل شد ۱۵ هزار و ۱۷۲



# نهیضت دست‌های پاک

دکتر ابوالحسن ضیاظریفی



پروفسور د. پیر استاد دانشگاه ژنو معتقد است که «شستن دست‌ها راحت‌ترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه برای جلوگیری از بسیاری عفونت‌ها است».

الین لارسون استاد دانشکده پرستاری دانشگاه کانپیا در پیوریتم معتقد است که «رعایت بهداشت پوست بویژه دست‌ها نخستین مکانیسم کاهش دادن انتقال مستقیم عوامل عفونی از مدفوع (مخرج) به دهان است، با وجود تغییرات فاحش در زندگی اجتماعی، بالا رفتن سطح بهداشت عمومی، جمع‌آوری زباله‌ها به طریق صحیح و رعایت بهداشت محیط، مع الوصف مسئله بهداشت دست مهم‌ترین عامل برای جلوگیری از گسترش بیماری‌های عفونی بخصوص اسهال‌های گشته است».

### رعایت بهداشت دست به وسیله مردم:

شناساندن خطرات ناشی از میکروب‌های بیماری را به مردم از کتب‌های دست‌نویس باید آغاز شود و آموزش و پرورش و طیفه‌ای بسیار مهم به عهده دارد. در محیط‌های کوچکی مانند شیرخوارگانه‌ها، مراکز نگهداری کودکان، کودکانستان‌ها و تنگ‌های اول دست‌نویس باید به کودکان آموزش داد که بعد از رفتن به توالت دست‌های خود را بشویند، در شیرخوارگانه‌ها که افرادی مسئول نگهداری کودکان و

تن شامل ۱۱ هزار و ۸۳۲ دانشمند از ۹۰ کشور جهان، دو هزار و هفتصد نماینده و ۲۷۱ نماینده رسانه‌های گروهی اعم از تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها شرکت داشتند، یکی از مهم‌ترین مباحث این کنگره عظیم که در نوع خود بی نظیر بود بحث درباره نتایج بررسی‌های علمی چهار ساله درباره برنامه «کارزار دست‌های پاک» است.

از سال ۱۹۹۶ مرکز کنترل مساره با بیماری‌ها و انجمن میکروب‌شناسان آمریکا با همکاری بیش از ۵۰ روزنامه و رسانه تصویری برنامه‌ای برای کاهش انتقال میکروب به وسیله دست طرح کردند که به رودی بسیاری از کشورهای بزرگ جهان به آن پیوستند. از زمان کشف میکروب به وسیله پاستور و کج پیش از یکصد و بیست سال می‌گذرد. از همان زمان این اساتید بزرگوار و شاگردان طراز اول آنها که همه گیری‌های خطرناک و با-تیفوئید، طاعون، سل، اسهال خونی و نظایر آن را در کشورهای اروپایی و آسیایی و افریقا شاهد بودند اعلام خطر کردند که «دست» یکی از مهم‌ترین راه‌های انتقال میکروب از مدفوع به دهان است و به همین جهت برای شستن دست اهمیت فراوانی قایل بودند. با کمال تأسف باید گفت که بسیاری از مردم جهان این توصیه ساده را جدی ننگرده‌اند و تاریخ پزشکی شواهد بسیار زیادی از کشته شدن میلیون‌ها نفر به علت عدم رعایت این اصل ساده بهداشتی را ثبت کرده است.

مطالعات چند دهه‌ساله اخیر در جهان و ایران

شان داد که یکی از مهم‌ترین عوامل انتقال

میکروب و گسترش بیماری‌ها،

دست‌ها هستند و اگر مردم و

بخصوص جامعه پزشکی

دست‌های خود را مرتب

بشویند بیش از ۷۵ درصد از

انتقال میکروب جلوگیری

می‌شود.



روزنامه‌های  
روزگار



شیرخواران هستند و کهنه بچه‌ها را عوض می‌کنند باید در رعایت شستن دست خود بعد از تعویض هر بچه اهتمام جدی مبذول دارند. در مراکز نگهداری افراد غلیل (سالمدان) دارای اختلالات ذهنی نیز باید این امر به شدت رعایت شود.

در مشاغل مانند کارخانجات تهیه مواد غذایی تنها شست و شوی دست‌ها می‌تواند بیش از ۷۰ درصد خطرات آلودگی‌های میکروبی را کاهش دهد. در کشورهای صنعتی که استفاده از غذاهای آماده بیش از پیش رونق گرفته، این کنترل همراه با آموزش صحیح بهداشتی باید به وسیله بازرسان بهداشتی کارخانجات و بهداشت حرفه‌ای انجام گیرد، در طی چند سال گذشته اپیدمی‌های خطرناکی از اسهال به علت استفاده از همبرگرهای آماده، در آمریکا به وقوع پیوست که عامل آن میکروب اشیرشیاکلی (E. coli) بوده است. این میکروب به‌طور معمول در روده انسان زندگی می‌کند و در حالت معمولی ممکن است خطری برای شخص نداشته باشد، ولی در شرایط مساعد برای بیماری زائی، میکروبی، به شدت خطرناک شده و سبب مرگ و میر فراوان می‌گردد. مهم‌ترین راه انتقال این میکروب عدم رعایت شستن دست‌های کارگران مسئول تهیه مواد غذایی بعد از رفتن به توالت است.

در تمام رستوران‌ها، آشپزها و گارسون‌ها می‌توانند عامل این انتقال باشند که متأسفانه آموزش کافی به این افراد داده نمی‌شود. در مشاغل پزشکی عدم رعایت این اصل ساده‌ی بهداشتی مرگ‌آفرین است. استاد سابق الذکر دانشگاه ژنو از عدم رعایت این اصل به وسیله پزشکان، پرستاران و کادر پزشکی گلّه می‌کند. بنابراین، وظیفه‌ای بس سنگین به عهده همکاران عزیز کادر بهداشتی محول است.

همکار پزشکی که بیماری را معاینه می‌کند و پوست او را لمس می‌کند، می‌داند که پوست بدن یکی از سدهای اولیه برای جلوگیری از ورود میکروب به بدن است و تجمع میکروب‌ها در سطح پوست بیش از اعضای دیگر است، ممکن است بسیاری از این میکروب‌ها مانند استافیلوکوک‌ها مقاوم به آنتی‌بیوتیک‌ها و مواد ضد عفونی‌کننده باشند، اگر همکار پزشکی و پرستار بعد از معاینه هر بیمار دست خود را نشوید و بلافاصله بیمار دیگری را معاینه کند، خطر انتقال عفونت را افزایش داده است، بخصوص در مواردی که بیمار دارای زخم‌های پوستی همراه با خون باشد این خطر افزایش می‌یابد و در محیط بیمارستانی این خطر چندین برابر است. بسیاری از عفونت‌های بیمارستانی که هزینه‌های سرسام‌آوری به بودجه مملکت تحمیل می‌کنند ناشی از عدم رعایت این اصول است.

جان بویی از بیمارستان سنت رافائل کانکتیکات دسترسی کارکنان مراکز پزشکی را به دست شویی و شیر آب محاسبه کرده است. بنا به تحقیق این استاد یک پرستار در بخش I.C.U (بخش مراقبت‌های ویژه) در طی روز ۱۳ تا ۳۰ بار دست خود را می‌شوید، برای رفتن از کنار تخت بیمار تا دست شویی و شستن دست و خشک کردن آن و بازگشت

به کنار تخت بیمار دیگر در "I.C.U" ۶۲ ثانیه وقت لازم است، بنابراین هر چه تعداد دست شویی‌ها در چنین بخش‌هایی نزدیک‌تر باشد، پرستاران بیشتر رعایت شستن دست خود را می‌کنند.

### چگونه دست خود را بشوییم:

خوش بختانه مردم مسلمان ما هر شبانه‌روز حداقل چند بار وضو می‌گیرند و دست و صورت خود را می‌شویند، و ثابت شده است که شستن با آب معمولی به مقدار فراوانی کثرت‌های میکروبی را در سطح پوست کاهش می‌دهد، اگر در مساجد و مراکز مذهبی بخصوص روزهای جمعه که محل تجمع هزاران نفر و استفاده از توالت‌ها و دست‌شویی‌های عمومی است این کار آموزش داده شود، بسیاری از مشکلات ناشی از انتقال عفونت‌های ثانوی از بین می‌رود، لزومی ندارد که در این شست و شو شیر آب را به‌طور دائم باز نگه داریم. با اندکی آموزش می‌توان با حداقل آب مصرفی، دست‌ها را شست.

در مراکز پزشکی و آزمایشگاه‌ها دستورالعمل‌های مخصوصی برای این کار وجود دارد. ابتدا شیر آب را کمی باز می‌کنیم و دست را کمی تر می‌کنیم، محلول صابون یا محتوی ماده ضد عفونی را کف دست می‌ریزیم و با دو دست آن را بخوبی در تمام قسمت‌ها و لای انگشتان می‌مالیم، اگر لازم باشد کمی شیر آب را بازتر می‌کنیم، ده ثانیه برای شستن دست کافی است، سپس دست‌ها را زیر شیر آب گرفته و پس از پایان شیر را می‌بندیم (بهتر است در این مراکز از شیرهایی استفاده شود که با پا و بازو بسته می‌شود) و دست را به وسیله حوله‌های کاغذی خشک می‌کنیم.

سبک‌های شست و شوی دست‌ها باید طوری ساخته شود که دسترسی به آن آسان و ساده و بخصوص در مراکز درمانی مانند دبستان‌ها و کودکان‌ها قابل دسترسی برای کودکان باشد.

### وظایفی که سازمان‌های مسئول به عهده دارند:

در حقیقت همه مردم مسئول سلامت خود و جامعه هستند ولی آگاه کردن و آموزش دائم آنها باید به راه‌های مختلف انجام گیرد. در این کارزار بهداشتی وظیفه رسانه‌های عمومی بیش از همه مهم است. از همکاران سازمان‌های بهداشتی و بخصوص مرکز مدیریت بیماری‌ها انتظار می‌رود در این کارزار که مستقیماً با بهداشت عمومی بستگی دارد، برنامه‌های ساده و عملی برای آموزش عمومی مردم طرح کنند. شهرداران و انجمن‌های اسلامی می‌توانند دستور دهند که در توالت‌های عمومی با نصب پوسترهایی مردم را به این کار تشویق نمایند. ائمه محترم جمعه و جماعات و وعاظ در مساجد، کلیساها و مراکز مذهبی با ذکر چند جمله می‌توانند مردم را به این کار تشویق کنند. بیاییم با رعایت این اصول بسیار ساده در «جهاد دست‌های پاک» شرکت کنیم تا خود، فرزندان و اجتماع خود را از خطرات بسیاری محفوظ و ایمن سازیم.



و نظامی این جنبش منطقه دشتستان و بوشهر بوده است نقش عربی مردم کازرون تحت الشعاع آن واقع شده و چنان که باید از آن سحتی به میان نیامده است. همین امر حس شده که نویسنده دست به تألیف کتاب حاضر بزند و در آن بر نقش کازرونی و مردم آن در این جنبش تأکید کند. کتاب دارای چهار بخش است. در فصل اول به اوضاع ایران در هنگامه جنگ جهانی اول و نیز عوامل سیاسی، اقتصادی و دینی جنبش جنوب اشاره شده است. فصل دوم مشغول بر سابقه مبارزاتی مردم کازرون علیه استعمار گران یا توجه به اسناد و مدارک موجود است. در فصل سوم از شخصیت های مهم کازرون، بویژه ناصر دیوان کازرونی، و نیز ستر جغرافیایی قیام مردم کازرون (شامل مناطق و روستاها) یاد شده است و آخرین فصل نیز به حوادث و وقایع مهم و نقش کازرونی در جنبش ضد استعماری جنوب پرداخته است. این کتاب می تواند برای علاقمندان به تاریخ های محلی ایران، که به گونه ای به تاریخ کلی کشور پیوند می خورد، مفید باشد. بویژه دیران ریشه های علوم اجتماعی در استان های فارس و بوشهر یا توجه به ارتباط عاطفی که با این وقایع دارد بیشتر می تواند از این کتاب استفاده کنند. از ویژگی های کتاب، فهرست های، تصاویر و اسنادی است که به آن اضافه شده است.



جنبش ضد استعماری جنوب و آزادیخواهان کازرون

موسی مظهری زاده

شیر فو، تهران، ۱۳۷۸، ۲۲۰ ص ۱۴۰ تصاویر و اسناد.

۷۷۰ تومان

جنوب ایران در دوره قاجاریه در چندین مرحله مورد تجاوز نیروهای انگلیسی قرار گرفت. این تاجیه که برای سانسازان آن انگلیسی بسیار حاشیه اهمیت بود بعد از فرورداد ۱۹۰۷ م. بیش از پیش مورد توجه واقع گردید. عدم دانست سیاسی دولتمردان قاجار و فقدان یک ارتش قوی، منظم و کارآمد موجب شد که دولت ایران در برابر تجاوز بیگانگان موضعی انفعالی داشته باشد تا نهجی. بدین ترتیب در این لحظات بحرانی و سرنوشته مبار که بیم به خطر افتادن تمامیت ارضی ایران می رفت مردم جنوب می بایست بدون انکابه حکومت مرکزی و نهایی بی روی ایمان، اسلحه به دست گرفته و از جان و مال و آس خود دفاع می کردند. و تاریخ نیز همین گونه رقم خورد.

در اوایلین لحظات حکمرانی سلاطین قاجار که مصادف با جنگ جهانی اول و هجوم وسیع نیروهای انگلیسی به جنوب ایران بود حرکتی مردمی برای مقابله با متجاوزان پایه عرضه و جو دگداشت که به جنبش ضد استعماری جنوب معروف شد. گویا از آنجا که مرکز ثقل عملیاتی

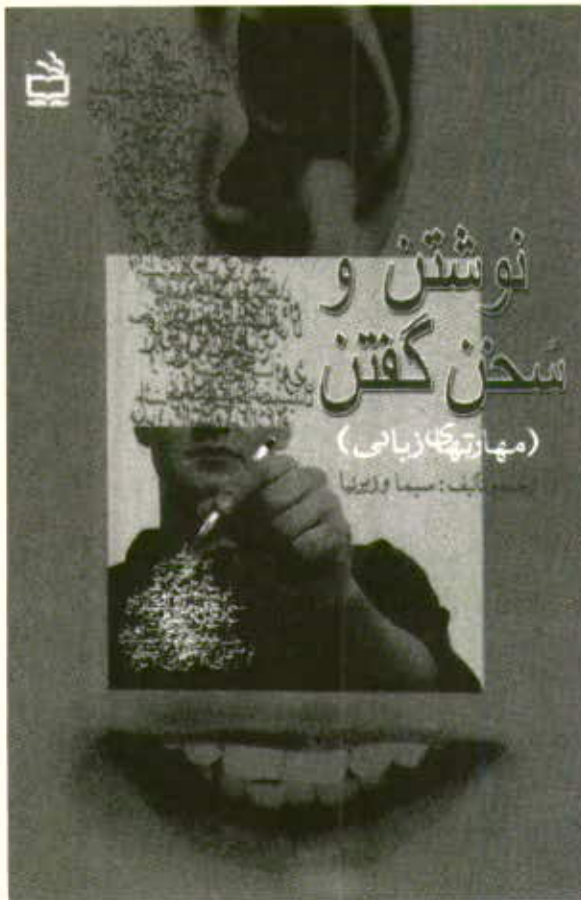
# معرفی

# کتاب



آرشیو اسنادی





### نوشتن و سخن گفتن (مهارت‌های زبانی)

ترجمه و تألیف: سیما وزیرنیا

انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۹، ۲۲۲ صفحه، ۹۰۰۰ ریال

کتاب «نوشتن و سخن گفتن» شامل تمرین‌هایی گسترده، متنوع و کاربردی در مهارت‌های بیانی (تولید) زبان است. برنامه‌ریزی محتوا به گونه‌ای است که دانش آموز را توانا می‌سازد با استفاده از جنبه خلاق زبان خود در زمینه‌های متنوعی، از نوشتن آگهی‌های بازرگانی تا داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی مهارت کسب کند. همچنین دانش آموزان می‌توانند با استفاده از راهنمایی‌های کتاب، توانایی‌های بالقوه خود را در زمینه زیرمجموعه‌های مهارت سخن گفتن شکوفا سازند.

مخاطبان اصلی این کتاب، دانش آموزان دوره راهنمایی و سال اول دبیرستان اند اما از آنجا که تمرین‌ها به شیوه‌های ابتکاری در لایه‌های ژرف زبان اثر می‌گذارند به ویژه تمرین‌های نظام‌مند و بنیادین در زمینه شخصیت‌پردازی و روش تحقیق، بخش‌هایی از آن برای افراد گروه‌های دیگر نیز قابل استفاده است. همچنین کتاب به طور غیرمستقیم راهنمای مفیدی برای مربیان زبان آموزی و کارشناسان است.

### میانجیگری در مدرسه (روش‌های بهبود رفتار دانش آموزان)

دکتر زهرا بازرگان

انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۹، ۱۲۶ ص، ۶۰۰۰ ریال

نابرابری‌های اجتماعی، فقر، بیکاری، طلاق و فروپاشی خانواده‌ها، اعتیاد، بزهکاری و دیگر معضله‌های اجتماعی موجب می‌شوند تا دانش آموزان به علت وجود تعارض‌های درونی و مشکلات عاطفی، آمادگی لازم را برای یادگیری و سازگاری با محیط تحصیلی نداشته باشند. این دانش آموزان اغلب از لحاظ درسی و ارتباطات اجتماعی با بزرگسالان خود در مدرسه مشکل دارند و در بیشتر موقعیت‌ها رفتار نامطلوب آنها بر نامه‌های خدمات مدرسه را نیز مختل می‌کند و در نتیجه مانع یادگیری و آرامش سایر دانش آموزان می‌شود.

رفتار نامطلوب گروه‌های فوق در مدرسه ممکن است شامل طیف وسیعی از رفتارهای غیر قابل پذیرش باشد: شرکت نکردن در کلاس، انزوایی، ایجاد مزاحمت برای سایر دانش آموزان، خشونت‌های کلاسی و بدنی، آسیب رساندن به ساختمان و وسایل و تجهیزات مدرسه.

باید گفت، علی‌رغم تغییرات و اصلاحاتی که در چند دهه اخیر در کشورمان در زمینه برنامه‌های آموزشی انجام شده، ولی روش‌های برخورد با اختلالات رفتاری دانش آموزان، در مقایسه با روش‌های سنتی، چندان تغییر نکرده است. بسیاری از معلمان با وجود آگاهی داشتن از عاقبت مسائل رفتاری دانش آموزان آن را مانند پدیده‌افت تحصیلی امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر می‌دانند و تلاش چندانی برای شناخت ریشه مشکلات و پیشگیری و کاهش دادن آن به عمل نمی‌آورند.

در مدارس ما، روش‌های به کار گرفته شده برای کاهش رفتار اختلال‌زا، اغلب بر اساس دیدگاهی قرار دارد که دانش آموز و مسائل او در نهایت خانواده و محیط فرهنگی را سبب بروز رفتار نامطلوب می‌داند و با اعمال قدرت و استفاده از تنبیه و تشویق برای حذف این گونه رفتار عمل می‌کند. این روش‌ها معمولاً رفتار نامطلوب را به سرعت متوقف می‌کند اما با ایجاد احساسات منفی در دانش آموزان به بروز رفتارهای نامطلوب دیگری در آینده می‌انجامد.

کتاب حاضر ضمن مرور تجربه‌های موفق بعضی از کشورها برای مقابله با رفتارهای نامطلوب در مدرسه، روش‌هایی را مورد تحلیل قرار می‌دهد که به عوامل مؤثر در رفتار دانش آموزان و نیازهای متفاوت آنان توجه داشته، با احترام به شخصیت دانش آموزان، از همه امکانات مادی و انسانی مدرسه برای مقابله با کاستی‌ها و تقویت رفتار مطلوب استفاده می‌کند. مطالعه این کتاب می‌تواند برای مدیران، معاونان و مربیان پرورشی مفید و راهگشا باشد.

آموزش‌های نوین

نامه‌هایی که در اینجا ملاحظه می‌کنید از نامه‌هایی است که درباره درس‌ها و کتاب‌های دوره راهنمایی به ما رسیده است و ما آنها را بدون هرگونه توضیح و تشریح به دست چاپ می‌سپاریم و امیدواریم مورد توجه مسئولان و متولیان امور قرار گیرد. رشد

### با عرض سلام.

من در مورد کتاب‌های درسی یک پیشنهاد دارم. به نظر من کتاب‌های درسی که ما الان می‌خوانیم هیچ در معلومات ما مؤثر واقع نمی‌شود. من این حرف را می‌بایه و اساس نمی‌گویم بلکه این نکته به تجربه برای من ثابت شده است. مثلاً ما که الان در امتحانات نهم آخر هستیم، امتحان نهم تاریخ را داده‌ایم ولی ما به قاطعیت حاضر هستیم که بگوییم یک کلمه هم از تاریخ یادمان نمانده و با اصطلاح به‌زور زیاد خواندن شماره ۱۹/۵ را گرفته‌ام. این روش درسی هم که به صورت مستمر از ما امتحان می‌گیرند هیچ مؤثر واقع نمی‌شود و به حاشی که استرس دانش‌آموز را برای امتحانات پایانی کم کند، زیادتر می‌کند. زیرا مثلاً آن وقت ما ۳ امتحان اصلی ثبت داشتیم و در واقع ۳ بار استرس داشتیم ولی حالا هر روز که به مدرسه می‌آییم، استرس سراپایمان را می‌گیرد و علاوه بر آن نسبت به معلم، نوعی تنفر پیدا می‌کند. پیشنهاد من این است که هر نهم درسی را به‌طور مفصل بخوانیم و آن را کاملاً برررسی کنیم مثل سیستم آموزشی انگلستان.

با تشکر

۸۰/۳/۱۳

محسن ابوب زاده

### مسئولان محترم کتب درسی

با سلام عرض می‌کنم و سپاسگزاری می‌خواهم به عرض شما برسانم که چقدر ما در امتحانات ضعیف می‌شویم فقط شما می‌توانید او را کمک کنید بحاضر این ضعیف و ناراحت می‌شوید که، حجم کتاب‌ها زیاد است و پسر ما نمی‌تواند به همه آن برسد، زیرا هم کمی کند می‌خواند و همیشه دهنه دارد. او همیشه در امتحانات اینطور می‌شود یعنی همیشه باید اینطور باشد آنها وقتی نام امتحانات را می‌شنوند پشتشان می‌لرزد و فریاد می‌کشند. چرا؟ برای چه؟ زیرا حجم کتاب‌ها زیاد است ولی همیشه این‌طور نیست. بعضی از کتاب‌ها بسیار خوب هستند. حجم خوبی دارند و فرزندان ما خواندن آنها لذت می‌برند ولی وقتی که یک امتحان پر حجم مانند علوم و جغرافیه می‌دهند و برایشان می‌رسد دیگر حاشی برایشان نمی‌ماند یعنی

همیشه باید این‌طور باشد یعنی وقتی امتحانات رسید و وقت فرود آمد است یعنی باید خودشان را بکشند یا بمانند آن را بخوانند و اگر امتحان را نتوانستند تا آخر بخوانند دیگر سوره عیششان بد می‌شود و بعد از امتحانات سه ماه تعطیلی برایشان زهر می‌شود. مگر شما دل‌خواه ندارید! احتمالاً باید این بچه‌ها ضعیف شوند تا شما بگویید آنها دانش‌آموزان ممتازند به تنها بچه من بلکه بچه‌های من است. این اوضاع گناه دارند از شما مسئولان انتظار داریم کمی به فکر آنها باشید حجم کتب‌های راهنمایی را کم کنید تا خدا این وضع درسی تنظیم کرد نیست.

مشکریم اولیاء فرزندان

### با عرض سلام و خسته نباشید خدمت شما و همکاران گرامی نان

من به عنوان یک دانش‌آموز کلاس سوم راهنمایی می‌خواهم نظر خود را در مورد همه کتاب‌های درسی به شما ارائه دهم. مسأله امروزه روش تدریس که در کشور ما برگزار می‌شود صحیح نیست و همه مطالب را می‌باید حفظ کنیم که پس از مدتی از یادمان خواهد رفت و این کار مطالب نیز خوب بودند. در بعضی از موارد مثلاً از می‌مطالبی گفته شده که برای یادگیری بسیار دشوار است و بیشتر فقط وقت آدم را می‌گیرد. برای من این‌ها خیلی سؤال پیش آمده که اگر تدریسی وجود دارد پس چرا دیگر این کتب را برای تدریس گذاشته‌اند؟ یا کتب جغرافیه که مطالبی که درباره چیزهای مختلف گفته شده بسیار اندک و آن‌ها هم که گفته شد وقت گیر می‌باشند. بعد می‌گویند چرا کشور ما دچار عقب ماندگی شده است. یک جری دیگر را که مثل ایران تدریس می‌دهند، امری ناسم و آن کشور پیشرفته افغانستان می‌باشد و ما باید یاد بگیریم این صفحه‌ها عبرت بگیریم نه اینکه تقلید کنیم. در کتاب فارسی من مشاهده کرده‌ام که بعضی از درس‌ها کلمات را جدا نوشته‌اند و این در حقیقت دیگر همان کلمات است. به صورت سرهم نوشته‌اند و یا برای یک نامه در درسی پیشنهاد گذاشته‌اند ولی در درسی دیگر همان کلمه نوشته‌اند. در کتب دینی مشکلی است که چند سال در این کتاب وجود دارد و بر سر هم می‌بندیم که در کتاب‌های بعدی نیز همان مشکل وجود دارد. حرف‌ها بسیار است، مثلاً مراحل غسل ترتیبی که در کتب بعدی آمده است.

آموزش و پرورش



$$\sqrt{A} = a$$

$$-a^2 \quad a^2$$

$$A = a^2 + r \quad (2)$$

مانده r

هرگاه در طرف راست تا مساوی (۱)، به جای A مقدارش را از تساوی (۲) قرار دهیم، خواهد شد:

$$A < (a+1)^2 \Rightarrow a^2 + r < a^2 + 2a + 1$$

$$r < 2a + 1$$

و هو المطلوب.

نکته: ممکن است گفته شود که این قانون در محاسبه جذر اعداد اعشاری همیشه صادق نیست. این اعتراض منطقی است؛ دستور فوق برای محاسبه جذر یک عدد با تقریب واحد در نظر گرفته شده است. اگر محاسبه جذر با ۰٫۱ تقریب باشد، خواهیم داشت:

$$a^2 < A < (a+0.1)^2, A = a^2 + r \Rightarrow a^2 + r < a^2 + 0.2a + 0.01$$

$$r < 0.2a + 0.01$$

با تقریب یک دهم

و برای محاسبه جذر یک عدد با تقریب ۰٫۰۰۱، دستور چنین است:

$$r < 0.02a + 0.0001$$

با تقریب یک صدم

و برای محاسبه جذر یک عدد با تقریب ۰٫۰۰۰۱، خواهیم داشت:

$$r < 0.002a + 0.000001$$

میرزا جلیلی

نوشته است بر طرف کردن عین نجاست ولی بعد نوشته است که اوگ بیست و متأسفانه با وجود این مشکل امسال نیز در امتحانات خرداد این سؤال آمده بود مرحله اوگ غسل ترتیبی چیست؟ به هر حال ما باید به فکر آیندگان خود باشیم و باید اکر در این راه حل مشکلات کشور را به سوی توسعه و پیشروی برانیم و مرگ بر آمریکا گفتن هم همین است و نه این که فقط به زبان آوریم.

من امیدوارم که شما برای حل این مشکلات اقدام کنید.

به امید دادن جواب نامه

امیر شاهزیدی

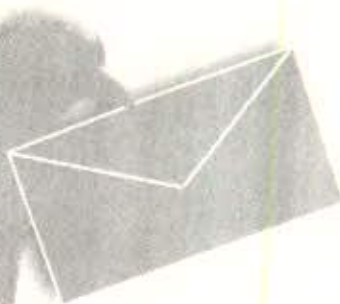
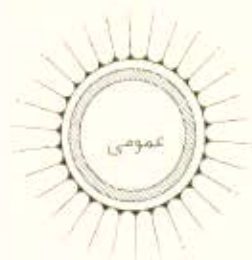
۸۰/۳/۲۳

### یک توضیح:

در یکی از کلاس هایی که بعد از چاپ مقاله «جذر» در شماره ۲۲ مجله تشکیل شد، یکی از دبیران ریاضی دوره راهنمایی از این که در مقاله جذر راجع به «مانده جذر» هیچ صحبتی نشده بود، اظهار تأسف کرد و از من خواست، توضیح بدهم که چرا مانده جذر، از دو برابر جذر به علاوه یک، کوچک تر است. پاسخ او چنین است: هرگاه A یک عدد حقیقی مثبت و a جذر تقریبی آن باشد، طبق تعریف جذر تقریبی کم تر از واحد داریم:

$$a^2 < A < (a+1)^2 \quad (1)$$

از طرف دیگر، در جذر نیز مثل تقسیم، عبارت امتحان جذر به صورت زیر است:



# نامه ها

# نمایه

نمایه زیر شامل عنوان مقالات، نوشته‌ها، شعرها، گفت و گوها، اسامی نویسندگان، مترجمان و نام کتاب‌های معرفی شده در مجله علمی شماره ۱۴ ن ۲۹ است. عناوین نوشته‌ها و اسامی کتاب‌ها با حروف سبده و اسامی اشخاص با حروف معمولی نوشته شده است. لازم است با دآوری است که نمایه شماره‌های ۱۳ تا ۱۳ قبل از شماره ۱۳ درج شده بود.

## تعلیم و تربیت

- آزادی و تعلیم و تربیت ۲۱/۳
- امانی طهرانی، محمود ۱۷/۳۸
- بعثت و تعلیم و تربیت ۲۲/۲
- پیرشک، احمد ۱۷/۳۲
- تربیت در گذر نسل‌ها ۲۳/۳
- تعلیم و تربیت و توسعه ۲۴/۳
- تعلیم و تربیت و مدیر مدرسه ۲۷/۳
- تعلیم و تربیت و تفکر ۲۸/۳
- تعلیم و تربیت و تحکم ۲۹/۲
- تعلیم و تربیت و پرورش عقل ۲۶/۳
- جواهر فروش زاده، عبدالرحیم ۱۶/۵۵
- در سیرت یک مربی (رضاء روزبه) ۱۴/۴
- در سیرت یک بانوی ایرانی (خاتم محبته امین) ۱۵/۱۵
- در سیرت یک مربی (جبار باغچه بان) ۱۶/۳
- دیوئی، جان ۲۱/۳
- راسل، برتراند ۲۱/۳
- سمعی، احمد ۲۹/۲
- سهراب، معصومه ۲۷/۳
- شهیدی، دکتر سیدجعفر ۲۳/۳
- شریعتنداری، دکتر علی ۲۸/۳
- عظیمی، حسین ۲۴/۳
- کانت ۲۱/۳
- لاک، جان ۲۱/۳
- مافی، یحیی ۲۷/۳

## فارسی

- محیط طباطبایی، سیدمحمد ۲۲/۳
- مدیر کوشا ۲۳/۳۴
- مدیران مدرسه، رهبران کارآمد ۱۷/۳۸
- مدیر و شوراهای مدرسه ۱۷/۳۲
- مدیر مدیر (شهید دکتر بهشتی) ۱۷/۳۰
- مسعودی، جلال ۲۳/۳۴
- مطهری، مرتضی ۲۶/۳-۱۶/۲
- معلم موفق، معلم ناموفق ۱۶/۵۵
- ملک عباسی، منصور ۱۴/۴
- هدایت و تربیت نسل جوان ۱۶/۲
- یاسیرس، کارل ۲۱/۳
- آرایه تلخیص ۲۴/۴
- آموزش انشای فارسی ۲۳/۱۲
- انروزان در آموزش و پرورش ۲۸/۲۸
- اردلان، مستوره ۱۵/۷
- اسپان بی زمین (شعر) ۱۴/۵۸
- اکرامی، سید نورالدین ۲۶/۱۴
- امثال و حکم در شعرها ۲۹/۱۱
- ایوانی، احمد ۲۸/۲۸
- یا استاد سخن در گلستان ... ۲۸/۳۶
- یا تصرف و تلخیص ۱۶/۳۸
- به کارگیری در جات حیطه شناختی در ...
- به یاد جلال آل احمد ۲۸/۲۲
- پزشک چهارده ساله ۱۴/۳

- توسعه تمرین های نگارش ... ۱۶/۳
- خرازی، جعفر ۱۵/۱۲
- خلافت و ... ۲۹/۶
- درباره درس فارسی ۲۶/۱۴
- درباره رسم الخط ۲۷/۸
- دریا ۲۷/۷
- دو شعر از مستوره اردلان ۱۵/۷
- دو شعر، یک مضمون، یک شاعر ۱۶/۳۳
- ذوالفقاری، حسن ۱۶/۳۸-۲۴/۸
- ۱۶/۳۸-۲۲/۹
- راهبردهای فعال سازی آموزش زبان فارسی ۱۷/۴
- راهکارهایی برای بهبود درس انشا ۲۸/۳۹
- زیالی، جعفر ۲۷/۷
- رضایی، تیمور ۲۶/۶-۲۴/۴-۲۳/۷
- ۲۲/۵-۲۱/۲۱-۱۹/۱۲-۱۶/۲۸
- ۲۸/۳۹-۲۸/۳۵-۲۶/۱۹-۲۹/۱۱
- سبک شناسی و دستور تاریخی ۲۶/۱۹
- سگچولی، محمدرضا ۲۸/۲۴-۲۸/۳۱
- سمعی، احمد ۲۹/۶
- سیری در ولزگان چندللفظی ۲۶/۶
- شیرازی، قنبرالدین ۱۴/۳
- شیوه صحیح تدریس املا ۲۷/۴
- صاحب‌دل، محمدحسن ۲۳/۱۱
- ضرورت بازنگری در دستور زبان ... ۲۸/۳۵
- علامه، حمید ۲۷/۲

آموزش زبان فارسی



عمرانی، غلامرضا ۱۶/۳۴  
 فرخ مهر، علی ۲۴/۸  
 فاسم پور، حسین ۱۷/۴  
 کیست حافظ زبان فارسی؟ ۲۸/۳۰  
 مدرس صادقی، جعفر ۲۷/۸  
 ناظمی، سیدقاسم ۱۴/۵۸  
 نقدی بر آزمون شفاهی فارسی ۲۸/۴۴  
 نقدی بر کتاب های فارسی... ۲۸/۳۱  
 نیرومند، عبدالمجید ۲۸/۳۰-۲۸/۴۲  
 نگاهی به امتحان نهایی درس املا و انشای فارسی ۱۵/۱۲  
 وازه های خیال ۱۶/۲۸  
 هر چه می خواهد... (۲) ۲۴/۸  
 هم خانواده ها ۱۶/۳۴

**قرآن و دینی**

آرام، احمد ۲۲/۴۱  
 آیتی بیرجندی، حسین ۲۳/۶۴  
 اسلام و حقوق مشترک انسان ها ۱۹/۱۸  
 اسوه مؤمنان کیست؟ ۲۰/۸-۲۱/۶  
 امام زمان از زبان امام علی ۲۹/۴  
 امثال قرآن (۱) ۲۲/۳۰  
 امثال قرآن (۲) ۲۳/۴۸  
 برقی، محمد ۱۹/۱۸  
 بلایا و تقدیر الهی ۱۸/۵۰  
 بهترین ترجمه قرآن کریم ۱۸/۶۹  
 پیمان شکنی (امثال قرآن) ۲۴/۴۴  
 تعلیم و تربیت و دینی ۲۲/۴۱  
 حفظ قرآن، سنت نبوی ۱۴/۵  
 حق و باطل در نهج البلاغه ۲۶/۴  
 خالقیان، فضل الله ۱۸/۵۰  
 در حاشیه درس قرآن ۱۵/۸  
 شعاری نژاد، علی اکبر ۲۲/۳۶  
 شکوهی، غلامحسین ۲۲/۳۶  
 شگفتی های نهج البلاغه (۱) ۲۷/۱۰  
 شگفتی های نهج البلاغه (۲) ۲۸/۴  
 علی صالحی، علی ۲۲/۳۲

طباطبایی، افسانه ۲۲/۳۸  
 طباطبایی، علامه محمدحسین ۲۲/۳۴  
 علم اخلاق ۲۲/۳۴  
 فقه و اصول فقه ۲۳/۴  
 قصیده ای درباره تجوید ۲۳/۶۴  
 کیانوش، محمود ۱۵/۳  
 محمدی، محمد ۱۴/۵-۱۵/۸  
 مطهری، مرتضی ۲۳/۴  
 مکارم شیرازی، محمدحسن ۲۷/۱۰-  
 ۲۶/۴-۲۴/۴۴-۲۳/۴۸-۲۲/۳۰-  
 ۲۹/۴-۲۸/۴  
 نکته های بااهمیت ۲۲/۳۶  
 نماز در مدرسه ۲۲/۳۲  
 نماز شب ۱۵/۳  
 ویرایش جدید از کتابهای فرهنگ اسلامی و  
 تعلیمات دینی ۲۲/۳۸

**عربی**

الرأعی الکذآب ۲۷/۶۳  
 السآرق وابنه ۲۶/۹  
 تغییرات کتابهای عربی دوره راهنمایی ۱۸/۶۰  
 چراغی، علی ۱۷/۱۴-۱۸/۶۰-۲۶/۹-۲۷/۶۳  
 حاج نبی، ایران ۱۹/۴۶  
 روش تدریس اسم فاعل و اسم مفعول ۱۶/۵۲  
 عربی (دو مقاله درباره آموزش عربی) ۱۹/۴۴  
 قواعد در عربی سال اول ۱۵/۴  
 کرمانی، صهبا ۱۶/۵۲  
 کریمی، فاسم ۱۵/۴  
 مردوچکاوک ۱۷/۱۴

**جغرافیا**

آموزش به کمک جغرافیا ۲۶/۳۶  
 آموزش جغرافی در دوره راهنمایی ۱۶/۶۰  
 آموزش جغرافیا از طریق عکس ۲۰/۵۳  
 ابن خردادبه ۱۴/۱۹  
 ابن واضح یعقوبی (جغرافی دان) ۱۵/۴۱  
 ارتفاعات البرز و زاگرس ۲۲/۴۵  
 ارزشیابی در جغرافیا ۱۹/۵۲-۱۸/۱۶  
 امیر اسب چینی، کورش ۱۵/۳۴

**تاریخ**

این خلدون، مورخ و جامعه شناس ۲۴/۱۰  
 اروپای واحد و آموزش تاریخ ۲۱/۴۴  
 انقلاب کبیر فرانسه ۱۵/۴۴  
 بازنگری در کتابهای تاریخ دوره راهنمایی ۱۴/۱۳  
 باقری، هما ۲۳/۵۷  
 بررسی کتاب درسی تاریخ کشور فرانسه ۲۹/۲۹



پزشکی، جمعه السادات ۱۵/۳۹  
 پستاء، حسن ۲۰/۱۷  
 تنوع اقلیمی در ایران ۲۸/۶۰  
 تیموری، پرویز ۱۴/۱۶  
 جریان های اقیانوسی ۲۰/۱۷  
 جغرافیای تاریخی اصفهان ۲۱/۴۶  
 جنگ بر سر آب ۱۴/۱۶  
 چرا کتاب جغرافیای دوره راهنمایی تغییر یافت؟ ۱۶/۵۷  
 چیست این سقف بلند ... ۱۵/۳۹  
 چوبینه، مهدی ۱۶/۶۱-۱۵/۴۱  
 ۱۴/۱۹-۲۰/۱۴  
 خواندنی های جغرافیا ۲۶/۳۴  
 رنگ در نقشه های جغرافیایی ۲۶/۴۰  
 سحاب ها، جغرافی دانان پیشگام ۲۶/۳۲  
 شهر و شهرنشینی در ایران ۱۵/۳۴  
 صفوی، شهریار ۱۶/۶۰  
 مسعودی (جغرافی دان) ۱۶/۶۱  
 ملک عباسی، منصور ۲۸/۶۰-۲۷/۲۰  
 ۲۶/۳۶-۲۲/۴۵-۲۰/۵۳-۱۹/۵۲-۱۸/۱۶  
 نامه ای از یک دانش آموز ۲۷/۲۰  
 نکاتی چند پیرامون کتاب جغرافیا ... ۲۰/۱۴

**علوم اجتماعی**

آموزش مهارت های اجتماعی در ... ۱۵/۴۲  
 تأملی در آموزش مهارت های اجتماعی ۱۵/۵۲  
 تفکیک قوا ... ۱۹/۵۶  
 جامعه پذیری و نظارت اجتماعی ۱۴/۵۵  
 جامعه پذیری، نظم و نظارت اجتماعی ۲۷/۴۶  
 جامعه شناسی به زبان ساده (۱) ۲۲/۵۵  
 ۲۶/۵۸-۲۴/۵۸-۲۶/۵۵  
 صبوری، منوچهر ۲۶/۵۵  
 گیدر، آنتونی ۲۶/۵۵  
 متولی الموتی، محمدشریف ۱۵/۵۲-۱۵/۴۲  
 ناصری، محمد مهدی ۱۸/۶۳-۱۴/۵۵  
 نگاه دوباره ۱۸/۶۳  
 نقش خانواده در جامعه پذیری ۲۹/۳۶

**علوم**

آب ۲۱/۸  
 آموزش به شیوه کاوشگری ۱۷/۶۰  
 آشنایی با موزه علوم یزد ۲۳/۳۰  
 ادبیات علمی ۱۴/۲۳  
 ارزشیابی در برنامه جدید ... ۲۵/۲۹  
 الوندی، حسین ۲۷/۱۶  
 امانی، محمود ۲۵/۵۱-۲۵/۳  
 انتظارات جدید ... ۲۵/۱۲  
 امتحان و ارزشیابی در علوم ۱۶/۱۴  
 انزوی، نیرو و توان ۲۲/۱۴  
 بدفهمی ها در آموزش علوم ۱۴/۳۵  
 بهزاد، دکتر محمود ۲۸/۹  
 پرلمان، یاکوف ۱۶/۲۱  
 تأثیر آب بر فشار ترومی ۲۷/۱۶  
 تاریکی و نور ۲۳/۴۲  
 ترس از تجربه ۲۳/۲۹  
 چرا کتابهای علوم تغییر کرده است ۲۵/۱۰  
 چیست؟ چرا؟ چگونه؟ ۲۴/۴۷  
 خلیلی، روح اله ۲۴/۲۷  
 دزایی، بهزاد ۱۶/۱۴  
 دماسنج ۲۲/۱۲  
 دیدگاه طبیبی ... ۲۵/۵۱  
 ربانی، جعفر ۱۴/۴۳  
 رستگار، طاهره ۲۵/۳۱  
 رصدخانه سیدرکن الدین ۲۳/۳۳  
 رحیم زاده، رحیم ۲۶/۵۸  
 روش های یاددهی و یادگیری ۲۵/۱۴  
 سؤال های شیمی ۱۹/۴  
 سعادت، محمود ۲۲/۱۲  
 سواد علمی- فناوریانه ۲۵/۶  
 علم آموزشی و مفهوم علمی ۲۸/۹  
 علم و توسعه ۱۸/۴  
 علم بخشی است از یک تصویر بزرگ ۱۵/۵۶  
 فلسفه آموزش علوم تجربی ۲۵/۵  
 کرام الدینی، محمد ۱۷/۴۶-۱۵/۵۷  
 گزارشی از مرکز علوم و ستاره شناسی ۲۸/۱۴

**ریاضی**

آموزش رشته دوم یا جذر ۲۱/۱۲  
 آموزش جمع و ضرب ۲۴/۱۴  
 آیا برنامه و کتاب های ریاضی دوره راهنمایی موفق بوده است؟ ۲۰/۳۰  
 اسماعیلی، اسماعیل ۱۶/۱۰-۱۵/۶۲-۱۶/۸  
 اقلیدس ۱۸/۳  
 اوره، کا، اوره کا ۲۰/۳۵  
 بناگر، علی اکبر ۱۵/۵۲  
 به استقبال سال جهانی ریاضیات ۲۰/۳۸-۱۹/۵۹-۲۰/۲۳  
 تقریب اندیشه ۲۴/۱۳  
 تقسیم اعداد اعشاری ۱۵/۵۲

گزارش زیر دریا ۱۶/۲۱  
 گیاهان حیات دارند و ... ۲۳/۴۵  
 مدرس، نورالدین ۲۷/۶۰  
 معافی، محمود ۱۴/۳۵  
 ملک عباسی، منصور ۲۸/۱۴  
 موزه دارآباد ۲۲/۱۰  
 موزه علوم لندن ۱۷/۴۶  
 مولدیریق چگونه اختراع شد؟ ۱۵/۵۱  
 مهارت ها ۲۵/۲۱  
 نصیریان، حسن ۲۳/۳۸  
 نقش مدیران مدرسه ها در فرآیند آموزش علوم ۲۵/۴۷  
 نقش والدین ... ۲۵/۴۸  
 نقطه آغاز ۲۵/۳  
 نگرش ها ۲۵/۲۱  
 ویکتور، ادوارد ۲۶/۵۸  
 هدف نوین آموزش علوم ۲۷/۶۰  
 هدف های آموزش علوم ... ۱۴/۳۸  
 همه چیز درباره انرژی ۲۶/۵۸  
 هدف های کلی در طرح جدید آموزش علوم تجربی ۲۵/۸  
 یادگیری فعال- یادگیری انفعالی ۲۵/۱۸  
 یک برنامه جامع برای آموزش علوم ۲۳/۳۸



جدول اعداد متقاطع ۲۱/۱۹	سید حسن مدرس و ... ۱۹/۴۱	حرفه و فن
جلیلی، میرزا ۲۴/۱۴-۲۳/۱۷-۳۰	صدیق، دکتر عیسی ۱۹/۳۰	آموزش تکنولوژی در قرن بیست و یکم ۲۶/۴۸
۲۰-۲۹/۱۸-۱۸/۳	گزارش فعالیت ها ... ۱۹/۴۲	آموزش حرفه و فن و چشم اندازی به آینده ۲۷/۵۲
جهانشاهی، ایرج ۲۲/۱۷	هم نشین واژگان ۱۹/۳۶	چرا باید با اینترنت آشنا شویم؟ ۲۸/۶
چگونگی محاسبه اندازه زاویه ... ۲۸/۱۶		قریشی، سید سعید ۲۶/۴۸-۲۹/۱۴
حکایت های ریاضی ۲۳/۱۶	<b>متون انگلیسی</b>	ملک عباسی، منصور ۲۸/۶
حکیم عمر خیام ۱۹/۳	The man and the donkey ۱۹/۳۵	نخستین فضانوردان ۲۹/۱۴
دستگاه های عددنویسی (۱) ۲۷/۵۶-۲۶/۴۲	Some Muslim Scientists ۲۰/۱۳	یزدانی، جواد ۲۷/۵۲
ریانی، موسی ۲۴/۱۳	Eearthquake ۲۱/۵	
رضایی، تیمور ۲۰/۴۳	Malaria ۲۳/۵	<b>آمادگی دفاعی</b>
روش نمرین ۱۶/۱۰	Thomas Alva Edison ۲۴/۵۳	آمادگی در برابر زلزله (تهران) ۱۸/۳۰
ریاضیات چیست؟ ۱۹/۵۹	Radar ۲۶/۶۲	ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روانی
ریاضیات در زندگی و عمل ۲۲/۶۲	Galileo ۲۷/۱۵	زلزله ۱۸/۵۲
سرگرمی برای اندیشه ورزی ۲۸/۴۷	A Ships Propeller ۲۸/۵۵	چگونه می توان در مقابل زلزله مصون ماند ۱۸/۳۶
سؤال های تقسیمی ۲۰/۴۸	Gravitation ۲۹/۲۵	در میدان تیر ۱۷/۱۸
شگفتی های ریاضی ۲۲/۱۷		<b>هنر</b>
شهریاری، پرویز ۲۲/۶۲		دستورالعمل ها ... برای مقابله زلزله ۱۸/۵۶
عسجدی، غلامرضا ۲۶/۴۲-۲۷/۵۶	آشتیانی، اسماعیل ۲۶/۵۲	دوستدارت نسرین (داستان) ۲۰/۱۰
۱۹/۵۹-۲۰/۳۸	از نگاه هنرمند ۲۷/۱۳	ریشتر و زمین لرزه ۱۸/۳۵
فرهنگ واژگان ریاضی ۲۰/۴۳	استاد حسن میرخانی ۲۸/۵۰	سعیدی رضوانی، محمود ۱۸/۵۶-۱۵/۶۰
گنورک کانتور بنیانگذار ریاضیات جدید ۲۱/۱۱	پژوهشی در شناخت نگارگری ۱۷/۵۶	سفری که کتاب درسی را تغییر داد ۱۵/۶۰
مبنا یا پایه ۲۹/۱۸	پیکر تراش معاصر (ابولحسن صدیقی) ۲۹/۲۶	سنگری، محمدرضا ۱/۵۹
مصحفی، عبدالحسین	خط نستعلیق در مدرسه ۱۶/۴۸	ضرورت و اهمیت آمادگی دفاعی در مدارس ۱۴/۵۹
مقدمه ای بر آموزش ریاضی در دوره راهنمایی ۱۵/۶۲	درآمدی بر شناخت بیان تصویری در آموزش هنر ۱۴/۵۱	عاشوری، غلامرضا ۲۷/۴۴-۱۷/۱۸
نریمان، حسین ۲۸/۱۶	سفال گری ۱۸/۶۶	فرجودی، جمشید ۱۸/۳۶
نقش پداگوژی در تدریس ریاضی ۲۳/۱۷	سندسی، سهیلا ۲۸/۵۰	قاسمی، زهرا ۱۸/۵۲
هندسه چیست؟ ۲۰/۳۸	سیف، هادی ۲۹/۲۶	لاما (سلاح کمبری) ۲۷/۴۴
یک بحث ریاضی ۱۴/۸	شرفی، حسن ۲۶/۶۴-۲۲/۱۸	ملک عباسی ۱۸/۳۰
	کمال الملک ۲۶/۵۲	یوسف زاده، احمد ۲۰/۱۰
<b>زبان انگلیسی</b>	معلم هنر و آموزش خلاق (۱) ۲۲/۱۸	<b>گفت و گو (میزگردهای مجلات)</b>
بهبودی، منیژه ۱۹/۳۶-۱۵/۱۸	۲۶/۶۴	گفت و گو درباره مطالعات اجتماعی ۱۵/۲۲
جنبه های کاربردی زبان ۱۵/۱۸	ناجی العلی و حنظله ۲۷/۳۶	ناصری، محمد مهدی ۱۵/۲۲
روش آموختن زبان خارجی ۱۹/۳۰	نصیری، اسرافیل ۲۱/۵۸-۱۸/۶۶	چوبینه، مهدی ۱۵/۲۲
زارعی نیستانک، شهلا ۱۹/۴۲-۳۶	۱۷/۵۶-۱۶/۴۸-۱۴/۵۱	عباسی، جواد ۱۵/۲۲
۱۵/۱۸-۱۹	هندسه نقوش ۲۱/۵۸	راهی به سوی توسعه پایدار (گفت و گو)

درباره علوم تجربی) ۱۴/۲۲  
 قریشی، سعید ۱۴/۲۲  
 اعلیٰ طهرانی، محمود ۱۴/۲۲  
 معتمدی، اسفندیار ۱۴/۲۲  
 ارزشیابی درس فارسی ۱۶/۲۷  
 دژم، ۱۶/۲۶  
 جهان‌تبع، ۱۶/۲۲  
 انصاری، احمدآقا ۱۶/۲۲  
 مریضوی، ۱۶/۲۲  
 لاهوتی، ۱۶/۲۲  
 نایان، ۱۶/۲۲  
 خیرآزی، جعفر ۱۶/۲۲  
 نلوچی ۱۶/۲۲  
 عرفی ۱۶/۲۲  
 حمزه‌زاد ۱۶/۲۲  
 دیلمی ۱۶/۲۲  
 شه‌ای (حاجم) ۱۶/۲۲  
 طاهرزاده (حاجم) ۱۶/۲۲  
 اعلایی (حاجم) ۱۶/۲۲  
 داودتی، حسن ۱۶/۲۲  
 مدیریت مدرسه راهنمایی ۱۷/۲۲  
 مشیر، سید احمد ۱۷/۲۴  
 صدیقی، حمید ۱۷/۲۴  
 نوبختی، حسین ۱۷/۲۴  
 افسرپناه، محمدابراهیم ۱۷/۲۴  
 شرفی، محمد ۱۷/۲۴  
 عرب، محمدحواد ۱۷/۲۴  
 قدم‌السلطناس، آقدس ۱۷/۲۴  
 فهیمان، فرزانه ۱۷/۲۴  
 گسرخچی، برگس ۱۷/۲۴  
 گفت و گو با یک زلزله‌شناس (دکتر غفوری  
 آشتیانی) ۱۸/۲۶  
 آموزش زبان خارجی ... ۱۹/۲۲  
 عنانی، ۱۹/۲۲  
 صمیمی ۱۹/۲۲  
 شیخ‌الاسلامی ۱۹/۲۲  
 زارعی، شهلا ۱۹/۲۲

غلام‌پور ۱۹/۲۲  
 گفت و گو با استاد هاشم تیریزیان ۱۹/۲۷  
 شرفی، حسن ۱۹/۴۷  
 امینی، شهراد ۱۹/۴۷  
 ریاضی در گفت و گو با ... ۲۰/۲۴  
 گروه‌های آموزشی در ... ۲۱/۲۲  
 یزدیان، آبت ۲۱/۲۲  
 هاشمی، محمد ۲۱/۲۲  
 درشتکار، مجید ۲۱/۲۲  
 خام‌اسفراذه ۲۱/۲۲  
 آموزش و تربیت دینی ۲۲/۲۲  
 آزادگان، فروغ ۲۲/۲۲  
 دوست فاطمه، فاطمه ۲۲/۲۲  
 زارع، دانه‌الله ۲۲/۲۲  
 شیخ‌عطار، فاطمه ۲۲/۲۲  
 فرهاد، علی ۲۲/۲۲  
 مکرّم‌شیرازی، محمدحسین ۲۲/۲۲  
 یقینی، علی‌رضا ۲۲/۲۲  
 علوم تجربی در یک گفت و گو ۲۳/۲۲  
 اندی، محمدحسین ۲۳/۲۲  
 بسطام، محمدهادی ۲۳/۲۲  
 دهقانی، فاطمه ۲۳/۲۲  
 طاقه‌یاق، محمدرضا ۲۳/۲۲  
 فیضری، پروین ۲۳/۲۲  
 اقتراح (درباره کتاب) ۲۴/۲۲  
 سنگری، محمدرضا ۲۴/۲۳  
 گلدان‌ساز، سیدمحمد ۲۴/۲۳  
 غمخواران‌گن، داود ۲۴/۲۴  
 امینی، محمود ۲۴/۲۴  
 صمیمی گیلانی، احمد ۲۴/۲۵  
 عبدالقایی، علی ۲۴/۲۵  
 سیداحلایی، محمد ۲۴/۲۶  
 آموزش جغرافیا، چگونه؟ ۲۶/۲۲  
 شایان، میوش ۲۶/۲۲  
 ملک‌عباسی، منصور ۲۶/۲۲  
 امیری‌نیا، کورش ۲۶/۲۲  
 گل‌شیرین، ۲۶/۲۴

شمعی، ۲۶/۲۲

آموزش زبان فارسی در یک گفت و گو ۲۸/۲۰

**کتاب‌ها و نشریات**

آنچه معلم علوم باید بداند ۲۷/۵۰  
 آموزش تخصصی معلمان ۱۶/۵۵  
 آموزش علوم در مدارس ابتدایی (مرکز نشر  
 دانشگاهی) ۱۴/۴۷  
 آموزش علوم در مدارس ابتدایی (استان قدس  
 رضوی) ۱۴/۴۷  
 افضلی، محمدحسین ۱۹/۱۱  
 المناسی، مهدی ۲۷/۵۱  
 الوالدی، حسین ۲۸/۵۳  
 امینی، پروین ۲۰/۵۲  
 بازرگان، زهرا ۲۹/۴۷  
 بشارت (ماهنامه قرآن) ۱۶/۶۲  
 بیم‌موج ۱۶/۶۲  
 بیغلی، تقی ۱۸/۲۴  
 تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی ۱۷/۵۰  
 تاریخ یک ارتداد ۲۷/۳۸  
 نری، جینگر ۱۵/۱۶  
 تجربه‌های مدرسه‌داری ۱۷/۴۵  
 حواهر فروش زاده، عبدالرحیم ۱۶/۵۵  
 جدول اعداد متقاطع ۲۰/۵۲  
 جنبش ضد استعماری جنوب ۲۹/۴۶  
 حسن‌زاده، فرهاد ۲۷/۵۱  
 حسین بهزاد ۲۷/۵۱  
 حریز فروش، زهرا ۱۵/۱۶  
 حاجی، سیدمحمد ۱۶/۶۲  
 خواجه نظام‌الملک ۲۷/۵۱  
 خواجه نصیرالدین طوسی ۲۷/۵۱  
 خواجه نصیر طوسی، احمد (ترجمه) ۱۹/۱۱  
 خودآموز هدفدار فارسی ۲۷/۵۱  
 دانش دوست، یعقوب ۱۸/۴۳  
 دانش‌فر، حسین ۲۷/۵۰  
 داودتی، حسام ۲۲/۴۴  
 دستور کار آزمایشگاه (دوم) ۱۵/۱۶



رام کردن و پرورش مسأله‌های ریاضی ۲۰/۵۲  
 ربانی، جعفر ۲۷/۳۸  
 رزازیان، مریم ۱۹/۳۷  
 سرزمین زلزله خیز ایران ۱۸/۴۴  
 سهراب (مافی)، معصومه ۱۷/۴۵  
 شریف، مجید ۲۷/۳۸  
 شعریه شعر ۲۷/۵۰  
 شمّاسی، عبدالحی ۲۷/۵۱  
 صالحی طالقانی، امیر ۲۰/۵۲  
 طبس، شهری که بود ۱۸/۴۲  
 علوم پیاموزیم ۱۹/۱۱  
 علم در خانه ۱۹/۱۱  
 فرهنگنامه عاشورا ۱۸/۲۱  
 فرهنگ واژه‌های هم خانواده ۲۷/۴۶  
 فعالیت‌های لذت بخش در زیست شناسی ۲۸/۵۳  
 قاسم پورمقدم، حسین ۲۷/۵۱  
 کمک به کودکان در یادگیری ریاضیات ۲۲/۶۴  
 کیانوش، محمود ۲۷/۵۰  
 گازودی، روزه ۲۷/۳۸  
 گامی در رشد کتابخوانی ۲۱/۵۶  
 گاتری، آیتا ۱۹/۱۱  
 مافی، یحیی ۱۷/۴۵  
 محدثی، جواد ۱۸/۲۱  
 محقق، محمدرضا ۲۹/۴۰  
 مدیریت در آموزش و پرورش (فصلنامه) ۱۷/۴۴  
 مصحفی، عبدالحسین ۲۰/۵۲  
 مطهری زاده، موسی ۲۹/۴۶  
 مظفریان، متوجهر ۲۸/۴۶  
 میانجیگری در مدرسه ۲۹/۴۷  
 ناصری، محمد ۲۱/۵۶  
 نگرش نویر آموزش علوم تجربی ۱۴/۴۷  
 نوجوانان دانش دوست تحقیق می کنند (۲۰ جلدی) ۱۵/۱۶  
 نوجوانان دانش دوست تحقیق می کنند ۲۳/۳۵  
 واژه نامه انگلیسی ۱۹/۳۷

وزیرتیا، سیما ۲۷/۵۱  
**مطالب عمومی**  
 آرمتد، محمد ۲۳/۳۶  
 آشنایی با برنامه ریزی درسی ۲۰/۵۷  
 آنجا که خانه ام نیست ۲۴/۶۱  
 احمدی، غلامرضا ۲۱/۴۹  
 اسماعیلیان، مهدی ۲۹/۴۰  
 اهداف دوره راهنمایی تحصیلی ۲۶/۶۶  
 پرسش‌های کلامی ۲۳/۳۶  
 تربیت و اقتصاد ۱۹/۱۶  
 نور (داستان) ۲۲/۵۸  
 چرا انتفاضه مسجدالاقصی آغاز شد ۲۷/۴۰  
 چلچراغ اندیشه و فرهنگ (سرمقاله) ۲۴/۲  
 درستکار، مجید ۲۱/۴۹  
 دیوار (داستان) ۲۳/۶۰  
 رسالت کتابخانه ۲۴/۲۸  
 روزگار معلمی ۲۰/۶۰  
 رهگذر (سرشار) محمدرضا ۲۴/۶۱  
 روزهای امتحان (سرمقاله) ۲۸/۳  
 سال امام خمینی (سرمقاله) ۲۰/۲  
 سیحانی، توفیق ۲۰/۶۰  
 سعادت، اسماعیل ۲۴/۲۸  
 شابک؟ ۲۷/۴۵  
 شعر امروز افغانستان ۲۶/۱۳  
 شعرهایی برای کتاب ۲۴/۳۱  
 شکری، رحیم ۱۹/۳۹-۲۰/۵۷  
 صنّاعی، دکتر محمود ۱۹/۱۶  
 ضیاظریفی، ابوالحسن ۲۹/۴۳  
 غفارزادگان ۲۳/۶۰  
 فیاض بخش، محمدعلی ۲۹/۲۳  
 کتاب اما از نوعی دیگر ۲۴/۳۳  
 کتابخانه مدرسه ۲۴/۳۹  
 گزارش یک تحقیق ۲۱/۴۹  
 گزارش یک تحقیق ... ۱۹/۳۹  
 لطایف ابو حیان ۱۹/۲۰  
 لطایف جامی ۲۴/۲۰

لطایف طوایف ۲۱/۲۰  
 لطایف عبید ۲۰/۶۳  
 لطایف استاد سخن ۲۳/۲۰  
 لطایف شمس ۲۲/۲۰  
 لاجلک یا مدینه الصلوٰة اصلی ۲۷/۲۲  
 مدرسه‌های راهنمایی و ما (سرمقاله) ۲۳/۲  
 مرادی کرمانی، هوشنگ ۲۲/۵۸  
 مرادی، مهدی ۲۹/۴۰  
 مرزدوستی ۲۹/۴۰  
 مسلمانان و جهانی شدن ۲۹/۴۰  
 مشکل مواد مخدر ۲۹/۴۰  
 مرکز تحقیقات معلمان اصفهان ۲۱/۳۲  
 مطالعه صحیح ۱۷/۵۱  
 مقال، محمود ۲۰/۶۰  
 موروا، آندره ۲۴/۲۸  
 نامه‌های تبعید ۲۱/۴  
 نهضت دست‌های پاک ۲۹/۴۳  
 نوشتن و سخن گفتن ۲۹/۴۷  
 وزیرتیا، سیما ۲۹/۴۷  
 همای رحمت (شعر) ۲۷/۲  
**ایران شناسی**  
**(عکس‌های صفحه سوم جلد)**  
 آذربایجان و زنجان شماره ۲۴  
 اصفهان شماره ۲۳  
 جنوب شماره ۲۵  
 چهارمحال و بختیاری شماره ۱۸  
 حاشیه کویر شماره ۲۸  
 خوزستان شماره ۲۱  
 فارس شماره ۲۰  
 کرمان (۱) شماره ۲۶  
 کرمان (۲) شماره ۲۷  
 گیلان، مازندران شماره ۲۲  
 یزد شماره ۱۹



رشد

آموزش و تفریح  
آموزش و تفریح

### شرایط اشتراک:

۱. واریز حداقل مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه سرخه حصار، کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال اصل رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.
۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

نام و نام خانوادگی:	.....	تاریخ تولد:	.....
میزان تحصیلات:	.....	تلفن:	.....
نشانی کامل پستی:	.....	شهرستان:	.....
استان:	.....	کوچه:	.....
خیابان:	.....	کد پستی:	.....
پلاک:	.....	شماره و تاریخ رسید بانکی:	.....
مبلغ واریز شده:	.....		

امضا

دوستان محترم و دیگر خوانندگان عزیز که مقالات و نوشته های خود را برای مجله می فرستند فرم زیر را نیز کامل کرده و ضمیمه نوشته خود به نشانی تهران، صندوق پستی ۶۵۸۵ - ۱۵۸۷۵ ارسال نمایند.

عنوان مقاله یا نوشته:

نام و نام خانوادگی نویسنده:

نشانی دقیق محل کار:

نشانی دقیق منزل:

شماره تلفن و کد شهرستان:

شماره حساب بانکی:

آموزش و تفریح  
آموزش و تفریح



# ایران شناسی استان کرمانشاه



طلوع بستان



سزارب نیلور در



آبشار صحنه



تکه معادن الماسک



مختر کرد



بازار



سجده



کپوه



ویژه نامه  
حرفه و فن

# مهندسی پزشکی

شماره ۲۸

تابستان ۱۳۸۸

پایه علمی: کارشناسی ارشد

